شعله جاوید

ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

جریده شعله جاوید ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است که عمدتا در خدمت تدارک، برپائی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد.(اساسنامه حزب)

شماره (۱) | دوره پنجم | ثور ۱۴۰۰ (می ۲۰۲۱)

ویژه اسناد تصویب شده در سومین کنگره سراسری حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان

اطلاعیهٔ

سومین کنگره سراسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به اشتراک اکثریت قریب به اتفاق نمایندگانِ تمامی واحدهای تشکیلاتی حزب، پس از گذشت تقریباً هفت سال از زمان برگذاری دومین کنگرهٔ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان دایر گردید و نظر به مشکلات امنیتی و کرونایی کشور پس از دو روز موفقانه خاتمه یافت.

محل برگذاری کنگره با یک پوستر بزرگ از تصاویر رهبران بزرگِ جنبش کمونیستی بین‌المللی (مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوتسه دون) و درفش حزب و هم‌چنین تصاویر زنده‌یادان رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و رفیق اکرم یاری مزین گردیده بود.

صفحه (۲)

فرخنده باد سومین کنگرهٔ سراسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۵ حمل ۱۴۰۰ خورشیدی

گزارش سیاسی

به سومین کنگرهٔ سراسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

قسمت اول

سندی که هم اکنون مطالعه می‌نمائید، گزارش سیاسی به سومین کنگره سراسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است که در شماره اول دور سوم نشریه درونی حزب منتشر گردیده است، بعد از تعدیلات لازمه که مستلزم انتشار در شعله جاوید است، در نوشته حاضر انعکاس داده شده است. آن مطالبی که خصلت درونی داشته، در این نوشته انعکاس داده نشده است. بر علاوه مطالب معینی از متن اصلی از لحاظ نحوه بیان به قسمی مورد تعدیل قرار گرفته، که برای نشر در شعله جاوید مناسب و موزون باشد.

صفحه (۴)

ویژه اسناد تصویب شده در سومین کنگره سراسری حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان

اطـــلاعـــیهٔ

سومین کنـــگره سراسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به اشتراک اکثریت قریب به اتفاق نمایندگـــان تمـــامی واحدهای تشکیلاتی حزب، پس از گذشت تقریباً هفت سال از زمان برگذاری دومین کنگرهٔ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان دایر گردید و نظر به مشکلات امنیتی و کرونایی کشور پس از دو روز موفقانه خاتمه یافت.

فرخنده باد سومین کنگرهٔ سراسری
حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
بهار ۱۴۰۰ خورشیدی

محل برگذاری کنگره با یک پوستر بزرگ از تصاویر رهبران بزرگ جنبش کمـــونیـــستـــی بـــین‌المللـــی (مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوتسه دون) و درفش حزب و هم‌چنین تصاویر زنده‌یادان رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و رفیق اکرم یاری مزین گردیده بود. در زیر عکس رهبران بزرگ جنبش کمونیستـــی بین‌المللی شعار "فرخنده باد سومین کنگرهٔ سراسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان" به چشم می‌خورد. به همین ترتیب تریبون سخنرانی کنگره سوم حزب، با شعار "شعله جاوید ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است که عمدتا در خدمت تدارک، برپائی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد." مزین گردیده بود. تریبون سخنرانی کنگره با دو درفش کوچک و یک درفش نسبتاً بزرگ حزب تزئین یافته بود.

فرخنده باد سومین کنگرهٔ سراسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
۲۵ حمل ۱۴۰۰ خورشیدی

مرحله اول کار کنگره سوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با سخن‌رانی مسئول جلســـه و پخش سرود انترناسیونال به‌کار خود آغاز کرد. سپس گزارش سیاسی به کنگره سوم حزب در ۶ بخش (پراتیک مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، حـــزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، اصول تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، درباره اوضاع جهانی، اوضاع کنونی و وظایف ما و مبارزه برای حفظ محیط زیست)، توسط اعضای "کمیته تدارک و برگذاری کنگره..." به کنگره سوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ارائه گردید. در ابتدای ارائه گزارش سیاسی به کنگره، به یاد و خاطرهٔ رفقای

زنده یاد هر یک رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، رفیق عزیز، رفیق مومند، رفیق حفیظ، رفیق کریم الله، رفیق وثوق، رفیق قاسمی و رفیق جان باخته پشه‌یی و سایر رفقای جان باخته جنبش مائوئیستی در افغانستان و جهان بپا خاستند و ۲ دقیقه سکوت کردند. رفقای حاضر در کنگره سوم حزب بعد از استماع گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب روی مندرجات گزارش سیاسی به کنگره سوم به بحث و تبادل نظر پیرامون گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب به کنگره سوم پرداختند، نظرات و پیش‌نهادات خود را بیان کردند. همهٔ رفقا، موافقت کامل خود با متن گزارش سیاسی به کنگره سوم را اعلام کردند و در ضمن اصلاحات و تعدیلات معینی برای بهتر شدن قسمت‌هایی از آن را نیز پیش‌نهاد نمودند. پیش‌نهادات ارائه شده توسط رفقا مورد جر و بحث قرار گرفت و اکثریت آن‌ها مورد پذیرش واقع شد. در پایان مرحله اول کار کنگره سوم حزب، گزارش سیاسی ارائه شده به کنگره سوم، توام با جمع‌بندی از خط و مشی سیاسی حزب، به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت.

به تعقیب گزارش سیاسی کمیته مرکزی به سومین کنگره حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، گزارش دفتر سیاسی حزب توسط نماینده دفتر سیاسی ارائه گردید و به تعقیب آن گزارشات کمیته تشکیلات، کمیته روابط بین‌المللی و کمیته مالی توسط مسئولین کمیته‌ها و گزارش سائر کمیته‌ها توسط نمایندگان آن‌ها به سمع رفقای شرکت کننده رسانده شد. رفقای شرکت کننده در کنگره سوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به تبادل نظر پیرامون گزارشات فوق الذکر پرداختند و گزارشات را در مجموع مورد تائید قرار دادند.

در مرحلهٔ دوم کار کنگره سوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، مسودهٔ اساس‌نامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که توسط دفتر سیاسی حزب ترتیب و به پولینوم هفتم کمیته مرکزی دوم حزب ارائه گردیده بود و پولینوم هفتم کمیتهٔ مرکزی حزب پس از وارد نمودن تعدیلات و اصلاحات معینی بر متن مسوده، به کمیته تدارک و برگذاری کنگرهٔ سوم حزب وظیفه داد که مسوده را برای نظر خواهی عمومی در میان تمامی واحدها، اعضاء و داوطلبان عضویت در حزب توزیع نماید که پس از نظرخواهی عمومی، یک‌بار دیگر مسوده به‌دسترس کمیتهٔ مرکزی حزب قرار گرفت. متن جدید مسوده توسط کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به کنگرهٔ سوم حزب ارائه گردید و مسودهٔ اساس‌نامهٔ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در کنگرهٔ سوم حزب مورد بحث قرار گرفت و برای آخرین بار اصلاحات، تعدیلات و اضافات بیش‌تری در آن وارد و متن نهایی شده، در کنگره مورد رای گیری قرار گرفت و به اتفاق آراء تصویب گردید.

در مرحلهٔ سوم کار کنگره، انتخابات برای تعیین اعضای اصلی و علی‌البدل کمیتهٔ مرکزی برگذار شد. برای هر یک از رفقای که خود را کاندید نموده بودند به مدت ۲۰دقیقه فرصت داده شد تا پیرامون فعالیت‌های مبارزاتی شان بین کنگره دوم و سوم حزب جهت شناسایی‌شان به رفقای شامل در کنگره صحبت نمایند و یا به‌عبارت دیگر برای خود کمپاین نمایند. مشمولین کنگره بعد از استماع سخن‌رانی رفقا، مطابق اساس‌نامه به رفقای که خود را کاندید نموده بودند، رای دادند. در نتیجهٔ این رای‌دهی اعضای اصلی و علی‌البدل کمیتهٔ مرکزی حزب انتخاب گردیدند.

در بخش پایانی کار کنگره، سرود انترناسیونال یک‌بار دیگر پخش گردید و تمامی اعضای کنگره بپا خاسته و سرود انترناسیونال را هم‌راهی نمودند. کار کنگرهٔ سراسری سوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، با ابراز این تعهد که پس از پایان کنگره شاهد فعالیت‌های جدی‌تر ِ مبارزاتی تمامی اعضای حزب و بخصوص رفقای کمیته مرکزی باشیم، پایان یافت.

پس از پایان یافتن کار کنگره، رفقای شامل در کنگره محل برگذاری کنگره را ترک گفته و عازم مناطق شان شدند.

کمیتهٔ مرکزی

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۵ حمل ۱۴۰۰ خورشیدی

گزارش سیاسی

به سومین کنگرهٔ سراسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

قسمت اول

سندی که هم اکنون مطالعه می‌نمائید، گزارش سیاسی به سومین کنگره سراسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است که در شماره اول دور سوم نشریه درونی حزب منتشر گردیده است، بعد از تعدیلات لازمه که مستلزم انتشار در شعله جاوید است، در نوشته حاضر انعکاس داده شده است. آن مطالبی که خصلت درونی داشته، در این نوشته انعکاس داده نشده است. بر علاوه مطالب معینی از متن اصلی از لحاظ نحوه بیان به قسمی مورد تعدیل قرار گرفته، که برای نشر در شعله جاوید مناسب و موزون باشد.

سـرود انترناسیونال

برخیز ای داغ لعنت خورده، دنیای فقر و بندگی — جوشیده خاطر ما را برده به جنگ مرگ و زندگی

باید از ریشه براندازیم کهنه جهان جور و بند — آنگه نوین جهانی سازیم، هیچ بودگان هرچیز گردند

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما — انترناسیونال است نجات انسان ها

برما نبخشند فتح و شادی، نه شه نه قهرمان — با دست خود گیریم آزادی، در پیکارهای بی امان

تا ظلم از عالم بروبیم نعمت خود آریم به کف — دمیم آتش را و بکوبیم تا وقتی آهن گرم است

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما — انترناسیونال است نجات انسان ها

تنها ما توده جهانی، اردوی بی‌شمار کار — داریم حقوق جهانبانی نه که خون‌خواران غدار

غرد وقتی رعد مرگ آور بر دژخیمان و رهزنان — در این عالم بر ما سراسر تابد خورشید نور افشان

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما — انترناسیونال است نجات انسان ها

مقدمه:

با درودهای رفیقانه و انقلابی!

رفقا!

در اساس‌نامهٔ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بخش آئین‌نامهٔ تشکیلاتی قید گردیده که «کنگره سراسری حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان عالی‌ترین مرجع تشکیلاتی حزب است که در هر پنج سال یک‌بار به دعوت کمیته مرکزی برگزار می‌گردد» کنگرهٔ دوم حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان پس از ده سال و چند ماه دایر گردید. اینک کنگره سوم حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان پس از گذشت تقریباً هفت سال در شرایطی دایر می‌گردد که از یک‌طرف رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان دیگر در میان ما نیست و ما کم‌بود رفیق ضیاء را جداً احساس می‌کنیم. یک‌بار دیگر این ضایعه بزرگ و غیر قابل سنجش را به رفقای حاضر در جلسه و تمامی اعضا و هواداران حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان و همه مائوئیست‌های افغانستان و سایر احزاب و سازمان‌های مائوئیست جهان تسلیت عرض می‌کنیم. کاملاً مناسب و ضروری می‌دانیم که همه رفقا بخاطر ادای احترام به رفیق زنده یاد ضیاء و رفقای زنده یاد رفیق عزیز، رفیق حفیظ، رفیق مومند، رفیق وثوق، رفیق کریم الله، رفیق قاسمی و رفیق جان‌بخته پشه‌یی بپا خیزند و دو دقیقه سکوت نمایند. و از طرف دیگر طالبان از جنگ مقاومت ارتجاعی‌شان دست کشیده و به اشغال‌گران امپریالیست امریکایی تسلیم گردیدند و اکنون به مذاکره برای تشکیل یک رژیم دست‌نشانده ارتجاعی پسا توافق پرداخته اند و به چانه زنی مصروف‌اند، در چنین حالتی اوضاع و شرایط کنونی از ما می‌طلبد که برای پیش‌برد خط ترسیم شده توسط رفیق ضیاء و رفقای هم‌رزمش در قدم اول وحدت حزب را مانند مردمک چشم خود حفظ نموده و با کار خستگی ناپذیر، برای بیرون رفت از حالت تدارک برای برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نورزیم.

رفقا!

با درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در طی هفده سال گذشته ما سه تن از کادرهای برجسته و رهبری حزب و پنج تن از اعضای فعال حزب را از دست داده ایم. ما یقین کامل داریم که یاد و خاطره رفقای ما بطور همیشه زنده و جاودان باقی می‌ماند و باید هم بماند. هر قدر که ما با تقبل مسئولیت‌ها فعالانه، به پیش رویم و کادرهای جوان را برای تقبل این مسئولیت تربیه نمائیم به همان اندازه یاد و خاطرات رفقای ما زنده و جاودانه باقی خواهد ماند. امروز رفقا بخوبی شاهد اند که رفقای بنیان‌گذار حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در مجموع از لحاظ سنی در قطار رفقای زنده یاد ما و حتی بسیاری بالاتر از ایشان قرار دارند، لذا لازمی و ضروری است که کادرهای جوان حزب گام به جلو گذارند و با تقبل مسئولیت‌های بیش‌تر وظایف شان‌را بطور همه جانبه به‌پیش برند. در این زمینه رفقای با تجربه و کهن سال ما یقیناً که کادرهای جوان را در راه پیش‌برد مبارزات حزب از لحاظ ایدیولوژیک ـ سیاسی کمک خواهند نمود و تجارب خویش را به ایشان انتقال خواهند داد.

گرچه حزب ما در کنگره دوم این کار را نمود و تعدادی از رفقای جوان را بالا کشید، اما متاسفانه که بعضی از رفقای جوان مسئولیتی را که پذیرفته بودند به آن پشت نموده و ما را در نیمه راه رها نمودند. ما امیدواریم که رفقای جوان در این کنگره با پذیرفتن و تقبل مسئولیت‌های شان جرئت‌مندانه به پیش حرکت نمایند و وظایف شان‌را به‌طور احسنی انجام دهند.

اینک کنگره پر افتخار ما دایر است و امر بزرگ تصویب دوباره اساس‌نامه، تعیین اعضای اصلی و علی البدل کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و تصویب بقیه فیصله‌ها را پیش‌رو دارد.

بدون شک تدویر موفقانه و اختتام پیروزمندانهٔ جلسات این کنگره بعد از درگذشت رفیق ضیاء برای حزب ما یک

موفقیت تاریخی است، به همین ترتیب این کنگره نه‌تنها بالای فعالیت‌های مبارزاتی آیندهٔ حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان تاثیرات مثبت به‌جا خواهد گذاشت، بل‌که بر کلیت جنبش انقلابی و مائوئیستی افغانستان نیز به نحو برجسته‌ای محسوس و ملموس خواهد بود.

ما یقین کامل داریم که برگزاری موفقانه و اختتام پیروزمندانه کنگره سوم حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان با تقبل مسئولیت‌ها و برخورد فعالانهٔ رفقا و به‌خصوص رفقای جوان ما، حزب ما را قادر می‌سازد که حالت تدارک برای برپایی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست نشانده پسا توافق شان را هرچه زودتر به پایان رسانده و درفش گلگون مقاومت ملی مردمی و انقلابی را بر کوه پایه‌های کشور به اهتزاز در آورند. در چنین حالتی است که حزب ما می‌تواند وظایف و مسئولیت‌های انترناسیونالیستی خود را در قبال جنبش بین المللی کمونیستی و جنبش مقاومت خلق‌های جهان علیه کارزار تجاوزگرانه و اشغال‌گرانه امپریالیست‌ها تحت رهبری امپریالیزم امریکا و دست‌نشاندگان ارتجاعی شان در کشور ایفا نماید.

حزب ما در طی بیش‌تر از هفده سال گذشته مسیر مبارزاتی پر فراز و نشیبی را طی کرده است، و مبارزاتش را علیه ضعف‌ها، کمبودها و ناتوانی‌های ایدئولوژیک ـ سیاسی و تشکیلاتی حساب شده و حوصله‌مندانه به‌پیش برده است. بعد از این هم مبارزاتش را برای پیاده نمودن خط مشی اساس‌نامه حزب با جدیت هرچه تمام‌تر به‌پیش خواهد برد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نه‌تنها مبارزاتش را موفقانه علیه خط رویزیونیستی "سنتزهای نوین" آواکیان و دنباله روانان ایرانی‌اش و هم‌چنین رویزیونیزم "راه پاراچندا" به‌پیش برد و آن‌ها را زمین‌گیر نمود و تا حدی علیه انحراف ایدئولوژیک ـ سیاسی "اندیشه گونزالو" مبارزاتش را به پیش برد. (متاسفانه که این مبارزه به اندازه مبارزه علیه "سنتزهای نوین" و "راه پاراچندا" جدی و پیگیر نبود، به‌همین دلیل انحرافات "اندیشه گونزالو" در میان جنبش مائوئیستی توانست تا حدی جا باز کند)، بل‌که در مبارزاتش علیه اشغال‌گران امپریالیست به رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا و رژیم دست‌نشانده آنان و اشغال‌گران داعشی به‌عنوان دشمن عمده و مبارزه علیه طالبان را به‌عنوان دشمنان غیرعمده تا حد معینی موفق بوده و با این موضع‌گیری استوار مبارزاتش را علیه تسلیم شدگان و تسلیم طلبان نیز به نحو درست و اصولی پیش برده است. مبارزات استوارانه حزب ما تا حد معینی توانسته که نیروهای تسلیم طلب "چپ" را به سوی موضع‌گیری علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده آنان بکشاند و تعدادی از ایشان‌را سمت و سوی مبارزات مائوئیستی دهد.

همین مبارزات استوارانه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در سطح جهانی علیه رویزیونیزم "سنتزهای نوین" آواکیان و "راه پاراچندا" و انحراف عمیق ایدئولوژیک " اندیشه گونزالو" و در سطح داخلی مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی آنان به‌عنوان دشمن عمده و هم چنین مبارزه علیه تسلیمی و تسلیم طلبی به‌عنوان جزء لاینفک مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست بود که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را آب‌دیده نمود تا در مقابل تزلزلات و ناپایداری تعدادی از رفقای "نیمه" راه که باعث باربار "ریزش"های گروپیک در حزب گردید، استوار به‌ایستد و وحدت حزب را به‌طور کلی حفظ نماید و می‌رود که در آینده بیش‌تر از پیش تحکیم یابد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در عرصه بین‌المللی برای ایجاد تشکیلات بین‌المللی با احزاب و سازمان‌های مائوئیست جهان جداً تلاش نمود، این تلاش‌ها علی‌رغم پیش‌روی نسبتاً کند، مایه امیدواری است که بتوانیم با هم‌آهنگی‌های مبارزاتی حزب ما با سایر احزاب مائوئیست جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را دوباره احیا نمائیم.

رفقای شرکت کننده در کنگره سوم کمیته مرکزی حزب در جریان اوضاع بین المللی، اوضاع افغانستان، اوضاع جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و رویزیونیزم "سنتزهای نوین" رویزیونیزم "راه پاراچندا" و انحراف "اندیشه گونزالو" و به‌خصوص نقاط مثبت و منفی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان قرار خواهند گرفت و دقیقاً که طرحاتی برای تقویت بیش‌تر نقاط مثبت و رفع نقاط منفی حزب به کنگره ارائه می‌نمایند. وظیفه کنگره این است تا تعدیلات و اصلاحات لازمهٔ نهایی در گزارش

سیاسی و ارائه شده به عمل آورد و سپس آن‌را مورد تصویب قرار دهد.

پس از ارائهٔ گزارش سیاسی به کنگره سوم، مسودهٔ اساس‌نامهٔ حزب به کنگره ارائه می‌گردد. این مسوده بار اول توسط دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب ترتیب و تنظیم گردید و به پولینوم هفتم کمیتهٔ مرکزی حزب ارائه شد. پولینوم هفتم کمیتهٔ مرکزی حزب پس از وارد نمودن تعدیلات و اصلاحات معینی بر متن مسوده، به کمیته تدارک و برگذاری کنگرهٔ سوم حزب، وظیفه داد تا مسوده را برای نظر خواهی عمومی در میان تمامی واحدها، اعضا و داوطلبان عضویت در حزب پخش نماید. پس از نظرخواهی عمومی، یک‌بار دیگر مسوده به دسترس کمیتهٔ مرکزی حزب قرار گرفت و تعدیلات و اصلاحات بیش‌تری در آن صورت گرفت.

بدین ترتیب سند تصویب شده در پولینوم هفتم کمیتهٔ مرکزی حزب اینک به دسترس کنگره حزب قرار دارد. کنگره می‌تواند یکبار دیگر، و برای آخرین بار، تعدیلات و اصلاحات لازمهٔ بیش‌تری بر متن این سند وارد نماید و سپس آن را تصویب نماید.

برای ایجاد سهولت بیش‌تر در این وظیفه، تمامی تعدیلات، اصلاحات و اضافات وارده بر متن اساسنامهٔ قبلی در مسودهٔ اساسنامهٔ جدید نشانی شده است. در صورتی که هر یک از رفقا در مورد این تعدیلات، اصلاحات و اضافات سوالی داشته باشند، می‌توانند برای دریافت جواب، سوالات شان‌را در کنگره مطرح نمایند.

اساس‌نامهٔ تصویب شده توسط کنگره، از حالا تا زمان تدویر کنگرهٔ چهارم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان حیثیت قانون اساسی‌ای را برای حزب خواهد داشت که کل حیات ایدیولوژیک- سیاسی و تشکیلاتی حزب باید بر اساس آن تنظیم گردد.

سپس کنگره برای انتخاب اعضای اصلی و علی البدل کمیتهٔ مرکزی حزب اقدام می نماید. هر رفیقی که خود را کاندید می‌نماید بر اساس رای اکثریت در کنگره انتخاب یا رد خواهد شد و هر رفیقی که رای اکثریت را کسب نماید عضو کمیته مرکزی است.

آخرین اقدام کنگره سوم حزب، عبارت خواهد بود از تصویب اطلاعیه‌ای در مورد برگذاری سومین کنگرهٔ سراسری حزب.

ما در گزارش سیاسی بیش‌تر تمرکز روی حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان و پراتیک مبارزاتی هفده ساله‌اش می‌نمائیم: بخصوص در شرایط کنونی که طالبان به اشغال‌گران امریکایی تسلیم گردیده و طالبان می‌خواهند از طریق "مذاکرات بین‌الافغانی" یک رژیم دست‌نشانده پسا توافق را با تمام مرتجعین و خائنین ملی تشکیل دهند. هرگاه طالبان به این خواست‌شان برسند و اشغال‌گران امریکایی موفق به تشکیل چنین رژیمی گردند، جابجایی در تضاد عمده به‌وجود آمده و طالبان در صف دشمنان عمده کشور و مردمان کشور قرار می‌گیرند.

رژیم پوشالی "پسا توافق" از یک سو از گذشته هم اسلامی‌تر می‌گردد و هم شئونیزم ملیتی و جنسیتی اش غلیظ تر می‌شود، و از سوی دیگر انقیاد ملی در کشور گسترده‌تر خواهد گردید.

بناء ما باید به استقبال اوضاع جدید رفته و روی‌کردهای مبارزاتی خود را طبق این تحول عیار ساخته و در مطابقت با خط و مشی حزبی خویش بازبینی نموده و تلاش نماییم قبل از هر امری یک جمع‌بندی علمی منسجم از عمل‌کردها و نظرات دو دههٔ گذشتهٔ خود به عمل آوریم و بر مبنای آن اقدامات بعدی خود را در پرتو شرایط جدید عیار سازیم.

پراتیک مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در هفده سال گذشته:

پراتیک مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در ظرف هفده سال گذشته در عرصه‌های مختلف مبارزاتی، هم شامل دست‌آوردها و پیش‌رفت‌ها و هم شامل ضایعات و عقب‌گردهای غیر قابل سنجش بوده است.

ما باید در این کنگره بطور جدی روی ضایعات و عقب‌گردهای مان تمرکز نموده و آن‌ها را به ارزیابی بگیریم، در چنین حالتی است که می‌توانیم در فاصلهٔ زمانی میان کنگرهٔ سراسری سوم و کنگرهٔ سراسری چهارم حزب، بر دست‌آوردها و پیش‌رفت‌های مان قویاً بیفزاییم و ضایعات و عقب‌گردها را جداً تقلیل دهیم.

از آن‌جایی که در ظرف هفده سال گذشته مبارزهٔ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در کل بر

محور تدارک، برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست‌نشاندهٔ آنان، پیش برده شده است، ما در این کنگره مجموع فعالیت‌های مبارزاتی حزب را بر محور همین وظیفهٔ مبارزاتی عمده و محوری به ارزیابی می‌گیریم، و برای زدودن نواقص و کمبودات، نواقص و کمبودات حزب را به بحث می‌گیریم.

در برنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مصوب کنگره اول، جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی را چنین بیان نموده است:

« جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی جنگی است نقشه‌مندانه که توسط نیروهای نظامی ضعیف و کم‌توان ملی مردمی و انقلابی علیه نیروهای نظامی پر قدرت و وسیع اشغالگران امپریالیست و خاینین ملی مرتجع و دست‌نشاندهٔ شان به راه می‌افتد. این جنگ نمی‌تواند به‌صورت خود به‌خودی آغاز شود، بل‌که برپایی و پیش‌برد آن مستلزم تهیه و تطبیق نقشه‌ها و پلان‌های معین و مشخصی است که حزب و توده‌های تحت رهبری‌اش را قادر می‌سازد عملاً جنگ را آغاز نمایند. فقط با پیش‌برد موفقانهٔ فعالیت‌های تدارکی است که جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی می‌تواند برپا گردیده و به‌پیش برده شود. قبل از شروع جنگ، تدارک برای برپایی آن و پس از آن‌که برپا گردید پیش‌برد اصولی و موفقیت‌آمیز آن باید به مثابهٔ محور تمامی اشکال فعالیت‌های مبارزاتی حزب و توده‌ها محسوب گردد. عدم توجه به‌این امر در نهایت به هیچ چیز دیگری جز بی‌توجهی به امر کبیر جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی و استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور و کلاً انقلاب دموکراتیک نوین تمام نخواهد شد.» (برنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ـ صفحه ۱۵۴ ـ ۱۵۵)

اکنون مدت هفده سال از تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان می‌گذرد. اما ما تا هنوز نتوانسته‌ایم جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی را آغاز نمائیم، علت آن در کجاست؟

در گزارش سیاسی کنگره دوم حزب علت عدم آغاز جنگ چنین ارزیابی گردیده است:

« در حالی که ما هنوز نتوانسته‌ایم جنگ مان‌را آغاز نمائیم، ناشی از عدم پیش‌برد موفقانهٔ فعالیت‌های تدارکی است. علت اساسی این ناکامی یا عدم مساعدت اوضاع داخلی و بین‌المللی برای تدارک، آغاز و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی بوده است و یا این امر که حزب ما تدارک برای برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی را به عنوان محور تمامی اشکال فعالیت‌های مبارزاتی حزب و توده‌ها در نظر نگرفته و پیش نبرده است.

مسلماً شرایط ما چه به علت اوضاع داخلی و چه به علت اوضاع بین‌المللی مملو از پیچیدگی‌ها و سختی‌ها است. ولی در طی یک دههٔ گذشته، علی‌رغم تمامی این پیچیدگی‌ها و سختی‌ها، حداقل می‌توانستیم انحصار نیروهای طالبان و هم‌قماشان شان بر میدان جنگ علیه اشغالگران و رژیم پوشالی را از بین ببریم و در این سطح یا در آن سطح کاملاً بیرون از میدان جنگ قرار نمی‌داشتیم. شاید پیچیدگی‌ها و سختی‌های شرایط ملی و بین‌المللی برای ما می‌توانست- و بتواند- موانع جدی بر سر راه گسترش جنگ ما ایجاد نماید، اما در حدی نبوده و نیست که بتواند ما را به‌طور کلی از میدان جنگ دور نگه‌دارد. بنابرین روشن است که ما به‌طور کل به‌عنوان یک حزب مائوئیست تدارک برای برپایی و پیش‌برد جنگ مان را محور تمامی اشکال مبارزاتی مان قرار نداده‌ایم و محور یا محورهای مبارزاتی و غیر مبارزاتی دیگری داشته‌ایم. درین‌مورد بهتر است عرصه‌های مختلف تدارکی را یک به یک مورد توجه قرار دهیم:

« اولین و مهم ترین عرصه تدارک برای برپایی و آغاز جنگ، تدارک ایدیولوژیک- سیاسی و تشکیلاتی خود حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است؛ زیرا که حزب آغاز کننده و رهبری کنندهٔ جنگ است.

تدارک ایدیولوژیک- سیاسی و تشکیلاتی خود حزب برای برپایی جنگ به معنی آمادگی حزب برای آغاز جنگ از لحاظ ایدیولوژیک- سیاسی و تشکیلاتی است.

آمادگی ایدیولوژیک- سیاسی حزب برای آغاز جنگ در قدم اول به خط ایدیولوژیک- سیاسی و خط نظامی حزب مربوط است. خط ایدیولوژیک- سیاسی و نظامی حزب باید یک خط اصولی صحیح و روشن مارکسیستی- لنینیستی- مائوئیستی باشد. این آمادگی در قدم دوم عبارت است از آمادگی استوار و محکم حزب برای تقبل مسئولیت آغاز جنگ و ایستادگی روی اصول جنگ انقلابی از لحاظ ایدیولوژیک- سیاسی و نظامی.

آمادگی تشکیلاتی حزب برای آغاز جنگ عمدتاً به استحکام تشکیلاتی حزب مربوط است. استحکام تشکیلاتی حزب قبل از همه توسط سیاست تشکیلاتی حزب در مورد ساختمان تشکیلاتی حزب معین می‌گردد. تشکیلات حزب باید قسمی ساخته شود که برای آغاز و پیش‌برد موفقیت‌آمیز جنگ انقلابی ملی و طبقاتی مناسب و موزون باشد. اگر این مناسبت و موزونیت میان ساختمان عملی تشکیلات حزب و خط ایدیولوژیک- سیاسی و نظامی تدوین شده و رسماً پذیرفته شده حزب وجود نداشته باشد، خط ایدیولوژیک- سیاسی و نظامی حزب در واقع فاقد پایهٔ تشکیلاتی لازمه بوده و به یک سلسله ادعاهای صرف تیوریک و تبلیغاتی مبدل می گردد.

برای این‌که روشن سازیم که تشکیلات حزب ما تا چه حدی مستحکم است و این استحکام تا چه حدی برای آغاز و پیش‌برد موفقیت‌آمیز جنگ خلق موزون و مناسب است، قبل از همه از طریق ارزیابی و بررسی ارگان نشراتی مرکزی ما که در هر شمارهٔ خود به‌عنوان ارگانی در خدمت تدارک برای برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی اعلام می‌گردد، می‌تواند مورد سنجش قرار بگیرد.

حزب ما در طی ده سال گذشته، ۳۳ شماره از ارگان نشراتی مرکزی خود یعنی "شعلهٔ جاوید" را به‌دست نشر سپرده است. می‌توان با اطمینان مدعی شد که "شعلهٔ جاوید" هم در میان جنبش کمونیستی مائوئیستی افغانستان و هم در میان جنبش کمونیستی مائوئیستی بین‌المللی و هم در میدان سیاست افغانستان به‌طور کلی، به یک نشریهٔ کمونیستی مائوئیستی وزین و قابل مراجعه تبدیل شده است. اما با توجه به وظایف مبارزاتی‌ای که این نشریه و به‌طور کل حزب بر عهده دارد، انتشار ۳۳ شماره ازین نشریه در طی ده سال، نشان‌دهندهٔ کم کاری عظیم حزب درین عرصه است.

شعلهٔ جاوید اگر نمی‌تواند یک روزنامه باشد، حداقل باید یک هفته نامه باشد (مثل دورهٔ نشراتی اول خود)، و اگر نمی‌تواند یک هفته نامه باشد، به‌طور قطع باید یک ماه‌نامه باشد. اما آن‌چه ما در طی ده سال گذشته در قبال این نشریه انجام داده‌ایم، از لحاظ کمیتی خیلی رقت‌انگیز و فقیرانه است. در طی این ده سال، ارگان نشراتی مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، حتی یک فصل‌نامه هم نبوده است. اگر چنان می‌بود تا حال ٤٠ شماره از این نشریه باید به‌دست نشر سپرده می‌شد (٤ شماره در یک سال و ٤٠ شماره در ١٠ سال).

«دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب و کمیتهٔ مرکزی حزب به‌طور کل در طی ده سال گذشته چند بار تصمیم گرفتند که شعلهٔ جاوید را از یک نشریهٔ غیر موقوته به یک ماه‌نامهٔ منظم و یا حداقل فصل‌نامهٔ منظم تبدیل نمایند، اما در این کار موفقیت حاصل نکردند. راز این عدم موفقیت در چه چیزی نهفته بوده است؟

بگذارید صریح باشیم و به‌صورت شفاف حرف بزنیم. این عدم موفقیت در قدم اول نتیجهٔ کم‌کاری "دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب" بوده است که در طی ده سال گذشته وظیفهٔ هیئت تحریر ارگان نشراتی مرکزی و سایر نشریه‌های مرکزی حزب را بر عهده داشته است. در واقع بیش‌تر از هشتاد درصد محتویات ۳۳ شمارهٔ منتشر شدهٔ شعلهٔ جاوید صرفاً توسط یک رفیق نوشته شده است و سایر رفقای دفتر یا در تهیهٔ مقالات اصلاً سهم نگرفته اند و یا خیلی کم سهم گرفته اند. برعلاوه از میان مجموع رفقای عضو کمیتهٔ مرکزی و عضو علی البدل کمیتهٔ مرکزی حزب، صرفاً دو رفیق گاه‌گاهی مقالات و گزارشاتی برای شعلهٔ جاوید ارسال کرده اند که اکثراً بعد از اصلاح در شعلهٔ جاوید منتشر شده است. از میان کادرهای حزب نیز چند مقاله و گزارش از یک رفیق و صرفاً یک مقاله از یک رفیق دیگر در اختیار شعلهٔ جاوید قرار گرفته و بعد از اصلاح منتشر شده است.

این‌چنین وضعیتی برای یک حزب مملو از روشن‌فکران، مایهٔ فخر و مباهات نیست. به همین‌جهت این عدم هم‌کاری وسیع رفقا با ارگان نشراتی مرکزی حزب و سایر نشریه‌های حزبی، توسط دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب در یکی از پولینوم‌های کمیتهٔ مرکزی حزب (پولینوم هشتم)، حد اقل در رابطه با اعضای کمیتهٔ مرکزی حزب، بصورت بسیار صریح و شفاف به بحث گذاشته شد و مورد نکوهش قرار گرفت. اما در عمل بعد از پایان یافتن پولینوم هیچ تغییری در وضعیت حاصل نگردید.

این وضعیت نشان می‌دهد که ما در طی بیش‌تر از ده سال گذشته برای جنگ خلق و تدارک برای برپایی آن، حتی به اندازه کافی تبلیغات نکرده‌ایم و شعار نداده‌ایم. به‌عبارت دیگر حزب ما از لحاظ شعار دهی

و تبلیغات برای جنگ خلق نیز در طی ده سال گذشته به‌قدر کافی مستحکم نبوده است. ما باید درین کنگره تصمیم بگیریم که ارگان نشراتی مرکزی حزب یعنی ارگان تبلیغاتی برای تدارک جنگ خلق را بعد از کنگره از یک نشریهٔ غیر موقوته به یک نشریهٔ موقوته مبدل سازیم. احتمالاً نخواهیم توانست شعلهٔ جاوید را فوراً بعد از کنگره به یک ماه‌نامه مبدل نماییم، ولی اگر به‌خوبی نیروهای لازم برای این کار را سازماندهی و بسیج نماییم، بطور قطع خواهیم توانست در هر دو ماه یک شماره از شعلهٔ جاوید را به دست نشر بسپاریم.

برای اجرای دقیق و مطمئن این کار لازم است که یک هیئت تحریر موثر و فعال برای شعلهٔ جاوید و سایر نشریه‌های مرکزی حزب ایجاد نماییم، هیئت تحریری که در عین حال وظیفهٔ کمیتهٔ نشراتی مرکزی حزب را نیز بر عهده داشته باشد. این هیئت تحریر می‌تواند همان دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب باشد و می‌تواند یک هیئت تحریر مستقل از دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی باشد. در هر حال چگونگی ایجاد این هیئت تحریر باید در این کنگره بصورت مشخص مورد بررسی قرار بگیرد و فیصلهٔ مشخصی در مورد آن صورت بگیرد.» (تاکیدات همه جا از ماست)

گزارش سیاسی به کنگره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بطور دقیق عدم آغاز جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی را بطور عمده در اوضاع داخلی و عدم آمادگی حزب دانسته است. در این مورد چند موضوع را نشانی نموده است:

۱. عـــدم تدارک ایدئولوژیک ـ سیاسی و تشکیلاتی حزب.

۲. عـــدم تبلیـــغ و تـــرویج از طریق ارگان نشراتی حزب.

۳. کم‌کاری دفتـــر سیاسی .

۴. عدم هـــم‌کـــاری وسیع رفقـــا بـــا ارگـــان نشراتـــی حزب.

۵. نبود هیئت تحریر موثر و فعال برای شعله جـــاوید و سایر ارگـــان‌های مرکزی.

گزارش سیاسی به کنگره دوم حزب علت عدم بر پایی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی را در پنج موضوع فوق‌الذکر بطور خلاصه بیان نموده است.

ما باید در این کنگره روی مسایل فـــوق‌الذکر به‌عنوان کمـــبودات توجه جـــدی نمائیم، و در عین حال صریحاً بیان نمائیم که علت این همه ناتوانی‌های حـــزب را می‌توان در چند زمینه دیگر غیر از پنج مورد بر شمرده شده توسط گزارش سیاســـی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در کنگره سوم حزب مورد ارزیابی قرار داد و جداً پیرامون آن صحبت نمود:

۱ ــ در مورد کادرها و انتخاب دقیق و صحیح آن‌ها:

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از یک خـــط و مشی سیاسی صحیح مارکسیستی ـ لنینیستی ـ مائوئیستی برخوردار است. خط مشی سیاسی صحیح بنابه‌قول استالین:

«نخستین و مهم‌ترین کار است، ولی به‌تنهایی کافی نیست. خط و مشی سیاسی صحیح برای تظاهر نیست، بل‌که برای بکار بردن است»

تعیین خط و مشی سیاسی صحیح مارکسیستی ـ لنینیستی ـ مائوئیستی و تنظیم ترکیب اعضای حزب یگانه وسیله برای تحکیم حزب نیست، بل‌که وسیله دیگر برای تحکیم و گسترش حزب، پرورش کادرها، سنجش، انتخاب و انتصاب آن‌ها در جریان کارهای عملی است.

عملی کردن و بردن خط و مشی سیاسی حزب در میان توده‌ها نیازمند کادرهایی است که خط و مشی حزب را درک نمایند، و برای عملی کردن آن آماده باشند، در غیر این‌صورت خط و مشی در روی کاغذ باقی می‌ماند.

هرگاه بطور رک و صریح صحبت نمائیم، می‌توان گفت که حزب ما در تربیه کادرهای جوان که جانشینان آینده کادرهای قدیمی است ضعف داشته و نتوانسته که جانشینان آینده را تربیت نماید. از طریق کادرهاست که می‌توان خط را به میان توده‌ها برد و روابط میان توده‌ها و حزب را برقرار نمود. وقتی در این مورد ضعفی وجود داشته باشد دقیقاً که نه می‌توان خط را میان توده‌ها برد و نه می‌توان گامی بسوی برپایی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی برداشت.

کادرهای قدیمی حزب به‌قول استالین سرمایه‌های حزب اند، به شرط آن‌که آن‌ها بدون عدم مضایقه وقت تجارب خویش را به کادرهای جوان انتقال دهند و بکوشند آن‌هایی که توانائی پیاده نمودن خط حزب را دارند، پژوهش‌گر و محقق اند به‌موقع و جسورانه ترفیع دهند.

یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های حزب در این است که نه‌تنها توجه خود را به کادرهای سابق یا کادرهای جدید معطوف دارد، بل‌که باید توام نمودن کارکنان پیر و جوان را از مقام‌های پایین تا بالا موفقانه انجام دهد و کادرهای جوان را جسورانه و به موقع به مقامات رهبری ترفیع برگزینند. ناگفته نماند که این کار با درنظر داشت افراد لایق، فعال، پژوهش‌گر و محقق باید صورت گیرد نه بر روی سلیقه‌های شخصی.

متاسفانه که حزب ما به شدت به قلت کادر گرفتار است، زیرا ما جدا کوشش نکردیم که این مشکل را از سر راه برداریم. و اگر این وضعیت ادامه پیدا کند دقیقا که حزب ما به سر نوشت حزب کمونیست سیلون دچار خواهد شد. این وضعیت حزب در گزارش سیاسی به کنگره دوم حزب مورد بررسی قرار گرفت و از بی‌توجهی رفقا در این مورد اظهار نگرانی صورت گرفته است.

« کم‌توجهی و در مواردی حتی بی‌توجهی به تربیت کادرها و جانشینان انقلابی در حزب، یک مشکل مهم در حزب ما است که اگر هرچه زودتر اصلاح نگردد، حزب ما در طی سال‌های آینده به سرنوشت حزب کمونیست سیلون دچار خواهد شد. حزب مذکور یکی از احزاب پیش‌رو در تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی بود، ولی چون نتوانست امر تربیت جانشینان انقلابی در حزب را متحقق سازد، بعد از درگذشت رهبر بنیان‌گذارش در معرض فروپاشی قرار گرفت و وقتی یکی دو تن دیگر از رهبران آن حزب نیز درگذشتند، کل حزب فروپاشید و حتی نام آن از لیست اعضای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی حذف گردید.»

طوری که مشخص است وضعیت حزب ما کمی بهتر از وضعیت حزب کمونیست سیلون است و بعد از درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در معرض فروپاشی قرار نگرفت، بل‌که در ظرف دو ماه توانست که کمیته مرکزی و دفتر سیاسی را بازسازی نموده و با رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم وظایف، مسئولیت‌های خویش را به اندازه توان خویش پیش ببرند، اما اگر توجه جدی به کادر سازی ننماید نمی‌تواند مشکلات موجوده را حل نماید.

زمانی‌که یک خط مشی سیاسی صحیح طرح گردید، آن‌زمان موفقیت و پیروزی کارهای تشکیلاتی منوط و مربوط به انتخاب کادرهای صحیح و نظارت در اجرای کار می‌باشد. بدون چنین امری خطر آن می‌رود که به تصمیمات و فیصله‌های حزب زیان جدی وارد شود.

صفت مشخصه یک حزب کمونیست (مارکسیست ـ لنینیست ـ مائوئیست) تلفیق تیوری و عمل است. تلفیق تیوری و عمل یکی از اصول اساسی مارکسیزم ـ لنینیزم ـ مائوئیزم و یک ویژگی فلسفه مارکسیستی یعنی ماتریالیزم دیالکتیک است.

« حزب بدون پیوند فشرده با توده‌ها، نمی‌تواند به وحدت تیوری و عمل نایل آید، زیرا وحدت تیوری و عمل چیزی نیست مگر انعکاس معرفتی وحدت حزب و توده‌ها. تیوری حزب از پراتیک مبارزاتی توده‌ها تغذیه می‌کند و خلاقیت می‌یابد.'' توده‌ها دارای نیروی خلاقه لایزالند.'' نیروی خلاقه حزب، بیان فشرده و جهت یافته خلاقیت توده‌هاست، و در نتیجه در پیوند فشرده با توده‌ها به‌وجود می‌آید و رشد می‌کند، هم‌چنان‌که، بدون وجود حزب کمونیست، پرولتاریا و توده‌های مردم قادر نیستند که نیروی خلاقه خود را در جهت آزادی و پیش‌رفت بکار اندازند، فقدان ارتباط نزدیک حزب با پرولتاریا و

توده‌های مردم مایه عدم خلاقیت و رکود انقلابی حزب است.» (ساختمان حزب ـ صفحه ٦ ـ تاکید از ماست)

بدون پیوند فشرده با توده‌ها، حزب قادر به جهت‌یابی صحیح نخواهد شد، و نمی‌تواند خواسته‌ها و موقعیت توده‌ها را در هر شرایط مشخص تشخیص داده و بدان عمل کند. حزب ما در ظرف هفده سال گذشته چه‌قدر توانسته این اصل مائوئیستی را در عمل پیاده نماید و پیوند فشرده با توده‌ها بر قرار نماید؟

بیائید با صراحت صحبت کنیم: حزب ما تا کنون نتوانسته چنین پیوندی با توده‌ها بر قرار نماید. علت آنست که کادرهای رهبری حزب جای این که در قریه‌جات و روستاها بروند عموماً در شهرها سکنی گزین شده اند و حتی حومه‌های شهر را ترک نموده و خود را در مرکز شهرها متمرکز نموده اند و هیچ‌گاه حاضر نیستند به محل زندگی خویش برگردند. در چنین حالتی به هیچ‌وجه نمی‌توان حالت تدارک را برهم زد و جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی را برپا نمود. همین علت است که مایه عدم خلاقیت و رکود حزب گردیده است.

برای پیش‌برد اصولی و درست کارها باید در قدم اول در پهلوی کادرهای قدیمی کادرهای جوان را نیز ارتقاء داد و به آن‌ها اجازه داد تا در کارهای روزمره سهم بگیرند، و در قدم دوم توجه جدی به پیوند رهبری با توده‌ها نمود و کادرها موظف اند تا این پیوند را هرچه جدی‌تر برقرار نمایند. بدون تربیه کادرهای جدید و پیوند رهبری با توده‌ها نمی‌توان این معضل را از میان برداشت. بنابه‌قول مائوتسه دون:

«همچنان که برای رهبری انقلابی بزرگ، نیاز به حزبی بزرگ و به تمام معنی مارکسیست ـ لنینیست است، برای اعمال رهبری حزب در انقلاب، و تحقق امر وحدت خلق بدور حزب، نیاز به کادرهائیست که مارکسیست ـ لنینیست بوده، آبدیدگی و تجربه مبارزاتی داشته و با صداقت و وفادار به امر خلق و حزب باشند.» (تاکید از ماست)

در تمام زمینه‌های فعالیت حزبی کادرها به منزله چوبستی است که حزب از طریق آن‌ها و تکیه برآن‌ها می‌تواند مشی خود را پیاده نموده و رهبری حزب را اعمال نماید. از این لحاظ بوجود آوردن چنین کادرهای دارای اهمیت فوق العاده است. کادرهای که به‌قول مائوتسه دون «با صداقت و وفادار به امر خلق و حزب باشند» نه این که حسب تمایلاتی شخصی منافع حزب و خلق را فدای منافع شخصی نمایند.

بسیاری اعتقاد دارند که از کادرهای قدیمی در شرایط فعلی کاری ساخته نیست و باید عمدتاً به جوانان متکی شد و برعکس کسانی هم توجه عمده به کادرهای قدیمی دارند. (گرچه در درون حزب چنین نظریه تبارز نکرد، اما عملاً آن را پیاده نمودیم)، هر دو نظریه کاملاً اشتباه است. بنابه‌قول استالین:

«کادرهای قدیمی دارای تجربه عظیم رهبری اند ودر اصول مارکسیستی ـ لنینیستی ـ مائوئیستی به‌پختگی رسیده اند، اما موجودیت این کادرها از یک‌سو برای پیش‌برد کارها کافی نبوده و نیست و از سوی دیگر به تدریج از صف خارج می‌شوند. در صورت عدم توجه به کادرهای جوان درجا خواهیم زد و بالاخره به فروپاشی حزب منجر خواهد گردید. کادرهای جوان گرچه به‌پختگی کادرهای قدیمی نمی‌رسند، اما آن‌ها اکثریت را تشکیل می‌دهند و به سرعت رشد می‌کنند و به اندک زمانی به کادرهای قدیمی می‌رسند و جانشین شایسته‌ای کادرهای قدیمی خواهند گردید.»

متاسفانه که حزب ما تا کنون به این امر مهم توجه نداشته،.... علت تشویش رفقا بعد از درگذشت رفیق ضیاء هم همین بود و شاریدگی‌های هم به‌همین علت تبارز نمود.

پیوند کادرهای قدیمی و کادرهای جدید در پروسه رشد و فعالیت‌های حزب دارای اهمیت فوق العاده می‌باشد. این پیوند در واقع رشته انتقال دهنده‌ای است که از یک‌سو حیات و شادابی حزب را حفظ می‌کند و از سوی دیگر تجربیات به‌دست آمده حزب به آینده منتقل می‌گردد.

کنگره سوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در این مورد باید توجه خاص نموده و تصامیم لازم در این زمینه بگیرد، تا در آینده به‌چنین مشکلاتی دچار نگردیم.

هرگاه ما نه‌توانیم کادرهای جوان را جسورانه بالا کشیم نه‌تنها مشکلات فوق‌الذکر را که در کنگره دوم بیان گردیده نمی‌توانیم حل نمائیم، بل‌که به مشکلات عدیده‌ای دچار خواهیم گردید. یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های کنگره سوم حزب این خواهد بود که در امر تقویت رهبری حزبی، در مورد انتخاب و

ارتقاء کادرها، روش مائوئیستی سه در یک را در نظر بگیرد.

یکی ازعلل اساسی که حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان از لحاظ ایدئولوژیک ـ سیاسی و تشکیلاتی به استحکام لازم نرسیده عدم تربیه کادرها است نه چیز دیگر.

علت عدم هم‌کاری وسیع رفقا به ارگان نشراتی حزب و عدم تبلیغ و ترویج حزب از طریق ارگان نشراتی نیز در همین علت نهفته است. تبلیغ و ترویج به موقع حزب اتوریته حزب را در میان حزب و جامعه بالا می‌برد، متاسفانه که بعد از درگذشت رفیق ضیاء کمیته مرکزی حزب تلاش نمود تا از طریق ارگان نشراتی و .... به شکل وسیع‌تری به تبلیغ و ترویج به‌پردازد متاسفانه که رفقا مسئول در این زمینه هم‌کاری نکردند، و ماها از پخش نشرات حزب و ... جلوگیری بعمل آوردند. که در حقیقت عدم اطاعت از دستورات کمیته مرکزی به حساب می‌آید و این خود نقض ماده سوم آئین‌نامه تشکیلاتی است. همین نقض صریح ماده سوم آئین‌نامه تشکیلاتی حزب سبب بروز فراکسیونیزم در حزب گردید که بالاخره منجر به سکتاریزم و انحلال طلبی در درون حزب کمونیست (مائوئیست)افغانستان گردید و تعدادی از انحلال طلبان که مانع نشرات حزب و ....گردیده بودند، از حزب کناره‌گیری نمودند.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از لحاظ تبلیغ و ترویج اسناد حزب در سطح بین‌المللی دچار مشکل بوده است. یا به‌عبارت دیگر ترجمه اسناد حزب به زبان خارجی به‌موقع صورت نگرفته است، و به‌همین ترتیب اسناد احزاب مائوئیست به زبان فارسی ترجمه نگردیده است. گرچه این مطلب در گزارش سیاسی کنگره دوم حزب به بررسی گرفته شد وتاکید گردید که اسناد حزب هرچه زودتر ترجمه و به دسترس احزاب مائوئیست قرار داده شود، اما متاسفانه که چنین نشد و این مشکل پا برجا باقی ماند. زیرا فردی که مسئولیت ترجمه اسناد حزبی به وی سپرده شده بود، کاملاً فرد غیر فعال بود و بعد از درگذشت رفیق ضیاء در راس انحلال طلبان قرار گرفت.

«مشکلی که همیشه برای ما وجود داشته و کماکان وجود دارد، پیش‌برد درست، اصولی و به‌موقع کار ترجمۀ اسناد است، یعنی ترجمۀ اسناد ما به انگلیسی و ترجمۀ اسناد ضروری بین‌المللی به دری. اجرای این کار ضروری اکثراً با تاخیر صورت می‌گیرد و بدتر این‌که در موارد زیادی اصلاً صورت نمی‌گیرد. نتیجۀ این کار بی‌اطلاعی روابط بین‌المللی از اسناد ما و وضعیت ما و بی‌خبری حزب به‌طور کلی از اسناد بین المللی و وضعیت رفقای بین‌المللی است.

در واقع ایجاد مناسبات و روابط بین‌المللی سازنده برای کل حزب و تلاش در جهت ارتقای سطح ایدیولوژیک – سیاسی اعضای حزب، بدون پیش‌برد فعالانۀ کار ترجمۀ دو جانبه ممکن و میسر نیست. بنابرین رفقا نباید این عرصه از فعالیت‌های مبارزاتی حزب را کم اهمیت تلقی کنند. ناگفته روشن است که یکی از وظایف بین‌المللی حزب و اعضای حزب تبلیغ برای مبارزات احزاب هم‌سنگر بین‌المللی ما در افغانستان است و پیش‌برد این کار بدون ترجمۀ اسناد آن‌ها به دری یا پشتو ممکن و میسر نخواهد شد. مثلاً به‌طور مشخص ما در مورد پیش‌روی‌های جنگ خلق در هند آن‌چنان تا حال تبلیغات ناچیزی داشته‌ایم که در واقع باید در حکم عدم تبلیغات تلقی گردد. در عین حال یکی از وظایف بین‌المللی دیگر حزب ما مساعد ساختن زمینه برای احزاب هم‌سنگر بین‌المللی بخاطر پیش‌برد تبلیغات برای حزب ما و مبارزات انقلابی افغانستان در کشورهای خودشان و در سطح بین‌المللی است. بنابرین کار ترجمه باید در حزب وسعت داده شود و نه‌تنها رفقایی که تا حال درین عرصه کم و بیش فعال بوده اند بیش‌تر از پیش فعال شوند، بل‌که رفقای دیگری نیز تشویق و تنظیم شوند که در پیش‌برد این کار ضروری و مهم سهم بگیرند.

کنگره با جدیت از کادرهای جوان می‌طلبد که وظایف محوله‌ای که از طرف کنگره به آن‌ها سپرده می‌شود با گام‌های جدی و متین پیش برند و در بردن خط حزب میان توده‌ها از هیچ‌گونه تلاشی دریغ ننمایند.»
(گزارش سیاسی به کنگره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان)

یک موضوع دیگر که در گزارش سیاسی کنگره دوم صریحاً بیان گردیده اینست که « این عدم موفقیت در قدم اول نتیجۀ کم‌کاری "دفتر سیاسی کمیتۀ مرکزی حزب" بوده است که در طی ده سال گذشته وظیفۀ هیئت تحریر ارگان نشراتی مرکزی و سایر نشریه‌های مرکزی حزب را بر عهده داشته است» در ادامه گزارش سیاسی به کنگره دوم آمده است که:

«برای اجرای دقیق و مطمئن این کـــار لازم است که یـک هیئت تحریر موثر و فعال برای شعلهٔ جاوید و سایر نشریه‌های مرکزی حـــزب ایجـاد نمـاییم، هیئت تحریری که در عین حال وظیفهٔ کمیتهٔ نشراتـی مرکـزی حزب را نیز بر عهده داشته باشد. این هیئت تحریر می‌تواند همان دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب باشد و می‌تواند یک هیئت تحریر مستقل از دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی باشد»

بعد از کنگره دوم هم نه‌تنها که دفتر سیاسی هیئت تحریر ارگان نشراتی باقی ماند، بل‌که تمام وظایف کمیته مرکزی را به‌دوش گرفت و عملاً کمیته مرکزی را از فعـالیت دور نگـه‌داشـــت. به‌همین علت دفتر سیاسی حزب نه‌توانست در کار تبلیغ و ترویج از طریق ارگان مرکـزی نسبت به گذشته بهتر عمل نماید. بین کنگره اول و دوم که مدت ده سال را در برگرفت حزب ۳۳ شماره از شعله جاوید،... اما از کنگره دوم تا سرطان ۱۳۹۹ خورشید که مدت تقریباً هفت سال را در برگرفته ۲۵ شماره شعله جاوید، .... منتشر نموده است.

از سرطان سال ۱۳۹۹ خورشیدی تا کنگره سوم، حزب توانسته که ۵ شماره شعله جاوید ... و ۶ شماره نشریه درونی را منتشر نماید. یعنی در ظرف ۸ ماه ۱۳ شماره انتشار یافته است. به‌همین ترتیب کمیته روابط بین‌المللی نه‌تنها اعلامیه درگذشت رفیق ضیاء و پیام های تسلیت واحدهای حزبی را به دری و پشتو ترجمه نمود، بل‌که پیام‌های تسلیت احزاب و سازمان‌های مائوئیست را به زبان دری ترجمه نموده و در ارتباط‌گیری با احزاب مائوئیست نیز سهم فعالی گرفته است. این روابط را به‌خاطر جلسه مشترک احزاب و سازمان‌های مائوئیست به نحو احسنی به‌پیش برده است. و هم چنین کمیته روابط بین المللی نوشته رفیق ضیاء "در مورد اندیشه گونزالو" و فیصله دفتر سیاسی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را تحت عنوان "پیش‌نهادات ما" که در جلسه تدارکی بین المللی ۲۰۲۰ میلادی توسط ملیار ارسال گردیده بود و ملیار این سند را کاملاً تحریف نموده و به جلسه ارائه نموده، به انگلیسی ترجمه نموده و به جنبش مائوئیستی بین المللی ارسال نموده اند. و هم‌چنین اسنادی از حزب کمونیست هند (مائوئیست) را نیز به فارسی ترجمه کرده است. این عمل نتیجه رهبری جمعی با مسئولیت فـــردی و تقسیـم وظـایف در حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است.

هرگاه ما کنگره اول و دوم را باهم مقایسه نمائیم چنین نتیجه به‌دست می‌آید که حزب در مجموع بعد از کنگره دوم خیلی کم‌کارتر از کنگره اول بوده است، و حتی با جرئت می‌توان گفت که کار دموکراتیک هم از لحاظ عملی و هم از لحاظ تبلیغ و ترویج سیر کاملاً نزولی را پیموده است .... بدون کار دموکراتیک و توده‌یی کار حزب هیچ است. بدون کار دموکراتیک و توده‌یی نمی‌توان حزب را گسترش داد، بدون گسترش حزب نه می‌توان از کمیت آن‌چنانی صحبت نمود و نه هم حداقل ازیک کیفیت، کیفیت در کمیت نهفته است. کمیت به کیفیت تغییر می‌کند و کیفیت به کمیت، این قانون وحدت اضداد است. هر کیفیت درکمیت معینی متبلور می‌شود. مائوتسه‌دون می‌نویسد:

« ما باید به جنبه کمی یک وضع یا یک مسئله توجه کنیم و تحلیل کمی و اساسی از آن به‌عمل آوریم، هر کیفیتـی در کمیت معینی متبلور می‌یابد، بدون کمیت‌ها، کیفیت نیست. تا به امروز هنوز بسیاری از رفقای ما پی نبرده‌اند که باید به جنبه کمی اشیا و پدیده‌ها- به آمار اساسی به درصدهای عمده به حدهای کمی که کیفیت پدیده‌ها را تعیین می کند- توجه نمایند» (منتخب آثارجلد چهارم صفحه ۵٤۸)

حـزب کمونیـست (مائوئـیست) افغانستان به صراحت تاکید روی مشی توده‌ای داشته و آن‌را یکی از جوانب مهم استراتژی مبارزاتی خود مـــی‌داند و از تمامی رفقا می‌خواهد که بین توده‌ها رفته، نظرات نامنظم و پراکنده شان‌را گرفته، تجزیه و تحلیل کرده و بعدا فشرده ساخته به‌میان توده‌ها ببرند. در اساس‌نامه حزب فصل اول استراتژی مبارزاتی آن ذکرگردیده که:

« مشی توده‌ای یکی جوانب مهم استراتژی مبارزاتی حزب است. توده‌ها سازندگان تاریخ اند، پیروزی مقاومت ملی مردمی وانقلابی و پیروزی انقلاب درکل، بدون بسیج، سازماندهی ورهبری آنان ممکن نیست. این مسئولیتی است که بر عهدهٔ حزب انقلابی پرولتاریا قراردارد. انجام این مسئولیت بدون پیوند با توده‌ها و اجرای وظایف توده‌ای مبارزاتی، ممکن و میسر نمی‌گردد.

بـردن آگاهـی انقلابـی در میان توده‌ها یکی از وظایف تـوده‌ای مهم حزب است زیرا کـه آگاهـی انقلابـی پرولتری خـــود به‌خـود درمیان توده‌ها به‌وجود نمی‌آید،

اجرا این وظـــیفه شکل مهمی از پیوند حزب با توده‌هاست.

آموختن ازتوده‌ها وظیفه توده‌ای مهم دیگر حـــزب است. این آموزش با تکیه برعلم انقلاب پرولتری صورت می‌گیرد، حزب نظرات پراکنده توده‌ها را گرد می‌آورد، با استفاده از علم انقلاب پرولتری آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرده و فشرده می سازد و به میان توده‌ها می‌برد تا توده‌ها این ایده‌های فشرده شده را از لحاظ علمی از خود دانسته و خوب جذب نمایند.

پذیرش نظارت توده‌ها بر حزب یکی از موارد مهم آموختن حزب از توده‌ها محسوب می‌گردد. حزب مکلف است به نظرات توده‌ها در مورد خود به‌دقت گوش داده و این گفته‌ها را مطابق معیارهای مارکسیستی –لنینیستی – مائوئیستی تجزیه وتحلیل نماید و نتیجه گیری‌های علمی آنرا بکار ببندد.

اجرا این وظیفه، شکل مهمی دیگری از پیوند حزب با توده‌ها است.... وظایف و پیوندهای توده‌یی حزب، مرتبط و هم‌بسته باهم هستند و متقابلاً بالای هم‌دیگر تاثیر می‌گذارند. بدون اجرا و ایجاد آن‌ها، یا حزب به فرقه‌ای فرو رفته در خود مبدل می‌گردد و یا به دنباله‌روی از توده‌های می‌پردازد. فقط با اجرا و ایجاد این وظایف و پیوندها، ساختمان، تحکیم و گسترش حزب در میان توده‌ها موفقانه و به‌طور مثمر پیش می‌رود.»
تاکیدات از ماست

اساس‌نامۀ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به‌درستی مشی توده‌یی حزب را بیان نموده، اما ما در مورد اجرای آن غفلت ورزیده ایم. نه‌تنها میان توده‌ها به کار و پیکار انقلابی نپرداخته‌ایم، بل‌که در میان نسل جوان هم نتوانستیم جا باز کنیم. یا به‌عبارت دیگر در کار توده‌یی و کار دموکراتیک تا حدی ناکام بوده ایم. تا زمانی‌که به این وضعیت اسفناک پایان ندهیم، برپایی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی ممکن و میسر نخواهد بود.

برای انقلاب کردن تشکیلات و رهبری لازم است، که دارای خط مشی صحیح و منظم باشد. آیا تنها خط مشی صحیح ومنظم کافی است؟ آیا صحیح است که فقط یک خط مشی صحیح را تنظیم نمود و به سمع همگان رساند؟ خیر!

هرگاه خط مشی صحیح ، دقیق و درست به‌کار بسته نشـــود، اعضای حـــزب و به‌خصوص کادرهای رهبری وظایف خویش را به‌صورت درست و اصولی انجام ندهند و با انرژی تمام کار نکنند، و شعارهای تاکتیکی را مطابق به زمان هم‌آهنگ نسازند، در مقابل فیصله‌ها و دستورات حزبی بی‌تفاوت بوده و با سرسری از کنار تمام فیصله‌های حـــزبی بگذرند، در آن‌زمان علاوه بر این‌که حزب نخواهد توانست گسترش نماید و به‌طرف تدارک جنگ مقاومت ملی و مردمی و انقلابی برود. بل‌که خطر آن می‌رود که خط مشی صحیح و تصمیمات درست حزبی زیان‌های جدی ببیند.

کنگره سوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان باید درباره کار توده‌یی و دموکراتیک نیز تصمیمی اتخاذ نموده و رهنمود روشن و صریح خود را بیان نماید. هم‌چنین کنگره سوم حزب باید به‌خاطر تقسیم وظایف و ایجاد کمیته‌هـــای مشخص و هم‌چنین هیـــئت تحـــریر ارگـــان مرکزی تصامیم لازمه را اتخاذ نماید. ایجاد کمیته‌های جداگانه و تعیین هیئت تحریر شعله جاوید دقیقاً که مـــی‌تـــواند مشـــکلات گذشته را تا حدودی از سر راه بردارد و حزب را از حالت منفعل کنونی بیرون نماید.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان معتقد است که از طریق رهبری جمعی و مسئولیت فردی و با تقسیم وظایف می‌تواند به استحکام و گسترش حزب مدد رسان باشد.

۲ ـ در مـــــــورد مـبارزه دو خـط:

«... مبارزهٔ حزبی به حزب نیرو و حیات می‌بخشد. بزرگ‌ترین دلیل ضعف حزبِ پراکندگی و ابهام حدود صریحاً مشخص است، حزب با تصفیه خویش استحکام می‌یابد...» (از نامه لاسال به مارکس مورخه ۲۴ ژوئن سال ۱۸۵۲ ـ بر گرفته شده از چه باید کرد»)

دقیقاً که مبارزه درون حزبی به حزب نیرو و توان می بخشد. زیرا این مبارزه به‌خاطر جلب خون تازه پرولتاریا ضروی است. از طریق این مبارزه است که می توان بر نظریات ناسالمی که در درون حزب متبارز گردیده خط بطلان کشید، و خط حزب را به‌طور جدی و اصولی پیش برد. هرگاه مبارزه در درون حزب پایان یابد، آن‌گاه حزب می‌میرد و حتی اگر این مبارزه افول نماید، حزب به گودال پاسیفیزم ، تسلیم طلبی و ... خواهد افتاد. روی این ملحوظ باید به‌طور جدی به مبارزه دوخط در درون حزب پرداخت. این مبارزه باید به‌منظور رفع نواقص، کمبودات و اشتباهات صورت گیرد نه به‌منظور انتقام جویی و خورد نمودن رفقا. هرقدر این مبارزه جدی‌تر و اصولی‌تر به‌پیش رود به‌همان اندازه حزب ما بهتر می‌تواند استحکام یافته و گسترش یابد.

برای جلوگیری از فساد سیاسی، مالی و اخلاقی ... مبارزه فعال ایدئولوژیک، انتقاد و انتقاد از خود در درون حزب الزامی است. رفقا باید به‌طور حتم این مبارزه را به‌پیش برند و نحوه برخورد و انتقاد را فرا گیرند، انتقاد باید رک و صریح بوده و رو در روی رفیق و در جلسات رسمی بیان گردد و با حوصله و شکیبایی نظرات طرف مقابل را نیز بشنوند، نه این‌که در غیاب رفیق او را محکوم نموده و در مقابلش جرات اخلاقی بیان آن‌را نداشته باشند. این شیوه برخورد نه‌تنها که لیبرالیزم است بل‌که خصوصیات سکتاریزم را نیز به همراه دارد. این حالت بدترین وضعیتی است که وحدت ، تنظیم و ترتیب حزب را ضربه می‌زند و باید جداً علیه این نحوه برخورد ایستاد و مبارزه نمود. در غیر این‌صورت لیبرالیزم و سکتاریزم در درون حزب ریشه دوانده و به‌طور وسیع رشد خواهد نمود.

یکی از وظایف مهم هر حزب کمونیست (مارکسیست ـ لنینیست ـ مائوئیست) استحکام ایدئولوژیک ـ سیاسی و تشکیلاتی حزب می‌باشد.

حزب کمونیست برای به پیروزی رساندن انقلاب به نوسازی و تحکیم همه جانبه خود نیازمند است. دست یازیدن به چنین امر مهمی فقط از طریق مبارزه درون حزبی و برخورد انتقادی به ایدئولوژی، سیاست و دیگر مسایل تشکیلاتی ممکن و میسر می‌گردد، از این‌طریق می‌توان حزب را مائوئیستی ساخت.

مهم‌ترین اصل در استواری یک حزب مارکسیستی ـ لنینیستی ـ مائوئیستی، حفظ وحدت حزب و تضمین خصلت پرولتری آنست. مائوتسه‌دون در این مورد می‌گوید:

«فقط در سایه وحدت حزب کمونیست است که می‌توان وحدت تمام طبقه و تمام ملت را تحقق بخشید، فقط در سایه وحدت تمام طبقه و تمام ملت است که می‌توان پیروزی بر دشمن را به‌دست آورد و انقلاب ملی و دموکراتیک را به‌انجام رسانید.» (منتخب آثار ـ جلد اول ـ صفحه ٤٤٦)

این نکته را نباید فراموش نمود که وحدت در حزب از طریق مبارزه فعال ایدئولوژیک ـ سیاسی به‌دست می‌آید، نه از طریق صلح و مصالحه در درون حـــزب. مائوتسه‌دون "تیـــوری صلح در حزب" را به‌مثابه یک نظریه بورژوازی و لیبرالیستی مـــردود دانستـــه و نشـــان داده که حیات حزب وابسته به مبارزه درونی حزبی است.

در درون حزب دایماً مبارزه میان نظرات گوناگون وجود دارد. این مبارزه انعکاسی از مبارزه طبقاتی جامعه در درون حزب است. هرگاه مبارزه در درون حزب بین این نظرات برای حل آن‌ها ادامه پیدا نکند زندگی حزب پایان می‌پذیرد.

اساس‌نـــامه حـــزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مبارزه دو خط در درون حزب را با صراحت چنین بیان نموده است:

«خصلت پرولتری حزب چیزی نیست که یک‌باره و برای همیشه تثبیت گردد. پرولتریزه شدن حزب جریان مداومی است که باید در متن و بطن پیش‌برد مبارزات انقلابی در جامعه پیوسته ادامه داشته باشد. در درون حزب نیز مبارزات دو خط

بر سر حفظ و تکامل خصلت پرولتری حزب از یک‌جانب و قلب ماهیت نمودن و از بین بردن آن از جانب دیگر، دایماً بروز می‌نماید. این مبارزات، انعکاس مبارزات طبقاتی جامعه در درون حزب است و به‌صورت اجتناب ناپذیری با فراز و نشیب تبارز می‌نماید. پیش‌برد و به فرجام رساندن مستمر مبارزات دو خط علیه خط‌های رویزیونیستی و اپورتونیستی‌ای‌که از درون حزب سر بلند می‌نماید و انقلابی ساختن مداوم حزب، نقش مهمی در حفظ و تقویت خصلت پرولتری حزب و تکامل مداوم این خصلت بازی می‌نماید.»

ما باید به‌طوردقیق و همه‌جانبه در میان انقلاب و ضد انقلاب خط فاصل بکشیم، به‌همین طریق باید در درون صفوف انقلاب هم مداوماً میان کار صحیح و غلط و هم‌چنین کمبودها و موفقیت خط فاصل بکشیم. زمانی‌که این خط کشیده شد آن‌زمان به‌درستی می‌توانیم تعیین کنیم که کدام یک از این دو اصلی و کدام فرعی اند.

«دوم، در درون صفوف انقلاب باید ازمیان صحیح و ناصحیح، میان موفقیت‌ها و کمبودات خط فاصل و مشخص کشید و به‌روشنی معین کرد که کدام یک از این دو اصلی و کدام یک فرعی است.فی‌المثل باید معین کرد که آیا موفقیت سی درصد مجموع را تشکیل می‌دهند یا هفتاد درصد آن‌را؟ نه کم بها دادن به آن صحیح است و نه پر بها دادن. ما باید کار هر فرد را به‌طور اصولی برآورد کنیم و تعیین کنیم که آیا موفقیت‌های کار او سی‌درصد و کمبودهای او هفتاد در صد بوده، یا این‌که برعکس. چنان‌چه موفقیت‌های او هفتاد درصد مجموع را تشکیل می‌دهند، باید کار او را به‌طور عمده مثبت به‌شمار آورد. هم‌سنگ کردن کاری که موفقیت جنبه اصلی آن‌را تشکیل می‌دهد با کاری‌که اشتباه در آن غلبه دارد، کاملا نادرست است. در برخورد با مسایل نباید مرز بندی مشخص میان انقلاب و ضد انقلاب، میان موفقیت‌ها وکمبودها را ازمیان ببریم. اگر ما این دو مرز بندی را در خاطرداشته باشیم، همیشه قادر به حل مسایل خواهیم بود. در غیر این‌صورت درباره شناخت ماهیت مسایل دچار آشفتگی خواهیم شد. برای این‌که این مرزها را به خوبی مشخص کنیم، البته بررسی و تحلیل دقیق ضروری است. برخورد ما نسبت به هر فرد و هر پدیده باید برخوردی باشد توام با تحلیل وبررسی.» (مائوتسه دون ـ منتخب آثار ـ جلد چهارم ـ صفحه ۵۵۰)

هدف از مبارزه درون حزبی اینست که حزب و رفقای را که مرتکب اشتباه شده اند آموزش دهیم. آنانی‌که اصلاح ناپذیر اند و باربار یک کار خلافی را انجام داده و منافع جمعی را ضربه زده ازحزب طرد نمائیم. مبارزه در داخل حزب فی‌نفسه یک نوع آموزش ضروری است و به همین ترتیب آموزش در درون حزب یک نوع مبارزه به شمار می‌رود. یا به‌عبارت دیگر مبارزه نوعی از آموزش و آموزش نوعی از مبارزه است. زمانی‌که مبارزه درون حزبی از نظر می‌افتد بخواهی نخواهی حرکات انحرافی به‌شکل بسیار وسیع و حتی مبتذل آن رونما می‌گردد. و زمانی‌که با اشتباهات و انحرافات به‌طور جدی مبارزه صورت نگیرد، هرج و مرج در حزب مستولی گردیده و زمینه‌ساز فروپاشی در حزب می‌گردد.

مبارزه در درون حزب اصولا عبارت است از مبارزات ایدئولوژیک – سیاسی فعال به‌منظور از بین بردن تناقضات و اختلافات ایدئولوژیک – سیاسی و تشکیلاتی در میان رفقا. در بسا مواقع امکان دارد به شکاف‌های سیاسی در درون حزب منجر شود و یا حتی به شکاف‌های تشکیلاتی، اما نباید از آن هراسید و جلو آن‌را گرفت. ترسیدن و یا جلوگیری از انتقاد اصولا در شرایط معینی یا افتراق را به‌وجود می‌آورد و یا این‌که حزب را به یک حزب ریفرمیست و منفعل تبدیل می‌کند.

مبارزه درون حزبی، برای حفظ، پاکی و استقلالیت حزب، برای تضمین فعالیت پیوسته حزب در طرقی که حاوی بالاترین منافع برای پرولتاریاست، برای حفظ کاراکتر اساسی پرولتاریای حزب لازم است، با رعایت این مسئله مبارزات در داخل حزب باید در دو جهت یا دو جبهه هدایت شود، مبارزه علیه دشمن خارجی و مبارزه علیه اپورتونیزم، رویزیونیزم وانحرافاتی که باربار در داخل حزب بروز می‌نماید.

تاریخ به‌خوبی گواه آنست که ایدئولوژی دشمن، حزب را همیشه از دو جهت مورد حمله قرار داده و می‌دهد هم از بیرون و هم از درون. تجسم این امر در داخل حزب اپورتونیزم راست و "چپ" است.

بنابرین مبارزه در داخل حزب باید در یک زمان علیه هر دو

جهت اجراء شود تا حزب بتواند کارکتر پرولتاریائی مشخص خود را حفظ کند. اگر ما موفق به انجام چنین کاری نشویم، اگر فقط مبارزه یک‌طرفه را دنبال کنیم و یا اگر در هوشیاری و مبارزه با هر یک ازین دوطرف سستی نشان دهیم، آن‌وقت نه‌تنها دشمن می‌تواند، بل‌که مطمئناً درست از همان نقطه‌ای که مورد عدم توجه قرار گرفته است، حزب را مورد حمله قرار خواهد داد و ضربات خود را فرود خواهد آورد. و در صورت برخورد منفعلانه به مبارزه درون حزبی دشمن بالاخره موفق خواهد گردید که حزب را به یک حزب منفعل تسلیم طلب، ریفرمیست و یا یک حزب رویزیونیست تبدیل نماید. در چنین حالتی حفظ، پاکی و صفا، استقلالیت و تحکیم حزب غیر ممکن خواهد بود، بدین ترتیب حزب فقط در جریان یک مبارزه دایم فعال حزبی در دو جبهه می‌تواند از نظر داخلی استوار شود و رشد یابد.

سرشت اصلی مبارزه در داخل حزب چنین است. درباره سرشت اصلی مبارزه در داخل حزب و این‌که چرا لیبرالیزم، حزب را به بی‌راهه سوق می‌دهد در آثار رهبران کمونیست به‌خوبی می‌توان مشاهده نمود و به‌خصوص آثار صدر مائوتسه‌دون در این زمینه مسائل زیادی دارد از جمله علیه لیبرالیزم.

گزارش سیاسی به کنگره دوم حزب روی این موضوع انگشت انتقاد گذاشت:

«اما ضعف و کمبود بزرگ این نشریهٔ درونی مرکزی، یا به‌عبارت دیگر یکی از جنبه‌های عدم استحکام خطی حزب، عدم پیش‌برد مبارزات خطی درونی حزب ما در این نشریه در طی ده سال گذشته است.»

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از کنگره اول الی کنگره دوم حزب ۱۸ شماره نشریه درونی (کمونیست) را منتشر نموده است که ۱۷ شماره آن حول مبارزات ایدئولوژیک و مسایل مهم خطی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و خط رویزیونیستی "سنتزهای نوین آواکیان" و پیروان ایرانی شان و دو نفر از اعضای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان اختصاص یافته است و فقط یک شماره یعنی شماره دوم کمونیست به مبارزه درون حزبی حول و محور نظرات رفیق حفیظ منتشر گردیده است.

گرچه گزارش سیاسی به کنگره دوم حزب روی این کم‌کاری انگشت انتقاد گذاشت، اما عملاً نتوانست مبارزه درون حزبی را پیش ببرد. بعد از کنگره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان فقط چهار شماره نشریه درونی کمونیست انتشار یافت. شماره ۱۹ مربوط به گزارش سیاسی کنگره دوم حزب، و شماره بیستم مربوط به " اندیشه گونزالو"، "راه پاراچندا" و "سنتزهای نوین آواکیان" می‌باشد، و شماره‌های ۲۱ مربوط به مبارزات حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و سازمان رهایی است. بعد از کنگره دوم حتی یک شماره کمونیست به مبارزه درون حزبی اختصاص نیافت. عدم توجه به مبارزه دو خط مایه عدم خلاقیت و رکود انقلابی حزب می‌گردد.

وحدت در حزب فقط از طریق مبارزه فعال ایدئولوژیک بدست می‌آید. وحدتی که از طریق مبارزه ایدئولوژیک فعال بدست آید، باعث تحکیم و رشد حزب گردیده، هرگاه وحدت در حزب از طریق سازش مطرح گردد باعث تضعیف رزمندگی و فساد ایدئولوژیک حزب می‌گردد. ما در طول دوران هفده ساله حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان شاهد انواع فساد در حزب بوده‌ایم. حفظ خصلت پرولتری حزب بستگی به مبارزه حزب علیه مشی‌های غیرپرولتری و نفوذ ایدئولوژی‌های بورژوایی و خورده بورژوایی در درون حزب دارد. مشی صحیح انقلابی همیشه در جریان مبارزه علیه مشی غلط و ارتجاعی رشد و قوام یافته و همیشه علیه ایدئولوژی بورژوایی و خورده بورژوایی رشد و تکامل می‌یابد. یکی دیگر از مشکلات حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان عدم توجه به مبارزه دو خط در درون حزب است. این موضوع هم به‌طور جدی در کنگره قابل بحث است.

۳ ـ در مـورد انتقـاد و انتقـاد از خـــود:

انتقاد و انتقاد از خود به‌شیوه مـارکسیستـی ـ لنینیـستـی ـ مائـوئیستـی سلاحـی است برای برملا نمودن اشتباهات، کج‌روی‌ها و حتی انحرافات و دفاع صادقانه از منافع اساسی زحمت‌کشان. این سلاح صفت مشخصه‌ای است که حزب ما را از سایر احزاب سیاسی متمایز می‌سازد. بدون انتقاد از خود و دیگـران نمـی‌توان حـزب را نـوسـازی نمـود.

انتقاد و انتقاد از خود از یک‌طرف ما را از انحـرافات ایـدئـولوژیک ـ سیاسـی بر حذر مـی‌سازد و پیوند حزب را با توده‌ها برقرار می‌کند و از سوی دیگر به تحکیم و نوسازی حزب کمک می‌نماید.

هرقدر انتقاد و انتقاد از خود در درون حزب جدی‌تر و اصولی‌تر مطرح شود به همان اندازه حزب ما بهتر می‌تواند استحکام یافته و گسترش یابد. برای جلوگیری از فساد سیاسی، فساد مالی، فساد اخلاقی... مبارزه ایـدئـولوژیک، انتقاد و انتقاد از خـود الـزامـی است. باید جداً نواقص و کمبودات را شناسائی نمود و در جهت رفع آن به‌طـور جـدی گـام به‌پیش گذاشت. اصل اساسی انتقاد و انتقاد از خود بدین معنی است که هم خود و هم دیگران را انتقاد نمود. این بدان معنی است که هر رفیق باید متوجه اشتباهات خود و از دیگر رفقا بوده و آن‌را به‌طور رفیقانه و جـــدی مطرح نماید. رفیقی که مـــورد انتقاد قرار می‌گیرد نباید فکر کند که شخصیت‌اش له شده و یا این‌که برایش کسر شأن است. در ضمن رفیقی که انتقاد می‌کند باید انتقادش رفیقانه و به‌خاطر اصلاح انتقاد شونده باشد.

بناءً برای انتقاد درون حزبی باید به دو موضوع توجه خاص نمود:

۱. «پند گرفتن از اشتباهات گذشته برای اجتناب از اشتباهات آینده»

۲. « معالجه مرض به‌منظور نجات بی‌مار»

انتقاد درون حزبی برای کوبیدن حزب و یا یک‌دیگر نیست، بل‌که برای نجات بی‌مار است. هرگاه رفیقی که اشتباه نموده روی اشتباهش پافشاری نکند و با صمیمیت به اصلاح خود علاقه نشان دهد باید از وی استقبال نموده و او را کمک نمائیم تا رفیق خوبی شود. در انتقاد هرگز نباید خشونت و تندی به‌کار برده شود، بل‌که باید شیوه معالجه در نظر گرفته شود، مگر آن‌که اشتباه کننده روی اشتباهش آن‌قدر پافشاری نماید که غیرقابل اصلاح باشد و یا این‌که یک موضوع غلط چندین بار از طرف او تکرار گردیده و به یک مرض لاعلاج تبدیل گردد. در چنین صورتی تصفیه نمودنش از حزب ضروری است. هرگاه چنین افرادی حفظ گردد باعث ضربت خوردن حزب به‌صورت مکرر می‌گردد. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان این وضعیت را به‌خوبی تجربه نموده است.

رفقا باید به‌طور جدی این مبارزه را به‌پیش برند و نحوه برخورد و انتقاد را فرا گیرند، در غیر این‌صورت انتقاد معنی و مفهومش را از دست داده به جدل‌های بی‌معنی و انتقام گیری مبدل خواهد شد. این حالت بدترینِ وضعیتی است که وحدت، تنظیم و ترتیب حزب را ضربه می‌زند و باید جداً علیه این نحوه برخورد ایستاد و مبارزه نمود. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در اساسنامه‌اش انتقاد و انتقاد از خود را چنین توضیح نموده است:

« ماده دوم : انتقاد و انتقاد از خود:

اجرای جدی و پی‌گیر اصل انتقاد و انتقاد از خود در کل بدنه تشکیلاتی و در تمامـی سطوح رهبری حـزب جهت شناسائی کمبودات و اشتباهات اعضاء و سازمان‌های حـزب و رفع آن‌ها یک امر حیاتی است. اصل انتقاد و انتقاد از خود مبین انتقاد از خود و انتقاد از دیگران است. غرض تطبیق این اصل، حزب مقررات ذیل را در مناسبات تشکیلاتی خود پذیرفته است:

الف: اعضای حزب و داوطلـبان عضویـت مـی‌توانند داوطلـبان عضـویت، اعضـاء، واحـدهـای تشکیلاتی و هیئت‌هـای رهبری حزب در

تمامی سطوح را مورد انتقاد قرار دهند و پیش‌نهادات شان‌را در مورد آن‌ها ارائه نمایند

ب: جلوگیری از طـرح انتقاد به هیچ‌وجه مجاز نمی‌باشد.

ج: برخورد انتقام جویانه در مقابل انتقاد به‌هیچ صورتی جایز شمرده نمی‌شود.

د: انتقاد باید از مجاری تشکیلاتی و در وقت لازمه مطرح گردد و در جلسات تشکیلاتی مورد رسیدگی قرار بگیرد.

ه: انتقاد باید به‌خاطـــــر تصحیح مطرح شود و نباید به‌مثابه حـربه‌ای جـهت لـکه‌دار کردن طرف انتقاد شونده مورد استفاده قرار بگیرد.

و: انتقاداتی که مورد رسیدگی قرار گرفته باشند، لازم نیست مجدداً مطرح گردند.

ز: داوطلبان عضویت، اعضاء، واحدهای تشکیلاتی و هیئت‌های رهبری در کلیـــه سطوح، باید کمبـودات و اشتباهـــات شان‌را پیوسته نشانی نموده و مـورد انتقاد قرار بدهند و در جـهت رفع آن‌ها بکوشند.

ح: داوطلـبان عضویـت، اعضاء، واحدهای تشکیلاتی و هیئت‌های رهبری در تمامی سطوح باید انتقادات درست بر خود را با شجاعت بپذیرند و در جهت رفع آن‌ها تلاش نمایند.»

انتقادات صحیح و صادقانه که تمامی اشتباهات ایدئولوژیک ـ سیاسی و تشکیلاتی حزب را برملا می‌کند، نه‌تنها که حزب را از مبتلا شدن به امراض لیبرال‌منشانه بورژوازی و خورده بورژوازی دور نگه می‌دارد، بل‌که به امر استحکام تشکیلاتی حزب و نیروی رزمنده حزب نیز کمک می‌نماید.

ما زمانی موفق به پیش‌برد مبارزه درست و اصولی خواهیم بود که اساس‌نامه حزب را دقیقا مطالعه نموده و هضم نماییم و عملا در جهت تطبیق آن بر آئیم، در غیر این‌صورت همه‌چیز روی کاغذ باقی خواهد ماند و ما هم در جای خود.

علت آن‌که ما تا حال نتوانستیم کمبودات و نواقص خویش را اصلاح نماییم، همانا توجه نکردن در امر انتقاد و انتقاد از خود بوده، در ظرف چند سال گذشته رفیقی که اشتباه نموده یا انتقاد نگردیده و یا اگر انتقاد هم شده جدی و پی‌گیر نبوده است. گرچه بعد از سمینار حزبی در مورد خط پسا مارکسیستی – لنینیستی – مائوئیستی حزب کمونیست انقلابی امریکا و اصلاح سبک کار حزبی توجه بیش‌تری درین زمینه معطوف گردیده، اما این توجه کافی نبوده است. یا انتقاد به جدل‌های شخصی تبدیل گردیده و یا این‌که در مورد شخص اشتباه کننده انعطاف بیش از حد صورت گرفته است. در انتقاد هیچ‌گاه نباید مسائل اصلی را فراموش نموده و به مسایل فرعی و یا شخصی فرد توجه نمود.

وظیفه عمده انتقاد عبارت است از نشان دادن خطاها و اشتباهات ایدئولوژیک ـ سیاسی و تشکیلاتی، نه مسائل فرعی و شخصی.

مسایل شخصی در صورتی که به حزب زیان نرساند و با اشتباهات ایدئولوژیک ـ سیاسی و تشکیلاتی مربوط نباشد نباید زیاد مورد توجه قرار گیرد، و اگر چنین شود امکان آن می‌رود که وظایف اصلی حزب بدست فراموشی سپرده شده و روحیه رفقا را تضعیف نماید.

باید توجه نمود که فساد سیاسی، فساد مالی و فساد اخلاقی مسائل فرعی و شخصی نبوده، بل‌که مسائل اصلی است که بدان باید توجه عمیق نمود و در صورت عدم توجه به این مسائل ضربات جدی متوجه حزب خواهد گردید.

در گذشته رفقا بیش‌تر به‌خاطر استحکام حزب، بیش از حد در مورد رفیقی که اشتباه نموده انعطاف نشان دادند به‌همین علت بود که عین عمل باربار تکرار گردیده و از این ناحیه ضرباتی مکرر متوجه حزب گردیده است. همان‌طوری که خشونت و تندگویی در انتقاد درون حزبی

مجاز نیست و زیان‌هایی به حزب می‌رساند، انعطاف در مقابل اشتباه اگر بیش‌تر از خشونت و تند خویی به حزب زیان نرساند کم‌تر از آن به حزب مضر نیست. انعطاف در مقابل اشتباه لیبرالیزم است، با این طرز برخورد هم جمع لطمه می‌بیند و هم فرد.

رفقا ما کمونیست هستیم. برای کمونیست‌ها (ماکسیست ـ لنینیست ـ مائوئیست‌ها) نه مسئله قومی مطرح است و نه مسئله خونی، ملیتی، منطقه‌ای و یا دوست صمیمی، گذشت از اشتباهات و یا انعطاف نشان دادن در مقابل اشتباهات به این علت که او قوم، دوست صمیمی و یا زیردست قدیمی است لیبرالیزم است. یک نکته دیگر نیز قابل یادآوری است که هرگاه اشتباهی از مسئولین منطقه و یا کادرهای رهبری مشاهده می‌گردد، رفقای پائین‌تر به‌خاطر این‌که او از موقف بالاتری برخوردار است و یا به‌علت کلان سن بودنش از انتقاد اباء می‌ورزند، نادرست بوده و در ذات خود لیبرالیزم است. هرگاه علیه این شیوه مبارزه درست و اصولی صورت نگیرد، حزب را از درون می‌خورد.

انتقاد درون حزبی علیه نظرات نادرست باید همیشه به‌خاطر وحدت، ترقی و یا تنظیم و ترتیب در آوردن کارها صورت گیرد، نه به‌خاطر انتقام جویی و یا کینه و دشمنی. در حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ما شاهد این اتفاقات گاه و بی‌گاه بوده‌ایم. چنین برخوردهایی از عدم معرفت سرچشمه می‌گیرد و باید آن‌را در حوزه تیوری از میان برد. بسیاری از رفقای ما هنوز شیوه انتقاد کردن را درست فرا نگرفته اند. هرگاه اگر اشتباهی را متوجه شوند، جرئت انتقاد در جلسات رو در رو با رفیق را ندارند و تلاش می‌ورزند که از رفیق در غیابش و در جلسات خصوصی انتقاد به‌عمل آورند. یا زمانی‌که یک رفیق چه درست و چه نادرست با رفیقی مشکلی پیدا می‌کند باز هم تلاش می‌نماید که موضوع را در جلسه مستقیم با رفیق مطرح نکند و در غیاب رفیق مطرح نماید. تمام این برخوردها لیبرال‌منشانه بوده که به حزب زیان می‌رساند.

مشکل عمده‌ای که امروز سر راه ما قرارگرفته همانا عدم برگزیدن شیوه‌های صحیح کار برای انتقاد درون حزبی می‌باشد. درحالی‌که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان دارای یک خط مشی اصولی صحیح سیاسی است. برای فایق آمدن بر مشکلات کنونی باید که مبارزه دو خط را دامن زد، اشتباهات، کمبودات و ضعف‌ها و حتی انحرافات را جداً نشانی نمود و بی‌رحمانه آن‌ها را فاش نمود و در جلسات رو در رو مورد انتقاد قرارداد. لنین در جزوه " چپ‌روی درکمونیزم" به صراحت بیان داشته که:

«برخورد یک حزب سیاسی نسبت به اشتباهات خود یکی از بهترین معیارها برای سنجش ارزیابی یک حزب است. با استفاده از این معیار می‌توان تعیین کرد که یک حزب تا چه اندازه جدی است و چگونه در عمل وظایف خود را نسبت به طبقه و توده‌های ستم‌کش انجام می‌دهد. قبول اشتباهات بدون پرده‌پوشی تحقق ساختن علل اشتباه تجزیه و تحلیل شرایط و عللی که منجر به‌وجود آمدن این اشتباهات شدند بحث کلی و همه جانبه برای اصلاح اشتباهات، این است صفات یک حزب جدی، این است شیوه‌ای که حزب باید برطبق آن وظایف خود را انجام دهد، این است راهی که حزب باید طبقه، خود و توده‌ها را مطابق آن آموزش دهد.»

لنین هزاربار محق بود که تاکید می‌ورزید:

« تمام احزابی که تاحال نابود شده اند به‌خاطر آن بوده که از خود راضی شده‌اند قادر به درک صحیح پایه‌های قدرت خود نبوده و از بحث درباره نقاط ضعف خود می‌هراسیدند.»

ما اغلب به این بی‌ماری گرفتار بوده و هستیم، علت گرفتاری این بی‌ماری موجب شده که حتی بعد از کنگره دوم کمیته مرکزی دوم نتوانسته‌ایم حتی یک شماره نشریه درون حزبی را انتشار دهیم.

بدون انتقاد از خود تعلیم و تربیت مناسبی برای حزب، طبقه و توده‌ها وجود نه‌خواهد داشت. بدون تعلیم و تربیت مناسب در حزب، مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم نمی‌تواند در عمل وجود داشته باشد. هرگاه ما بخواهیم جنگ مقاومت ملی، مردمی و انقلابی را راه بیندازیم باید هرچه زودتر و سریع‌تر فیصله‌های کنگره و پولینوم‌های کمیته مرکزی حزب را در عمل پیاده نموده و نقاط ضعف و اشتباهات را با جدیت از بین ببریم. اگر ما نه‌توانیم اشتباهات، کمبودات و نواقص خود را اصلاح و آن‌را از بین ببریم، شعار انتقاد از خود به کلماتی بی‌معنی، پوچ و میان‌تهی مبدل خواهد شد.

برای به‌پایان رساندن مرحله تدارک و آغاز مرحله جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی باید هرچه بیش‌تر، سریع‌تر و عمیق‌تر جنبش انتقاد ازخود را گسترش دهیم. زیرا در نتیجه جنبش انتقاد ازخود رفقای ما به‌خصوص کادرهای رهبری درکارهای خود دقیق‌تر و مواظب‌تر عمل می‌نمایند. و رفقائی که هنوز به‌طور سطحی به مسائل برخورد می‌کنند و هنوز یاد نگرفته‌اند که به‌جای انتقاد سطحی، انفرادی و غیابی به انتقاد عمیق، همه‌جانبه و رو در روی بپردازند با ادامه جنبش انتقاد از خود یقیناً پیش‌رفت‌های بیش‌تری در این زمینه به‌دست خواهیم آورد. اما رفقا نباید

فکر کنند که انتقاد ازکمبودها و اشتباهات زودگذر است و در یک مرحله معینی از بین می‌رود. استالین" درباره مبتذل کردن شعار انتقاد ازخود" می نویسد:

« به این ترتیب آن رفقائی‌که تصور می‌کنند انتقاد ازخود یک پدیده زودگذر بوده و به‌زودی ازبین خواهد رفت مطلقا اشتباه می‌کنند. درحقیقت انتقاد از خود یک سلاح ضروری و دائمی در قورخانه بلشویزم و جوهر انقلابی آن رابطه نزدیک دارد.»

گرچه انتقاد از کمبودها و اشتباهات درحزب ما، مخالفین ما را خوشحال خواهند ساخت، درصورتی‌که این کمبودها و اشتباهات که مورد انتقاد ما قرارگرفته در دسترس شان قرارگیرد، آن‌را برای مقاصد خویش به‌کار خواهند برد. اما حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان هیچ‌گاه ترسی از این ندارد که مخالفین چه می‌خواهند بکنند و یا بگویند، به هرصورت حزب ما مصمم بر آن گردیده که با افشا کردن بی‌رحمانهٔ کمبودها و نواقص خویش گامی به جلو برداشته و این راه را دایماً ادامه دهد.

۴ ـ در مورد اصول مخفی کاری:

بین کنگره اول و کنگره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به‌طور کلی اصول مخفی کاری در حزب مراعات نگردید. گرچه رفیق ضیاء در این باره کاملاً جدی بود و باربار رفقا را مورد خطاب قرار داده و آن‌ها را از عواقب خطیر حرکات غیراصولی و علنی‌گری‌های بی‌جا بر حذر داشت، و حتی به‌طور جدی فیسبوک بازی‌ها را ممنوع نمود، اما این مبارزهٔ رفیق نتیجه ثمربخشی را به‌بار نیاورد. رفیق ضیاء عدم رعایت اصول مخفی کاری در حزب را به‌عنوان یک کمبود در اساس‌نامهٔ حزب نشانی نمود و به دفتر سیاسی این مسئله را پیش‌نهاد کرد.

دفتر سیاسی حزب روی این موضوع به بحث و تبادل نظر پرداخت و این مسئله را به‌عنوان کمبود در اصول اساس‌نامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان پذیرفت و آن‌را به‌عنوان یک اصل در اساس‌نامه حزب در نظر گرفت و در مسوده گنجانید و به پولینوم نهم حزب ارائه کرد، و از طرف پولینوم نهم پذیرفته شد و در کنگره دوم حزب مورد تائید قرار گرفت و بعنوان یک اصل اساس‌نامه‌یی به تصویب رسید.

ماده پنجم آئین‌نامه تشکیلاتی (مصوب کنگره دوم) با پیام روشن و قاطع علیه علنی‌گری‌ها و افشاگری‌های تشکیلاتی و با صراحت، اصول مخفی‌کاری در حزب را این‌گونه مطرح نموده است:

«مخفی‌کاری یک اصل جدی تشکیلاتی حزب محسوب می‌گردد و رعایت جدی آن به‌خاطر حفظ موجودیت حزب و پایداری و تداوم مبارزاتی حزب، در انطباق با شرایط مختلف تکامل مبارزاتی حزب، لازمی است. در شرایط کنونی که حزب در مرحله مبارزاتی تدارکی برای برپایی و پیش‌برد جنگ خلق قرار دارد، اصل مخفی‌کاری باید شدیداً رعایت گردد. در عین حال مخفی‌کاری به‌عنوان یک اصل مبارزاتی نمی‌تواند توجیه کننده محافظه‌کاری و پاسیفیزم باشد. این اصل تشکیلاتی شامل موازین ذیل است:

الف: ایجاد استخوان‌بندی تشکیلاتی حزب به‌صورت مخفی از دشمنان انقلاب و مبارزه برای پنهان نگه‌داشتن آن از عوامل دشمنان انقلاب، طبق شرایط مشخص مراحل مختلف مبارزاتی حزب.

ب: رعایت جدی سلسله مراتب تشکیلاتی حزب و اجتناب از رابطه گیری‌های افقی در تشکیلات حزب.

ج : رعایت جدی سلسله مراتب گزارش‌دهی حزبی و اجتناب از انتقال گزارش‌دهی‌های غیرلازم به سطوح پائین سلسله مراتب تشکیلاتی حزب.
....

مخفی‌کاری به مفهوم مخفی نگه‌داشتن موجودیت، ایدئولوژی، برنامه سیاسی و استراتیژی مبارزاتی حزب در جامعه نیست، بل‌که یک اصل امنیتی برای جلوگیری از وارد آمدن ضربات تشکیلاتی بر حزب از جانب دشمنان انقلاب است»

اصول مخفی‌کاری در ماده پنجم اساس‌نامه حزب به‌عنوان یک اصل مارکسیستی ـ لنینیستی ـ مائوئیستی پذیرفته شده و مورد تائید کنگره دوم حزب قرار

گرفته است. با کمال تاسف که اصل تشکیلاتی حزب کم‌تر مورد توجه قرار گرفته و از طرف بعضی رفقا به‌طور جدی باربار نقض گردیده است، به‌خصوص بندهای "الف، ب و ج " ماده پنجم. نقض ماده پنجم آئین‌نامه تشکیلاتی بعد از درگذشت رفیق ضیاء خود را به‌طور آشکار نشان داد.

متاسفانه که «پیام روشن و قاطع علیه علنی‌گری‌ها و افشاگری‌های تشکیلاتی» در آئین‌نامه تشکیلاتی هیچ اثری روی رفقایی که به این عمل آغشته بوده‌اند نگذاشته است و حزب هم موفق به جلوگیری از آن نگردید. روی این ملحوظ بود که در پولینوم دوم کمیته مرکزی کنگره دوم دوباره روی عدم رعایت اصول مخفی‌کاری بحث صورت گرفت و یک‌بار دیگر فیصله گردید که هرچه جدی‌تر جلو این بی‌بندوباری گرفته شود. در فیصله پولینوم دوم کمیته مرکزی دوم چنین آمده است:

«یکی از تغییرات ایجاد شده در اساسنامهٔ حزب، اضافه شدن اصل مخفی‌کاری بر اصول تشکیلاتی مندرج در اساسنامهٔ قبلی حزب است. مطابق به این اصل تشکیلاتی، ارتباطات افقی و سایر اشکال ارتباطات غیرتشکیلاتی میان اعضای حزب، ناقض اصل مخفی‌کاری بوده و باعث افشاگری‌هایی در میان اعضای حزب می‌گردد که به شدت حزب را از لحاظ امنیتی ضربه پذیر می‌سازد.

متاسفانه ارتباطات افقی و سایر اشکال ارتباطات غیرتشکیلاتی کماکان در میان اعضای حزب وجود دارد. درین مورد باید یک بحث تیوریک درونی در میان حزب راه انداخته شود. برعلاوه ضروری است که حزب از لحاظ انضباطی نیز در تطبیق اصل اساس‌نامه‌یی مذکور بکوشد و درصورت ضرورت اقدامات انضباطی در مورد افراد متخلف را تطبیق نماید.»

متاسفانه که دفتر سیاسی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان فیصله پولینوم دوم کمیته مرکزی کنگره دوم حزب را از یاد برد و هیچ اقدامی در جهت راه‌اندازی مبارزه درون حزبی نکرد. این عدم توجه دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب به مبارزه دو خط در میان حزب باعث علنی‌گری و افشاگری‌های بیش‌تر گردید. در این زمینه باید به تصمیمات کنگره احترام گذاشت و هرچه جدی‌تر فیصله‌های کنگره سوم را عملی نمود. در صورت مشاهده نقض هر یک از ماده‌های اساس‌نامه حزب اقدامات انضباطی با متخلف صورت گیرد.

مخفی‌کاری عبارت از قواعد و اصولی است جهت پیش‌برد اهداف اساس‌نامه حزب و حفظ نیروهای خودی از ضربه پولیس و دشمن. یا به‌عبارت دیگر مراعات قواعد و اصولی امنیتی و مبارزه علیه پولیس است.

فراگرفتن فن مبارزه با پولیس اکتسابی است و در جریان مبارزه فرا گرفته می‌شود. تمامی اعضای حزب باید این فن را فرا گیرند و بدان عادت و عمل نمایند. بدون چنین امری نمی‌توان از استحکام تشکیلاتی حزب حرفی به‌میان آورد. مبارزه با پولیس یک هنر است. هر یک از اعضای حزب باید این هنر را فرا گیرند و در این هنر حرفه‌یی شوند. زمانی‌که این هنر فرا گرفته شود محال است که پولیس بتواند تشکیلات را بدام اندازد. نیرومندی حزب در کاربرد درست و اصولی مخفی‌کاری است. لنین می نویسد:

«... لیکن از طرف دیگر هم برای این‌که همه این کارهای بسیار کوچک در یک‌جا مجتمع شود و هم برای این‌که خود جنبش، همراه با وظایف جنبش قطعه قطعه نشود و هم برای این‌که به اجرا کننده وظایف کوچک ایمان به لزوم و اهمیت کاری وی یعنی ایمانی که بدون وجود آن مجری هرگز کار نه‌خواهد کرد - تلقین گردد - برای همه این‌ها همانا سازمان محکمی از انقلابیون کار آزموده لازم است. با بودن چنین سازمانی، هرقدر که این سازمان پنهان‌تر باشد، همان‌قدر هم ایمان به نیرومندی حزب محکم‌تر و دامنه آن وسیع‌تر می‌شود.» لنین مجموع مقالات در یک جلد - چه باید کرد - صفحه ۱۲۲

برای این‌که رفقا بتوانند وظایف شان‌را به‌درستی انجام دهند باید بدترین شرایط را در نظر بگیرند. زیرا زمان انجام وظیفه احتمال مواجه شدن با پولیس می‌رود. بناءً اساس کار ما باید روی دشوارترین شرایط بناء گردد و خطرات، شکست‌ها و ضربات احتمالی دشمن در نظر گرفته شود. این موضوع را نه‌باید ناگفته گذاشت که در جریان وظایف انقلابی قربانی دادن یک امر قبول شده است. نباید به بهانه خطرات احتمالی ضعف‌ها و پاسیفیزم را توجیه نمود و وظایف را کنار گذاشت. باید تا آن‌جائی‌که لازم است در

انجام وظایف از ضربات و قربانی جلوگیری به‌عمل آورد. با درنظر گرفتن چنین حالتی ممکن و میسر است که به مخفی‌کاری عادت نموده و اوضاع را درست سنجید و بدترین شرایط را درنظر گرفت.

اصول مخفی‌کاری برای هر تشکیل انقلابی الزامی است بنابه‌قول لنین:

« پنهان‌کاری به‌درجه‌ای شرط لازم یک‌چنین سازمانی است که تمام شرایط (عده اعضا، گزین کردن آن‌ها، وظایف و غیره) باید با شرط مذکور وفق داده شود. » **در جای دیگری می‌گوید:**

« یگانه اصل جدی سازمانی برای کارکنان جنبش ما باید عبارت باشد از: پنهان‌کاری بسیار شدید، گزین کردن بسیار دقیق اعضا و آماده نمودن انقلابیون حرفه‌ای. هر گاه این صفات موجود باشد - چیز دیگری هم تامین خواهد بود که از " دموکراتیزم" بالاتر است و آن: اعتماد رفیقانه است و این موضوع برای ما ضرورت کامل دارد. » (چه باید کرد)

عدم رعایت اصول مخفی‌کاری زمینه را مساعد می‌سازد تا نیروهای استخباراتی اشغال‌گران و رژیم پوشالی بعد از دریافت کوچک‌ترین رد پا، تمامی و یا اکثریت اعضای حزب را شناسایی نموده و در شرایط مشخص و دل‌خواه شان یکایک را دست‌چین نماید. چنین وضعیتی یک بازیچه پوچ و زیان بخشی است که نه‌تنها خود شخص را زیر ضربه قرار می‌دهد، بل‌که تمام روابطش را افشا نموده و زیر ضربه قرار می‌دهد. یا به‌عبارت دیگر این حرکت ناسنجیده نه‌تنها شخص بل‌که جمع را ضربه می‌زند.

باید بین مخفی‌کاری و گسترش حزب و فعالیت‌های توده‌یی روابط دیالکتیکی برقرار ساخت. مطلق ساختن یکی و فراموش نمودن دیگری انحراف از اصول اساس‌نامه حزب است و به حزب و انقلاب ضربه می‌زند.

گزارش سیاسی به کنگره دوم به تمام کادرها و اعضای حزب چنین هوشدار داده است:

« ما باید جداً توجه داشته باشیم که یک حزب مائوئیستی باورمند به استراتژی مبارزاتی جنگ خلق و در حال تدارک برای برپایی و پیش‌برد چنین جنگی، باید حزب آهنینی باشد که اعضای آن نظم تشکیلاتی را دقیقاً رعایت کنند، انضباط حزبی را قویاً در نظر بگیرند، سلسله مراتب تشکیلاتی حزبی را به‌صورت نیرومندی پاس‌داری کنند و در یک کلام نمونهٔ انضباط، دسپلین و رعایت اصول و احکام تشکیلات حزبی باشند و نه عناصر لیبرال بی‌انضباط که پیوسته از نظم تشکیلاتی فرار نمایند.

ما باید جداً توجه داشته باشیم که یک حزب مائوئیستی باورمند به استراتژی مبارزاتی جنگ خلق و در حال تدارک برای برپایی و پیش‌برد چنین جنگی، یک حزب مخفی و غیرقانونی است. هرگونه افشاگری تشکیلاتی در مورد چنین حزبی توسط هر رفیق، ولو این‌که متوجهٔ خودش باشد، نتایج وخیم امنیتی را در بر خواهد داشت. یکی از جلوه‌های این روحیات علنی‌گری و افشاگری تشکیلاتی، فیسبوک بازی‌های بسیار ساده لوحانه و ساده انگارانهٔ تعداد زیادی از رفقا و هوادارن حزب است. این رفقا خم خم کشتن صیاد را به مفهوم ضعف و ناتوانی صیاد تلقی می‌کنند و توجه ندارند که در تاریخ افغانستان، به ویژه از زمان امان الله خان تا حال، دوره‌های استبداد و دوره‌های نسبتاً باز سیاسی به‌صورت مداوم یکی پی دیگری تکرار شده اند و هربار بعد از بسته شدن گشایش‌ها، رزمندگان مردمی‌ای که در دورهٔ گشایش نسبی گذشته به‌صورت تمام و کمال افشا شده اند از دم تیغ گذشتانده شده اند. این رفقا توجه ندارند که علنی گری‌ها و افشاگری‌های تشکیلاتی‌شان قویاً به‌عنوان یک زهر کشنده علیه اقدامات تدارکی حزب برای برپایی و پیش‌برد جنگ خلق عمل می‌نماید. به این معنا که این علنی‌گری‌ها و افشاگری‌های تشکیلاتی سرنخ هایی در اختیار دشمن سرکوب‌گر قرار می‌دهد که برای راه‌اندازی اقدامات سرکوب‌گرانه‌اش علیه حزب به شدت مفید است و دشمن می‌تواند با استفاده از سرنخ‌های مذکور نقشه‌های ضد انقلابی‌اش را در به ناکامی کشانده شدن اقدامات تدارکی برای برپایی جنگ خلق طرح و تطبیق نماید.

حزب باید از طریق این کنگره یک پیام روشن و قاطع علیه علنی‌گری‌ها و افشاگری‌های تشکیلاتی صادر نماید. درج اصل مخفی‌کاری به‌عنوان یک اصل تشکیلاتی حزبی در آئین‌نامهٔ حزب بخش مهمی از این پیام خواهد بود. درج این اصل در آئین نامهٔ تشکیلاتی حزب به این مفهوم است که بعد از این کنگره، علنی‌گری و افشاگری‌های تشکیلاتی توسط هیچ رفیق حزبی تحمل نخواهد شد و حزب خود را مکلف خواهد دانست که

علیه این‌گونه حرکت‌های ضد تشکیلاتی با قاطعیت برخورد نماید. »

گرچه کنگره دوم حزب « پیام روشن و قاطع علیه علنی‌گری‌ها و افشاگری‌های تشکیلاتی صادر» نمود، اما متاسفانه که این پیام روشن و قاطع کنگره دوم حزب نیز بر رفقا اثری نگذاشت. علت این‌که بعد از کنگرهٔ دوم علنی‌گری و افشاگری‌های سیاسی قویاً پا برجا باقی ماند این بود که دفتر سیاسی حزب برای پیاده نمودن تصمیمات کنگره دوم حزب به‌صورت قاطع و کانکریت عمل نکرد و در این زمینه تن به سازش‌هایی داد. با درس‌گیری از تجارب دو کنگره کمیته مرکزی، کمیته مرکزی و به‌خصوص دفتر سیاسی حزب بعد از کنگره سوم باید بطور جدی و قاطع تصمیمات و فیصله‌های کنگره سوم حزب را در عمل پیاده نمایند. در چنین حالتی است که می‌توان کادرهای جوان و اعضای حزب را با نظم و دسپلین تربیه نمود.

۵ ـ در مورد مسئله مالی:

یکی دیگر از مشکلاتی که فراروی حزب ما قرار دارد، مشکلات مالی است. حزب ما از لحاظ مالی شدیداً در مضیقه قرار دارد و تمامی عرصه‌های مبارزاتی حزب از لحاظ مالی، کاملاً با مشکلات فراوانی مواجه است. وقتی یک حزب معتقد به استراتیژی مبارزاتی جنگ خلق این چنین با مشکلات مالی شدیدی مواجه باشد، پس برای طرح مشکلات مالی در عرصه فعالیت‌های مشخص تدارکی نظامی جای بحثی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان یگانه حزب سیاسی در افغانستان است که از لحاظ مالی متکی به‌خود می‌باشد، یا به‌عبارت دیگر حزب ما از لحاظ مالی متکی به حق‌العضویت و کمک‌های مالی اعضا و هواداران حزب است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از کنگره اول حزب تا کنون سیاست اتکاء مالی به منابع امپریالیستی و ارتجاعی خارجی و داخلی را در تناقض با استقلال ایدیولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی حزب دانسته و علیه آن به‌عنوان یک انحراف عمیق ایدئولوژیک ـ سیاسی مبارزه نموده و می‌نماید و آن‌را برنامه‌وی ساخت، و هیچ‌گونه توجیه چنین سیاستی را حتی به مثابهٔ اقدامات تاکتیکی ضروری نپذیرفته و نمی‌پذیرد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان معتقد است که سازمان‌های به اصطلاح چپ در افغانستان که سیاست اتکاء مالی به منابع امپرالیستی و ارتجاعی خارجی را توجیه تاکتیکی مصارف مالی برای «مبارزات انقلابی» می‌نمایند، در حقیقت بخش مهمی از سیاست ارتجاعی وابستگی شان به اشغالگران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده را تشکیل داده و به‌بخش جدایی‌ناپذیر سیاست رویزیونیستی شان تبدیل گردیده است. روی این اصل بود که حزب ما در کنگره وحدت تأمین مصارف مالی از منابع امپریالیستی و ان‌جی او(انجو) ها را به‌عنوان یک سیاست انحرافی و وابسته نشانی نمود و آن‌را برنامه‌یی ساخت و قاطعانه علیه چنین سیاستی ایستاد و جداً علیه آن به مبارزه پرداخت.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از زمان بنیان‌گذاری‌اش تا کنون هرگز اصل اتکاء به‌خود را از لحاظ مالی به‌فراموشی نسپرد. بناءً همیشه به اعضای حزب و بخصوص کمیته مالی توصیه نموده و می‌نماید که برنامه‌های مالی که برای تنظیم بهتر امور مالی حزب درنظر می‌گیرند باید مستقلانه از منابع مالی امپریالیستی و ارتجاعی خارجی و داخلی باشد و به‌صورت مستقلانه به‌پیش برند.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان یگانه راه اساسی رفع مشکلات مالی حزب را گذار از مرحله تدارک به مرحله برپایی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص جنگ خلق در شرایط کنونی) می‌داند، اما معتقد است که این گذار نیز به نوبه خود در یک حد معین نیازمند تأمین مالی است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در کنگره اول و کنگره دوم حزب و بسیاری از پولینوم‌ها روی این موضوع مکث نموده و نتیجه‌گیری‌اش چنین بوده که در شرایط فعلی قبل از همه باید پرداخت حق‌العضویت‌های اعضا و داوطلبان عضویت و کمک‌های مالی آن‌ها به حزب، به‌صورت منظم و منسجم درآید، و رفقایی که از بابت حق‌العضویت‌ها مقروض اند و یا این‌که پول حزب نزد شان است باید هرچه عاجل قروض شان را پرداخت نمایند.

عدم توجه به این موضوع نه‌تنها عدم احساس مسئولیت در قبال مسائل مالی حزب را از طرف اعضاء و یا مسئولین حزب نشان می‌دهد، بل‌که مقدم بر آن نشانه‌ای از عدم تطبیق یکی از ابتدایی‌ترین اصول انضباطی حزبی محسوب می‌گردد. رفقایی که با این امر مهم و فیصله‌های کنگره و پولینوم‌های کمیته مرکزی توجه‌ای ندارند یا بر وخامت آن آگاه نیستند و یا این‌که سهل و ساده از کنار آن می‌گذرند، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان باید دراین زمینه جهت آموزش رفقا مبارزه ایدئولوژیک راه بیندازد و توجه رفقا را به این نکته معطوف نموده و براین دشواری غلبه نماید.

رفقا باید دقیقاً درک نمایند که: «حزب ما از لحاظ مالی به پرداخت حق‌العضویت‌ها و سایر مکلفیت مالی اعضای حزب متکی است. بنابرین عدم پرداخت حق‌العضویت‌ها و سایر مکلفیت‌های مالی توسط اعضای حزب و یا پرداخت ناقص آن‌ها، حزب را به‌درجات مختلف در مضیقهٔ مالی قرار می‌دهد و اجرای برنامه‌های مبارزاتی حزب را با مشکلات مواجه می‌سازند. به‌ویژه باید دقیقاً توجه داشت که طبق متن صریح اساس‌نامهٔ حزب، پرداخت منظم حق‌العضویت یکی از شروط اولیهٔ عضویت هر فرد در حزب است و عدم پرداخت آن، یا پرداخت ناکافی و غیرمنظم آن، شرط اولیهٔ مذکور را به درجات مختلف خدشه‌دار می‌سازد و به انضباط حزبی زیان می رساند.» (پولینوم دوم کمیته مرکزی دوم حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان.)

بدیهی است که اوضاع کنونی خیلی پیچیده‌تر از زمان قبل گردیده است. حزب ما نیاز به تحرک بیش‌تر و بیش‌تر دارد، ما نمی‌توانیم مثل سال‌های گذشته حرکت نماییم. برای رفتن به جلو باید کل رفقا به حرکت در آیند و خط حزبی را در عمل پیاده کنند.

در حقیقت امروز برنامه‌های مبارزاتی حزب ما که به مشکل روبرو گردیده عدم احساس مسئولیت رفقا در مقابل حزب و خط مطروحه آن می‌باشد. رفقا درک نمی‌کنند که در شرایط کنونی یک حزب سیاسی معتقد به استراتیژی جنگ خلق نیازمند آن است که حداقل دفتر سیاسی کاملا به حالت حرفه‌ای درآید و بعداً یکایک رفقای کمیته مرکزی حرفه‌ای گردند.

حرفه‌ای شدن رفقا وابسته به مسئله مالی حزب است. رفقا باید این وضعیت را درک کنند و تلاش نمایند که با پرداخت منظم حق‌العضویت‌ها و کمک‌های مالی شان علاوه بر رفقای دفتر سیاسی، اعضای کمیته مرکزی را به سمت حرفه‌ای شدن سوق دهند.

حزب از طریق مبارزات ایدئولوژیک درونی می‌تواند رفقا را به این امر متوجه سازد تا طبق اساس‌نامه حق‌العضویت و کمک‌های مالی خویش را به‌وقت معینه پرداخت نمایند. در صورتی‌که رفقا با این احساس مسئولیت به حرکت درآیند، درآن‌صورت می‌توان گفت که ذهن رفقا از قید عادت گذشته رها گردیده است، درغیر این صورت ذهن در قید شرایط گذشته باقی مانده و نتیجه ثمر بخشی به بار نمی آورد.

ذهنیت بسیاری رفقای ما در قید عادت گذشته باقی مانده است. این موضوع نه‌تنها به مساله مالی مربوط می‌شود، بل‌که به گسترش حزب و عدم تبلیغ و ترویج نیز مربوط می‌گردد. بسیاری از رفقا همان‌طوری‌که در گذشته به‌فکر جلب وجذب و گسترش حزب، و هم‌چنین تبلیغ و ترویج نبودند اکنون نیز در همان حالت باقی مانده‌اند. این وضعیت بارها در پولینوم‌ها، کنگره دوم و حتی جلسات خصوصی جداً مورد انتقاد قرار گرفته است، اما وضعیت همان است که بود...

تا زمانی‌که این وضعیت برهم نخورد و خود را از قید عادت نه‌رهانیم و به رفع این نواقص اقدام نه‌کنیم نه‌خواهیم توانست خط و مشی حزب مان‌را که عبارت از تلفیق مارکسیزم ـ لنینیزم ـ مائوئیزم در پراتیک مشخص جامعه ماست پیاده نماییم.

بسیاری از رفقای ما نه‌تنها در زمینه مالی، بل‌که در زمینه تبلیغ و ترویج و هم‌چنین گسترش حزب احساس مسئولیت نمی‌کنند، وهیچ‌گاه به این فکر نیستند که در شرایط کنونی، حزب چه مسئولیتی را جلو روی شان گذاشته است. بعضی رفقا با حزب طوری برخورد می‌کنند که این حزب متعلق به ایشان نیست. این وضعیت کاملا اسفناک است.

رفع این مشکل هیچ راه دیگری ندارد جز پیش‌برد یک مبارزهٔ خطی آموزش دهنده در مورد شیوهٔ مناسب مبارزات خطی-

درونی بر مبنای فرمول‌بندی مائوئیستی "وحدت -مبارزه - وحدت" از یک‌جانب، و پیش‌برد مبارزات قاطع و در عین حال سازندهٔ خطی درونی و راه باز کردن وسیع برای انتقادات درون حزبی اصولی و سالم در تمامی سطوح تشکیلات حزب.

برای رفع مشکل مالی در قدم اول الزامی است که تمامی اعضا و داوطلبان حزب، به شمول کمیته مرکزی به استثنای اعضای حرفه‌یی کمیتهٔ مرکزی حق‌العضویت‌های شان‌را در مطابقت با آئین‌نامهٔ تشکیلاتی حزب و بر وقت معین بپردازند، و در صورت توان‌مندی مالی کمک مالی نیز به حزب بنمایند.

....

رفقا به‌خوبی می‌دانند که پرداخت حق‌العضویت به‌وقت معینه و به‌طور منظم یکی از شروط اولیهٔ عضویت هر فرد در حزب است. هرگاه یک و یا چند رفیق این اصل آئین‌نامهٔ تشکیلاتی را در نظر نگیرند و حق العضویت شان‌را به‌طور ناقص و ناکافی و غیر منظم پرداخت نمایند در حقیقت شرط اولیهٔ مذکور را به درجات مختلف خدشه‌دار ساخته و به انضباط حزبی زیان می‌رسانند.

....

کمیته‌های منطقه‌یی و پایه‌یی حزبی مکلفیت دارند تا حق‌العضویت‌ها و سایر مکلفیت‌های مالی حزبی اعضای حزب در مناطق مربوطهٔ شان را به‌طور منظم و به‌وقت معینه جمع‌آوری نمایند و صورت حساب آن‌را در گزارشات دوماههٔ شان به کمیته مالی مرکزی حزب ارائه کنند. این کمیته‌های مکلفیت دارند تا نصف عواید مالی واحدهای منطقه‌یی و پایه‌یی حزبی را به کمیته مالی مرکزی ارسال نمایند.

.... وظیفه کمیته مرکزی است که مبارزهٔ تیوریک علیه این انحراف ایدیولوژیک ـ سیاسی را فرمولبندی نموده و به‌عنوان یک سند ویژه در نشریهٔ درونی مرکزی حزب منتشر نماید.

طبق فیصلهٔ پولینوم پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان « مصارف مالی اعضای حرفه‌یی حزب باید توسط حق‌العضویت‌های رفقای کمیته مرکزی و اعضای حزب در خارج از کشور و کمک‌های مالی هواداران حزب در خارج از کشور تأمین گردد.» این فیصله پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تا هنوز پا برجا و قابل اجرا است.

....

علاوه ازین‌ها، کمیته مالی مرکزی حزب مکلف است که برای تنظیم بهتر امور مالی راه‌های مناسب دیگری را برای رفع مشکلات مالی حزب جستجو نماید و سایر رفقا را ترغیب نماید تا طرحات ابتکاری خود را با آن‌ها شریک سازند.

۶ ـ در مورد سیستم گزارش‌دهی:

سیستم گزارش‌گیری و گزارش‌دهی منظم تشکیلاتی به کمیته مرکزی، حزب را در اجرای جلوگیری از خطاها، کمبودات و حتی انحرافات یاری می‌رساند. هرگاه سیستم گزارش‌گیری و گزارش‌دهی در حزب منظم نباشد سیستم اطلاع‌یابی از اوضاع حزب غیرمنظم و غیرمنسجم خواهد بود. هر اندازه که این سیستم ناقص و نامنظم باشد به همان اندازه سیستم رهنمود دهی نیز ناقص خواهد بود. یا به‌عبارت دیگر هر قدر که سیستم گزارش‌گیری و گزارش‌دهی در حزب غیر منظم و ناقص باشد به همان‌اندازه اشتباهات و انحرافات زمینه رشد بیش‌تری پیدا خواهد نمود و ارتباط حزبی از بالا به پائین و از پائین به بالا ، از لحاظ رهنمودگیری‌ها و رهنمود دهی‌ها نقص خواهد داشت و این نقص به هر اندازه‌ای که باشد، به‌همان اندازه رهبریت حزبی و ارتباط حزبی را خدشه‌دار خواهد کرد.

در گزارش سیاسی به کنگره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان سیستم گزارش‌گیری و گزارش‌دهی در حزب چنین بیان گردیده است:

« در واقع عدم موجودیت سیستم گزارش‌گیری و گزارش‌دهی منظم در حزب ما یکی از عوامل

خودسری‌ها و بی‌نظمی‌های تشکیلاتی و به‌طور مشخص یکی از عوامل مهم اقدامات خودسرانه در تشکیلات حزب است، اقداماتی که می‌تواند نفوذ عوامل دشمن و عناصر ناباب در درون تشکیلات حزب را آسان سازد و ناهم‌آهنگی‌های تشکیلاتی در حزب را گسترش دهد. نتیجهٔ نهایی چنین وضعیتی جز ناهم‌آهنگی و تشتت ایدیولوژیک- سیاسی و تشکیلاتی و به بیان ساده‌تر تبارز خط یا خط‌های متناقض یا لااقل متنافر با خط رسمی اساس‌نامه‌یی در حزب، چیز دیگری نخواهد بود.

اگر ما سیستم گزارش‌گیری و گزارش‌دهی منظم در حزب به‌وجود نیاوریم، اولاً نه‌خواهیم توانست به مرحلهٔ آغاز جنگ خلق پا بگذاریم و ثانیاً اگر به‌فرض محال بتوانیم به آن مرحله پا هم بگذاریم، به زودی سرکوب و نابود خواهیم شد. بنابرین موضوع گزارش‌گیری و گزارش‌دهی منظم در حزب از یک‌جهت یک موضوع مرگ و زندگی است و باید با تمام توش و توان خود سعی نماییم که چنین سیستمی را در حزب به‌وجود آورده و به‌طور روزافزون استحکام دهیم.

یکی از جوانب به شدت منفی و زیان‌آور عدم موجودیت سیستم گزارش‌گیری و گزارش‌دهی منظم تشکیلاتی در حزب، موجودیت سیستم گزارش‌گیری و گزارش‌دهی نسبتاً منظم معکوس در حزب است. به این معنا که گزارش‌دهی در حزب ما بیش‌تر از آن‌که از پایین به بالا باشد، از بالا به پایین است. در نتیجه تعداد نسبتاً زیادی از رفقا عملاً حق خود می‌دانند که از گزارشات سطوح بالای حزبی اطلاع حاصل کنند، ولی خودشان هیچ گزارشی به حزب ارائه نمی کنند و یا گزارشات غیر منظم و دیروقت به حزب می‌دهند.»

گرچه بعد از کنگره دوم حزب تا حدودی این نقیصه مرفوع گردید، اما به‌طور کل حل نگردید. و گزارش‌دهی نسبتاً معکوس تا کنون ادامه پیدا نموده است. بسیاری گزارشاتی که از پائین به بالا داده شده اولاً کتبی نبوده و ثانیاً تمام جنبه‌های مثبت و منفی را دربر نداشته است. از بسیاری کمیته‌های پایه‌یی گزارش به دفتر سیاسی نرسیده است.

هر رفیقی که گزارش ارائه می‌کند، اولاً باید کتبی باشد. ثانیاً به‌هیچ عنوان معکوس یعنی از بالا به پائین نباشد و ثالثاً گزارش باید تمام مسایل را مو به مو یعنی تمامی جنبه‌های مثبت و منفی را ارائه نماید یا به‌عبارت دیگر گزارش یک منطقه باید شامل فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی، فرهنگی، گرایشات سالم و ناسالم، اختلاف نظرها، نکات ضعف و قوت خود و نیروهای سیاسی منطقه و نکات قوت و ضعف دشمن را دربر داشته باشد. در چنین حالتی است که رهبری در تاریکی قرار نداشته و از تمامی مسایلی که در پایین می‌گذرد بی‌خبر نمی‌ماند و می‌تواند در اسرع وقت از خطاها و انحرافات جلوگیری نموده و حزب را به سمت درست رهنمون سازد.

....

حزب ما از کنگره دوم به این‌طرف سیستم منظم گزارش‌دهی درباره سیاست حزب را مقرر داشت، اما از کنگره دوم تا امروز هنوز بعضی از رفقا اهمیت گزارش‌دهی به دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب و درخواست رهنمایی از دفتر سیاسی کمیته مرکزی را درنیافته اند.

گزارش باید سر وقت و به‌موقع داده شود تا حزب به‌تواند رهنمود صحیح برای جلوگیری از اشتباهات، کمبودات و حتی انحرافات ارائه نماید. در بعضی مواقع اضطراری باید عاجل گزارش به دفتر سیاسی کمیته مرکزی ارسال گردد، تا به موقع جلو اشتباهات گرفته شود.

بدون داشتن یک تیم کاری فعال وسیستم گزارش‌دهی منظم رهبری جمعی به رهبری فردی انتقال یافته و از دفتر سیاسی و کمیته مرکزی جزنامی باقی نمی‌ماند.

مسئله دیگری که از اهمیت ویژه‌ای بر خودار است این است که هرگاه در یکی از مناطق اشتباهی خواه به‌صورت جمعی و یا فردی صورت گرفته و یک رفیق کمیته مرکزی از دیگر منطقه از آن آگاهی حاصل کرده و گزارش را به رفقا ارائه نموده، علاوه بر این‌که تقدیر نشده بل‌که زیر نام دخالت در امور تشکیلاتی منطقه مورد سرزنش قرار گرفته است. این حرکت و عمل‌کرد رفقا به این معنی است که آن‌ها نمی‌خواهد تا از نکات منفی منطقه شان دیگر رفقا و به‌خصوص اعضای کمیته مرکزی باخبر شود. چنین برخوردهای در حقیقت به معنی محفل بازی و فراکسیونیزم در درون حزب است، که

باربار توسط انحلال طلبان کنونی خود را در معرض نمایش گذاشت، و تا جایی که توان داشتند حرکات و عمل‌کردهای منفی اعضای حزب در منطقه‌شان‌را پوشاندند. همین وضعیت ناسالم بود که بعد از درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست)افغانستان منحرفین خزیده در درون حزب علناً و عملاً در انحلال طلبی غلطیدند.

باید بعد از کنگره سوم حزب به‌این شیوه برخوردها خاتمه داده شود. هر رفیق کمیته مرکزی هرگاه گزارشی را از دیگر منطقه بدست آورده و به رفقای مسئول ارائه می‌کند باید گزارش رفیق بادقت شنیده شود و بعد موضوع به‌صورت درست تعقیب گردد و در جلسه رو در روی نه انفرادی مطرح گردد و به حل و فصل آن پرداخته شود. در چنین حالتی است که ما می‌توانیم استحکام حزب را پیوسته حفظ نموده و نیروی رزمنده آن‌را تقویت کنیم. در غیر آن هر منطقه هرقدر که خرابی نماید، رفقای دفتر سیاسی و رفقای کمیته مرکزی در تاریکی قرار می‌گیرند.

در حالی‌که برنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نظارت توده‌ها را بر حزب پذیرفته است . هرگاه رفقا انتقاد رفیق حزبی خویش که از دیگر منطقه است نه‌پذیرند و آن‌را دخالت در امور تشکیلاتی خود بدانند پس چطور انتقاد یک فرد غیر حزبی را می‌پذیرند؟

هرگاه مسئله‌ای مهمی (نه جزیی و یا فرعی) پیش می‌آید، باید فوراً گزارش منظم و دقیق آن به دفترسیاسی حزب داده شود و فوراً رفقا را به جلسه فراخواند و مسئله را به‌طور باز و آشکار در جلسه مطرح نمود و راه حلی برایش پیدا کرد. در چنین حالتی است که هیچ‌گاه مشکلی به‌وجود نمی‌آید. مشکل اساسی در عدم گزارش‌دهی وگزارش‌گیری منظم و بیان گزارشات صحیح و دقیق در جلسات می‌باشد. زمانی‌که مسئله پیش آید و گزارش دقیق آن به دفتر سیاسی ارائه نگردد، نه‌تنها که مشکل پا برجا می‌ماند، بل‌که اشتباه بارها تکرار گردیده منجر به انحراف عمیق ایدئولوژیک ـ سیاسی می‌گردد و زیان‌های بزرگی به حزب وارد نموده و وحدت و هم‌بستگی حزب را از بین می‌برد.

برای ازبین‌بردن این نکات ضعف باید که رهنمودهای دقیق مائوتسه‌دون را در نظرگرفت:

«هروقت مسئله‌ای پیش می‌آید، جلسه‌ای فراخوانید و مسایل را برای بحث باز و آشکار مطرح کنید و درباره آن‌ها تصمیم بگیرید، تا بتوان بدین‌ترتیب راه‌حلی برای مسائل پیداکرد. اگر مسایلی باشند، ولی به‌طور روشن مطرح نشوند، مدت‌ها وحتی سال‌ها هم‌چنان لاینحل باقی خواهد ماند.» **در ادامه می‌نویسد:** «هیچ‌چیز بهتر از بردباری متقابل، تفاهم متقابل، پشتیبانی و دوستی متقابل میان دبیرحزبی و اعضای کمیته، میان کمیته مرکزی و بوروهایش، و میان بوروها و کمیته‌های حزبی منطقه‌ای نیست» (منتخب آثارجلد چهارم صفحه ٥٤٤)

برای جلوگیری از بی‌انضباطی و انارشیزم در درون حزب، کنگره سوم حزب موظف است تا در این‌باره تصمیم جدی بگیرد و این اصل را نیز به‌عنوان یکی از اصول تشکیلاتی در آئین‌نامه تشکیلاتی درج نماید.

۷ ـ در مورد زنان:

با شروع دوره پدر سالاری و خاتمه یافتن دوره مادر سالاری زن تبدیل به ملک مطلق مرد گردید. مرد دیگر زن را به‌عنوان شی جنسی قلمداد نمود و از او کار می‌کشید و تا به امروز هم همین شکل مالکیت بر زنان در جامعه مستعمره ـ نیمه فیودال افغانستان ادامه دارد.

«پایه مادی تبدیل موقعیت زنان از اعضای برابر جامعه به هم‌سران زیردست در توسعه منابع تولید ارزش به‌عنوان اموال خصوصی که با اهلی کردن حیوانات آغاز شد، نهفته است.» انگلس

از زمان تقسیم جامعه به طبقات تا الحال زن همیشه چون کالائی مورد معامله قرار گرفته است. از این پس زن اسیر اقتصادی و بنده شهوت مرد و افزار ساده تولد و تناسل گردید و مرد در خانه فرمان‌روای مطلق می شود.

تشدید «گلوبلازیسیون سرمایه‌های نیولیبرال امپریالیستی چه در کشورهای امپریالیستی و چه در کشورهای تحت سلطهٔ امپریالیزم، کتله‌های وسیعی از زنان را به عرصه‌های کار اجتماعی بیرون

از خانه کشانده است، به‌نحوی که زنانه شدن بیش‌تر بافت طبقهٔ کارگـر در کشورهـای مختلـف جهان، یکی از خصوصیات طبقهٔ کارگر فعلی در کشورهای مختلف جهان را تشکیل می‌دهد.

از یـک‌طـرف تـشدیـــــد گلوبلازیسیون زنان را به عرصه کار اجتماعی کشیده و از سوی دیگر حاکمان کشورهای مختلف جهان تلاش دارند تا قیدوبندهای جنسیتی و خانوادگی بالای زنان را حفظ کنند. طبقه حاکمه نه‌تنها این قیودات را بالای زنان حفظ نموده اند، بل‌که اشکال جدید ستم را نیز بالای آن‌ها به‌وجود آورده اند. از طریق قیدوبندها و ستم جنسیتی استثمار مضاعف را بالای زنان تحمیل کرده اند، به‌طوری که زنان کارگر درمقابلِ کار برابر با مردان کارگر، معمولاً مـزد کـــم‌تر از آن‌هـا دریـافت می‌کنند.

امروز در کشورهای امپریالیستی "تجارت سکس"، که ظاهراً یک تجارت غیر قانونی و قابل تعقیب به حساب می‌آید، اما این تجارت دختران و زنان را به مغاک بردگی مدرن جنسیتی سقوط داده است، و امروز یکی از پر منفعت‌ترین تجارت‌های جهانی است.

«منابع اولیهٔ این "تجارت" جهانی سودآور در اروپـــا، کشورهـای اروپای شرقی اند و مسیر آن از کشورهـای اروپـــای شرقـی به کشورهای اروپای غربی. اما منابع اولیهٔ این "تجارت" جهانی پرسود در آسیا کشورهایی چون فیلیپین، تایلند، نیپال، ایران و غیره هستند و مسیر آن از کشورهای مذکور به کشورهای نفت‌خیز عربی در خلیج.

این وضعیت در عین حالی‌که زنانه شدن وسیع بافت طبقهٔ کارگر در جهان را رقم زده است، پیوند میان استثمار طبقاتی سرمایه‌دارانه و غیر سرمایه‌دارانه در جهان و ستم جنسیتی بر زنان را بیش‌تر از پیش عمیق‌تر و گسترده‌تر ساخته و پتانسیل مبارزاتی انقلابی زنان را به مثابهٔ نیروی قدرتمندی به‌وجود آورده است که آزاد ساختن و بالفعل‌ساختن آن در راه انقلاب در جهان و کشورهای مختلف جهان، یکی از وظایف مهم مبارزاتی نیـروهـای انقـلابـی، به‌ویـژه نیروهای کمونیستی، محسوب می گردد.» (گزارش سیاسی به کنگره دوم)

جامعه مردسالار برای کام‌جوئی از زنان، همیشه آن‌ها را به اندرون خانه سوق داده و کوشیده اند که از حضورشان در صحنه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جلوگیری به‌عمل آورند. به‌همین منظور امروز در افغانستان حضور زن در صحنه اقتصادی، سیاسی، ادبی، فرهنگی و هنری کاملا کم‌رنگ است.

دولت‌های استثمارگـر در طول تاریخ، حافظ ستم‌گـری بر زنان بوده و حفظ و تداوم این ستم‌گری را یکی از وظایف تخطی ناپذیر شان دانسته‌اند.

در جامعه مستعمره ـ نیمه‌فیودال افغانستان ، اکثریت عظیم زنان، علاوه بر این‌که از ستم امپریالیزم، نیمه فیودالیزم و بورژوازی کمپرادور در رنج اند، از ستم مرد سالارانه نیز رنج می‌برند. تبعیضات و بی‌عدالتی‌های شدید وگسترده‌ای که از درون خانواده تا گستره وسیع جامعه، در حق زنان روا داشته می‌شود ، تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را دربر می‌گیرد .

در شرایط کنونی افغانستان دختران نسبت به پسران و زنان نسبت به مردان، نه‌تنها از هر حیث در موقعیت پایین‌تری قرار دارند، بل‌که اکثراً آن‌ها برای خرید و فروش و تملک و برای اطاعت و فرمان‌برداری از مردان محسوب می‌گردند. امروز اکثریت مطلق دختران جوان از حق تعیین سرنوشت زندگی آینده زناشویی شان محرومند، وحتی جنایت فوق‌العاده آشکار ازدواج دختران صغیر نیز تا حال در جامعه افغانستان از میان نرفته است.

امروز کاری که زنان در خانه انجام می‌دهند در مقابل کار مرد هیچ ارزشی ندارد. تا زمانی‌که این سیستم از ریشه و بنیان تغییر نکند نمی‌توان از آزادی زن و تساوی او با مرد حرفی به میان باشد.

وضعیت زنـان دهـاتی بیان‌گـر آنست با آن که آن‌ها در تولیدات زراعتی، مالداری و صنایع دستی، سهم برجسته‌ای دارند، از حق مالکیت بر زمین و سایر وسایل تولیدی محروم هستند. زیرا فعالیت‌های اقتصادی زنان دهاتی تماماً در چهار چوب کار اقتصادی خانوادگی صورت می‌گیرد، در مجموع کار زنان دهاتی بیرون از این چهار چوبه ممنوع است.

این وضعیـــت در بخـش عظیـم زنان شهری نیز اعمـال مـی‌گردد، اکثریت زنان شهری امروز عملاً از حق کار در بیرون از خانه محروم اند و هیچ فعالیت اقتصادی بیرون از چهار دیواری خانه ندارند.

کارگران زن که در کارگاه‌های صنایع دستی، فابریکه‌های میوه پاکی، پشم پاکی، کرک پاکی و موسسات خیاطی کار می‌کنند، مورد استثمار مضاعف قرار می‌گیرند و مزد آن‌ها در برابر کار مساوی با مردان، پایین‌تر از مزد مردان است و به‌دیده تحقیر نگریسته می‌شوند و حتی در معرض سوء استفاده جنسی نیز قرار می‌گیرند. زنان کارمند در اشکال و صور گوناگونی در مضیقه قرار دارند، و حتی بعضی‌شان مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته و می‌گیرند نمونه بارز آن را می‌توان در ارگ ریاست جمهوری دید. ورود زنان شهری و دهاتی به عرصه‌های زیادی از فعالیت‌های اقتصادی ممنوع است. همان‌طوری که کار خانگی زنان در دهات به‌رسمیت شناخته نمی‌شود، به‌همان قسم کارخانگی زنان در شهرها نیز به‌رسمیت شناخته نمی‌شود.

سرمایه‌های کمپرادوری بنا به نیازمندی سرمایه‌داری تعدادی از زنان شهری را به عرصه‌های کار بیرون از خانه می‌کشاند. دولت اسلامی دست‌نشانده در قدم اول می‌کوشد تا آن‌جایی که ممکن است از وقوع این امر جلوگیری نماید و در قدم دوم سعی به‌عمل می‌آورد که این زنان و تمامی زنان شهری شاغل را کنترل نماید. آن‌جایی که نه جلوگیری ممکن گردد و نه کنترل، به سرکوب خشن و قهری می‌پردازد. نمونه بارز آن‌را می‌توان در تظاهرات زنان علیه «قانون احوالات تشخیصیه اهل تشیع» نوشته شیخ آصف محسنی جستجو نمود و هم‌چنین قتل فرخنده.

امروز شئونیزم مردسالار بخش مهمی از کار کرد نظام اجتماعی ارتجاعی حاکم بر افغانستان را تشکیل می دهد و در خدمت بقاء و دوام آن قرار دارد، بیست سال از اشغال افغانستان و عمر رژیم پوشالی گذشته است، در این مدت به‌خوبی تثبیت گردیده که امپریالیست‌های اشغال‌گر و دست‌نشاندگان خائن‌شان، پرچم دروغین مبارزه در راه تأمین حقوق حقه زنان را برافراشته‌اند. هم‌چنان‌که پرچم دروغین مبارزه برای تحقق دموکراسی در افغانستان را بلند کرده اند. چنان‌چه تاریخ کشور به‌خوبی گواه آنست که زنان کشور در زیر بال و پر اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده با وجود به اصطلاح داشتن قانون اساسی و "محاکم عدلی" از کوچک‌ترین حقوقی برخوردار نیستند. مورد تجاوزات وحشیانه قرار می‌گیرند، گوش و بینی و لب‌های شان بریده می‌شود، انگشتان دست و پای شان قطع می‌گردد، سوزانده می‌شوند و به‌قتل می‌رسند. هیچ بازپرسی وجو د ندارد تا به این مشکل و ستم وحشیانه رسیدگی نماید. زیرا زن در چنین سیستمی کالا است و ملکیت مطلق مرد به‌حساب می‌آید.

دولت ارتجاعی دست‌نشانده قوانین ستم‌گرانه علیه زنان وضع می‌نماید و یا قوانین ستم‌گرانه موجود را در دست می‌گیرد و اجرا و تعمیل این قوانین را در سطح کل جامعه، من‌جمله در درون خانواده‌ها، توسط قضا و نیروهای سرکوب‌گرش پیش می‌برد.

آن‌چه که امروز ستون فقرات این همه ستم‌ها را تشکیل می‌دهد و از موجودیت شئونیزم مرد سالار پاس‌داری می‌کند در حقیقت قدرت سیاسی است که از مناسبات تولیدی نظام ارتجاعی حاکم ریشه می‌گیرد و در خدمت آن قرار دارد، از این‌جهت تضاد میان زنان و شئونیزم مردسالار نمی‌تواند یک تضاد درون خلقی محسوب گردد. این تضاد خاست‌گاه یک نیروی محرکه اجتماعی مهم انقلاب یعنی مبارزه شان علیه شئونیزم مردسالار محسوب می‌گردد. قبول و یا عدم قبول این موضوع توسط مردان محک مهمی برای انقلابی بودن و یا نبودن آن‌ها است. هر مردی که این موضوع را قبول نداشته باشد یک شئونیست مرد سالار است.

زنان و مردان مبارز و انقلابی باید موضوع فوق را به‌خوبی درک نمایند و بدانند که تضاد و مبارزه علیه شئونیزم مردسالار را نمی‌توان ماکول به پیروزی انقلاب نمود و از جمله تضادهای درون خلق به حساب آورد، بل‌که این تضاد و مبارزه باید در جریان انقلاب برای بیرون راندن قهری اشغال‌گران و سرنگونی رژیم پوشالی به‌صورت درست و اصولی پیش برده شود.

تاریخ ثابت ساخته است که هیچ انقلابی بدون حضور زنان به پیروزی نمی‌رسد، بناءً احزاب و سازمان‌های انقلابی باید در جهت تساوی حقوق زنان با مردان مبارزه کنند، آن‌ها را کمک نمایند تا بسیج شوند و سازمان‌دهی‌شان نمایند. با اظهار تاسف باید گفت که احزاب و سازمان‌های انقلابی کشور ما که از لحاظ تیوریک دعوی تساوی حقوق زنان و مردان را دارند، در برخورد عملی با مسئله زنان در مواردی حتی از رژیم پوشالی و دست‌نشانده عقب‌مانده‌تر هستند.

امروز به‌درستی مشاهده می‌شود که تمام احزاب جهادی- ارتجاعی نه‌تنها تلاش دارند تا کتله وسیعی از زنان را بر محور سیاست ارتجاعی خویش جمع نمایند، بل‌که تمام زنان خانواده شان نیز در بُعد سیاسی با آن‌ها هم‌کاری می‌کنند. رژیم دست‌نشانده و اشغال‌گران امپریالیست نیز تلاش می‌ورزند تا از همین شیوه استفاده اعظمی را بنمایند. ...

در جامعه مستعمره ـ نیمه‌فیودالی افغانستان، فرهنگ فیودالی مسلط است و در فرهنگ فیودالی گرفتن روابط عاشقانه به‌خصوص برای زنان جرم محسوب می‌گردد و حتی در بسیاری مواقع منجر به قتل دختر از طرف پدر و یا برادر می‌گردد و هیچ پی‌گرد قانونی را نیز در بر ندارد.

....

برای این‌که به‌توانیم شعار مقاومت ملی مردمی و انقلابی را در عمل پیاده نماییم باید به‌طور جدی علیه ستم امپریالیستی، شوونیزم جنسی و شوونیزم ملیتی در همه ابعاد مبارزه جدی و بی‌امان نماییم. ما اعتقاد داریم تا زمانی‌که یک زن تحت ستم باشد، بشریت از قید ستم آزاد نخواهد شد. امید است که این مبارزه هرچه عاجل‌تر و جدی‌تر صورت گیرد.

زنان به تشکیلات نیاز دارند که بتوانند تجارب شان‌را همگانی کنند، و در جهت بالا بردن آگاهی دیگران کوشا بوده و به بسیج همگانی به‌پردازند. زیرا بدون چنین تشکیلاتی به مصاف طلبیدن اشغال‌گران و رژیم پوشالی غیرممکن است. فقط با رهبری سالم و منظم است که زنان می‌توانند دوشادوش مردان انقلابی به نبرد مسلحانه یعنی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی به‌پردازند. زیرا محور عمده مبارزات کنونی همه مائوئیست‌ها و انقلابیون را چنین جنگی تشکیل می‌دهد.

ایدئولوگ‌های بورژوازی تلاش می‌ورزند که زنان را به مبارزه فاقد محتوای سیاسی و ایدئولوژیک پرولتری سوق داده و در امر وحدت زنان و مردان مبارز و زحمت‌کش شکاف وارد ساخته و روحیه بی‌بندوباری بورژوائی را به‌جای مبارزه پیکار جویانه و آزادی‌خواهانه به زنان القا نمایند.

آزادی یک کشور را می‌توان از روی آزادی زنان سنجید، ...

وظیفه زنان و مردان کمونیست و انقلابی است که برای ارتقاء آگاهی سیاسی زنان به کار و پیکار انقلابی به‌پردازند در چنین صورتی است که می‌توان تحرک سازمان یافته‌ای از زنان ایجاد نمود که مهر خود را بر تحولات کشور بزنند. زنان به مبارزه علیه اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده برخیزند و خواهان برابری کامل با مردان گردند. مبارزه زنان نه‌تنها از حقوق از دست‌رفتهٔ زنان دفاع می‌نماید بل‌که در مبارزه کارگران و کلیه زحمت‌کشان برای بیرون راندن اشغال‌گران و سرنگونی رژیم پوشالی ممد و موثر است.

نابودی کامل ستم بر زنان فقط با نابودی کامل طبقات و مالکیت خصوصی ممکن و میسر می‌گردد. ازین‌جهت مبارزات آزادی‌خواهانه زنان در متن و بطن مبارزات انقلابی ضد امپریالیستی وضد ارتجاعی کنونی ، از هم اکنون جهت‌گیری سوسیالیستی و کمونیستی انقلاب را تقویت می‌نماید و باعث استحکام و گسترش پایه‌های رهبری پرولتری در انقلاب می‌گردد.

زنان نیمی از آسمان اند. بدون جلب و جذب و آموزش و پرورش زنان نمی‌توان به پیروزی رسید. برای پیش‌برد اهداف والای انسانی و تطبیق اصولی اساس‌نامه و برنامه خویش باید توجه بیش‌تری به امر آموزش و پرورش زنان معطوف داشت. ازاین‌طریق است که می‌توان افراد مستعد را جلب وجذب نمود و افراد حاضر و آماده به‌تقبل مسئولیت را تربیه کرد و این یگانه راهی است که می‌توان به بسیج و گسترش درمیان زنان پرداخت.

رفقا!

ما نواقص بسیار زیاد داریم، بسا از این نواقص بسیار بزرگ است، هرگاه درپی مرفوع کردن برنیایم، علاوه براین‌که موفقیتی به‌دست آورده نمی‌توانیم، بل‌که روز به روز گام به عقب برخواهیم داشت. چنان‌چه همین اکنون با چنین عقب‌گردی دست به گریبان هستیم.

حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان:

اولین پولینوم دور دوم کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:

اولین کاری که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بعد از اختتام موفقیت‌آمیز کنگرهٔ دوم انجام داد، برگزاری اولین پولینوم کمیتهٔ مرکزی دوم حزب بود. اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی دوم نه بر اساس معیار تعیین شده کنگره اول حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، بل‌که از طریق رأی‌گیری در کنگره دوم تعیین گردیدند. به این‌طریق ترکیب اعضای اصلی و علی البدل حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان در کنگره وحدت به هم خورد.

تعیین اعضای دفتر سیاسی و صدر حزب طبق ماده چهاردهم آئین‌نامه تشکیلاتی حزب، وظیفه پولینوم کمیته مرکزی حزب است، اما تعیین اعضای دفتر سیاسی حزب نه توسط پولینوم اول کمیته مرکزی دوم حزب، بل‌که با پیش‌نهاد یک رفیق در کنگره دوم حزب صورت گرفت. در پولینوم کمیته مرکزی به اتفاق آراء رفیق ضیاء برای دومین بار به صفت صدر حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان تعیین گردید و دو رفیق اعضای دفتر سیاسی به صفت معاونین صدر انتخاب شدند.

بدین ترتیب اگر کل روند انتخاب اعضای اصلی و علی البدل کمیتهٔ مرکزی حزب، اعضای دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب و موقعیت‌های تشکیلاتی هر یک از اعضای دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب را درنظر بگیریم، باید بگوییم که انتخابات اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی طبق معیار تعیین شده در آئین‌نامه تشکیلاتی حزب صورت گرفت، اما انتخاب اعضای دفتر سیاسی حزب مبتنی بر اساسات و اصول تعیین شده در ماده چهاردهم آئین‌نامهٔ تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نبوده است. با آن هم نمی‌توان گفت که این انتخاب درست و اصولی هم نیست. زیرا نه در کنگره دوم و نه هم در پولینوم دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان هیچ رفیقی اعتراض نکرد. این بدان معناست که همه رفقا درباره اعضای دفتر سیاسی حزب نظر مثبت داشتند. اما بعد از کنگره بعضی رفقا سر و صدا بلند نمودند و گفتند این تعیینات انتصابی است. گرچه رفقا می‌توانستند در پولینوم دوم، سوم و... این ترکیب را طبق ماده چهاردهم آئین‌نامه تشکیلاتی به چالش کشیده و کاندید دیگری را تعیین نمایند، باز هم چنین نشد و در هیچ یک از پولینوم‌ها روی ترکیب اعضای دفتر سیاسی حزب بحث صورت نگرفت.

...

بعد از درگذشت صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و تدویر دو پولینوم اضطراری رفقای کمیته مرکزی نه‌تنها کمیته مرکزی را بازسازی نمودند، بل‌که به اتفاق آراء یک نفر را به دفتر سیاسی حزب و یک رفیق را به‌عنوان مسئول حزب معرفی نمودند و قرار بر این شد که همین ترکیب تعیین شده توسط پولینوم تا کنگره سوم حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان کار خود را ادامه دهند. رفقای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب در حد توان توانسته‌اند که کار شان را انجام دهد. و دفتر سیاسی به کمیته مرکزی حزب پیش‌نهاد کنگره سوم را در سال ۱۴۰۰ خورشیدی داد که از طرف کمیته مرکزی پذیرفته شد و در پولینوم هفتم کمیته مرکزی دوم به تصویب رسید.

بعد از کنگره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نا هم‌آهنگی در سطوح مختلف حزب و یک نوع پرخاش‌گری‌هایی حتی به‌صورت‌های بسیار زننده و زشت ایجاد گردید، متاسفانه که لاینحل باقی ماند. علت لاینحل ماندن این پرخاش‌گری‌ها نادیده گرفتن اصول اساسی مائوئیستی در حزب بود. نادیده گرفتن این اصل مائوئیستی را می‌توان در دو نکته خلاصه نمود:

۱ ـ عدم مبارزه فعال ایدئولوژیک ـ سیاسی در درون حزب. در این زمینهٔ در قسمت مبارزه دوخط مفصلاً صحبت گردید نیاز به بحث بیش‌تری ندارد.

۲ ـ اسلوب شیوه کار برای حل مسایل در حزب درست پیش نرفت. بدین معنا که هر مشکلی که در حزب ایجاد گردید، از طریق جلسات مشترک حزبی حل و فصل نگردید، بل‌که بیش‌تر

سعی گردید تا از طریق انفرادی روی معضل پرده ساتر کشیده شود. این عمل‌کرد حزب نه‌تنها که به استحکام حزب کمکی نکرد، بل‌که بیش‌تر تزلزلات ایدئولوژیک ـ سیاسی را به همراه داشت و تعدادی از رفقا را سرخورده ساخت. بناءً بعد از این باید هر مسئله‌ای که پیش می‌آید (نه مسایل کوچک و فرعی) فوراً جلسات مشترک را دایر نمود و مسایل را برای بحث به‌طور روشن مطرح کرد و تا درباره آن تصمیم مشترک اتخاذ گردد. به‌این ترتیب می‌توان راه حلی برای مسایل پیدا نمود و از تشتت، پراکندگی و تزلزلات ایدئولوژیک ـ سیاسی در حزب جلوگیری به‌عمل آورد.

در واقع خط یک حزب حلقه کلیدی و تعیین کننده است زمانی‌که خط تعیین گردید، نقش کادرها در پیش‌برد خط حزب دارای اهمیت فوق‌العاده است. یا به‌عبارت دیگر زمانی خط ایدئولوژیک ـ سیاسی یک حزب تعیین گردید، کادرها به عوامل تعیین‌کننده مبـــدل می‌گردند. خط و مشی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در برنامه و عمدتاً در اساس‌نامهٔ حزب تعیین گردیده خط و مشی حزب اساساً و عمدتاً درست و اصولی است. به همین جهت مسودهٔ اساس‌نامهٔ ارائه شده به کنگرهٔ سوم حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان در واقع به‌صورت اساسی و عمده ادامهٔ همان اساس‌نامهٔ و برنامهٔ تصویب شده در کنگرهٔ دوم حزب است که در شرایط کنونی طبق جمع‌بندی تجارب مبارزاتی حزب، تعدیلات و اصلاحات لازمه در آن به‌وجود آمده است. لذا تمامی معضلات ایجاد شده در عمل‌کردهای مبارزاتی حزب بعد از کنگره دوم حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان عمدتاً مربوط به وضعیت پراتیکی و تیوریکی کادرهای کمیته مرکزی و به‌خصوص دفتر سیاسی حزب بوده است و به‌صورت غیرعمده و به ندرت به کمبودات و نواقص اساس‌نامهٔ حزب ارتباط داشته است.

در برنامه عمومی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان قسمت خصلت طبقاتی حزب آمده است که: «حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، حزب سیاسی پرولتاریا و پیش‌آهنگ پرولتاریا در افغانستان است.» این موضوع قید شده در اساس‌نامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بدان معناست که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، یک حزب سیاسی پرولتری و پیش‌آهنگ پرولتاریا را "ماشین جنگی پرولتاریا" نمی‌داند، بل‌که رهبری کننده "جنگ خلق" یا به‌عبارت دیگر رهبری کننده "ماشین جنگی پرولتاریا" می‌داند. یک انحراف جدی که در سطح جنبش بین‌المللی مائوئیستی مطرح گردیده، طرح "نظامی سازی حزب کمونیست" می‌باشد. طرح "نظامی سازی حزب کمونیست" یک طرح مائوئیستی نبوده، بل‌که نقطه مقابل آنست، و طرحی است متاثر از روحیه "نظامی‌گری" و "چه‌گواریزم". همین طرح انحرافی و غیر مائوئیستی منجر به شعار "جنگ خلق تا کمونیزم" گردید. این شعار غیر مائوئیستی در حقیقت امر انقلابات فرهنگی پرولتاریایی متعدد در دوران سوسیالیزم و یا ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا را تا سرحد جنگ خلق پائین می‌آورد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خصوصیات و جهت‌گیری حزب را به‌مثابه پیش‌آهنگ پرولتاریا را چنین بیان نموده است: «حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از لحاظ تیوریک در صف مقدم پرولتاریا و توده‌ها در افغانستان قرار دارد و متعهد و مصمم است که از لحاظ تشکیلاتی و فعالیت های عملی مبارزاتی نیز قاطعانه در چنین موقعیتی قرار بگیرد. حزب، در اصل باید متشکل از پیش‌روان داخل صفوف پرولتاریا باشد و در عین‌حال پیش‌روان انقلابی از میان سایر اقشار و طبقات خلق‌ها را نیز که جهان‌بینی شان را آگانه تغییر دهند و باپذیرش ایدئولوژِی پرولتاریا و شرکت عملی در فعالیت‌های مبارزاتی پرولتری، موقعیت‌های طبقاتی پیشین شان‌را از لحاظ ایدئولوژیک و تعلقات سیاسی رها ساخته و به پرولتاریا به‌پیوندند، در خود جای دهد. حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان، جزء لایتجزای جنبش بین‌المللی کمونیستی است، از آن مایه گرفته و به آن خدمت می‌کند.»

برنامه عمومی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به‌درستی وظیفه حزب را به‌عنوان پیش‌آهنگ پرولتاریا تعیین نموده، نه "ماشین جنگی پرولتاریا". لذا طرح "نظامی سازی حزب" نه اصولی است و نه هم دیالکتیکی.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان روی این امر تاکید گذاشته که در طول دوران مبارزاتی، نباید حزب را به دو بخش نظامی و سیاسی تجزیه نمود. زیرا هنگامی‌که جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی به‌راه بیفتد بعضی از اعضای حزب

قادر نخواهد بود که مستقیماً در عملیات جنگی شرکت نمایند. عدم شرکت مستقیم بعضی اعضای حزب را نباید به معنای عدم شرکت مبارزاتی همه‌جانبه تلقی نمود، زیرا مبارزات تدارکی برای برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی نیز جوانب مختلف تیوریکی و پراتیکی دارد و اعضای حزب به سطوح و درجات مختلف وظیفه و مسئولیت مبارزاتی خود را انجام می‌دهند. لذا شرکت در جنگ را نباید صرفاً به مفهوم شرکت مستقیم شخصی در عملیات جنگی خلاصه نمود.

در اساس‌نامه حزب آمده است که «استراتیژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتیژی جنگ خلق»

استراتیژی جنگ خلق در افغانستان در شرایط کنونی شکل مشخص جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی است. این استراتیژی یگانه استراتیژی درست و اصولی پرولتاری برای دست‌یابی به اهداف انقلاب دموکراتیک نوین است.

این بحث حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به معنای نفی دیگر اشکال مبارزاتی نیست، بل‌که بدان معناست که تمامی اشکال مبارزاتی باید بر محور تدارک، بر پایی و پیش برد جنگ خلق پیش برده شود و در خدمت آن قرار گیرد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان معتقد است که علاوه بر وظایف مبارزاتی جنگی وظایف مبارزاتی دیگری نیز برعهده دارد و نباید وظایف مبارزاتی جنگی حزب را مطلق ساخت و وظایف دیگر مبارزاتی را از نظر دور داشت.

یک حزب سیاسی پرولتاریا و پیش‌آهنگ پرولتاریا به هیچ‌وجه نمی‌تواند منحصر به "ماشین جنگی پرولتاریا" باشد، بل‌که یکی از اساسی‌ترین سلاح مورد نیاز انقلاب دموکراتیک نوین از میان سه سلاح انقلاب است. روی این ملحوظ است که حزب کمونیست(مائوئیست)افغانستان اندیشه گونزالو مبنی بر "نظامی سازی حزب" را یک تیوری نادرست و غیرعلمی و دیالکتیکی می‌داند.

باید علیه چنین انحرافاتی به‌طور جدی و پی‌گیر در سطح جنبش بین‌المللی مبارزه صورت گیرد. عدم توجه با این امر بزرگ سبب می‌شود تا انحرافات متذکره در سطح جنبش بین‌المللی جا باز کند و تعدادی از احزاب و سازمان‌های مائوئیست را به‌دنبال خود بکشد.

بعد از فروپاشی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی تا کنون تجربه مبارزات نیروهای مائوئیست در سطح جهانی مهر تائید بر این بحث گذاشته است.

زمانی‌که رویزیونیزم پسا مارکسیستی ـ لنینیستی ـ مائوئیستی "سنتزهای نوین" آواکیان عرض اندام نمود، مبارزات ایدئولوژیک جدی و پی‌گیر در سطح جهانی علیه این تز رویزیونیستی شروع شد. در اثر این مبارزه رویزیونیست‌های پاراچندایی و رویزیونیست‌های آواکیانی در سطح جنبش بین‌المللی تجرید شدند و امروز در سطح جنبش مائوئیستی نقش موثری ندارند.

اما چنین مبارزه‌ای علی‌رغم تاکید باربار حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان علیه انحراف "اندیشه گونزالو" صورت نگرفته است. به همین علت است که این انحراف توانسته در میان بعضی احزاب و سازمان‌های نوپا مائوئیست جا پایی پیدا نمایند.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به‌طور قطع باورمند است که اگر مبارزه مسئولانه علیه انحراف اندیشه گونزالو همانند مبارزه علیه رویزیونیزم "سنتزهای نوین" و رویزیونیزم "راه پاراچندا" در سطح بین‌المللی پیش برده می‌شد، و حتی حزب ما به‌تنهایی قادر می‌گردید که مبارزه علیه انحراف "اندیشه گونزالو" در چند سال گذشته

به‌صورت جدی پیش ببرد، یقیناً که این انحراف در سطح جنبش بین‌المللی مائوئیستی نیز تجرید می‌گردید و یا حتی مضرات آن به شدت پائین می‌آمد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان جدا معتقد است که باید انحراف «اندیشه گونزالو» مورد آماج مبارزات ایدئولوژیک ـ سیاسی اصولی مارکسیستی- لنینیستی- مائوئیستی قرار بگیرد .

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به صورت جدی طرف‌دار پیش‌برد مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی میان احزاب و سازمان‌های مائوئیست مختلف در جهان برای حل اختلافات اصولی موجود میان شان است و قاطعانه باور دارد که ماست‌مالی کردن و دور زدن این اختلافات تحت عنوان وحدت‌طلبی نادرست، غیراصولی و غیردیالکتیکی است

اصـــــــول تشـــــــکیلاتـی حـــــزب:

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان دارای اصول تشکیلاتی ویژه خود است، که بر مبنای آن روابط و مناسبات درون حزب ترتیب و تنظیم گردیده و بر محور این روابط و مناسبات است که تمامی رهبران، کادرها و اعضای حزب به هم متحد گردیده اند، و همه در یک ردیف از موازین و مقررات مارکسیستی ـ لنینیستی ـ مائوئیستی تبعیت می‌کنند. توجه به این اصول تشکیلاتی و مطالعه دقیق از روابط درون حزبی سبب می‌شود تا حزب رشد نموده و استحکام یابد. عدم توجه به این امر مهم حزب به رکود مواجه می‌شود. اساس‌نامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بر موازین اساسی مارکسیستی ـ لنینیستی ـ مائوئیستی ذیل قرار دارد:

اصول تشکیلاتی مارکسیستی– لنینیستی– مائوئیستی، شامل اصول زیرین است:

۱ ـ سانترالیزم دموکراتیک؛

انتقاد و انتقاد از خود؛

نفی فراکسیونیزم

و

مبارزۀ دو خط.

۲— رهبری جمعی با مسئولیت فردی شامل ساختار زیرین است:

تقسیم وظایف

و

سیستم کمیته‌های حزبی.

۳ ـ ساختمان تشکیلاتی شامل ساختارهای زیرین است:

کنگرۀ سرتاسری؛

کمیتۀ مرکزی؛

واحدهای تشکیلاتی منطقه‌یی؛

واحدهای تشکیلاتی پایه‌یی؛

هسته های حزبی.

۴ –– ارگان نشراتی مرکزی، نشریۀ درونی مرکزی و سایر نشریه ها.

۵ –– درفش.

۶ –– عضویت.

۷ –– اقدامات انضباطی.

در این‌جا ضروری است که روی دو موضوع از اصول تشکیلاتی حزب (سانترالیزم دموکراتیک و انضباط حزبی و رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم وظایف) مختصراً مکث نمائیم:

۱ ـ سانترالیزم دموکراتیک و انضباط حزبی:

در آئین‌نامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان می‌خوانیم که:

«اصل اساسی تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان سانترالیزم دموکراتیک است که در آن سانترالیزم عمده است.»

این اصل اساسی تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به این معنی است که اجرای دموکراسی پرولتری در حزب تحت رهبری مرکزیت حزبی اجرا می‌گردد. یعنی این اصل اساسی تشکیلاتی و انضباطی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را تشکیل می‌دهد. سانترالیزم دموکراتیک بنابه‌قول مائوتسه‌دون : « دو جهت متضاد یک واحدکل را تشکیل می‌دهند، گرچه باهم در تضادند، ولی در عین حال با یک‌دیگر در وحدت نیز هستند.» بناءً سانترالیزم و دموکراسی مکمل یک‌دیگر بوده و در رابطه با هم رشد می‌کند.

سانترالیزم درست و اصولی فقط بر مبنای دموکراسی درون حزبی می‌تواند رشد کند. یعنی بر مبنای شرایطی که تمامی اعضای حزب از کادرهای بالایی تا اعضا و هواداران حزب با بکار انداختن نیروی خلاقهٔ خود در مقابل کاری که انجام می‌دهند احساس مسئولیت نموده و به‌طور باز آشکار نظرات خود را مطرح نموده و سوالات خود را به‌جا و به مورد طرح نمایند و از انتقاد از خود و دیگران نهراسند. در چنین صورتی است که رهبری حزب می‌تواند با جمع‌بندی نظرات درست تمرکز در حزب را به‌وجود آورده و حزب را به مثابه یک کل در عمل رهنمایی نماید. بنابه‌قول مائوتسه‌دون «بدون دموکراسی، تمرکز نمی‌تواند وجود داشته باشد.»

فقط از این‌طریق است که می‌توان نظرات را جمع‌بندی نموده نظرات صحیح را از نظرات ناصحیح تشخیص داد و به یک جمع‌بندی اصولی دست یافت. در غیر این‌صورت حزب نمی‌تواند به یک جمع‌بندی درست و اصولی دست یابد و حزب را به سمت درست و اصولی هدایت کند. لذا وحدت درون حزبی دچار اختلال گردیده و بالاخره مبتلا به لیبرالیزم و انارشیزم می‌گردد.

دموکراسی درون حزبی هیچ‌گاه نباید سانتریالیزم درون حزبی را لغو نماید، بل‌که باید تحت رهبری حزب پیش رود. در غیر این‌صورت حزب هیچ‌گاه نمی‌تواند وظایف انقلابی خود را انجام دهد.

برخورد انارشیستی به سانترالیزم درون حزبی و دموکراسی افراطی باعث تضعیف نیروی رزمنده حزب گردیده و وحدت حزب را از درون ضربه زده و سبب فروپاشی حزب می‌گردد.

«دموکراسی درون حزب، چه در واحدهای نظامی و چه در ارگان‌های محلی، باید به استحکام انضباط حزبی و تقویت نیروی رزمنده حزب خدمت کند، نه به تضعیف آن‌ها.» (نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی)

لذا پیوند دادن سانترالیزم و دموکراسی از مسایل مهم هر یک احزاب مائوئیست به‌شمار می‌رود. باید علیه گرایشات لیبرالی و بروکراتیک و دموکراسی افراطی که باعث فروپاشی حزب می‌گردد جداً مبارزه نمود.

دموکراسی افراطی چیست؟

دموکراسی افراطی با انضباط حزبی و سانترالیزم درون حزبی مخالف است و حامل افکار اندویدالیزم خورده بورژوایی در درون حزب است. فی‌المثل در درون یک حزب کمونیست (مارکسیست ـ لنینیست ـ مائوئیست) همیشه نظراتی بروز می‌کند که باید «سانترالیزم دموکراتیک از پائین به بالا» اجرا شود و یا این‌که « همه مسایل باید ابتدا در پائین مورد بحث قرار گیرند و سپس در بالا تصمیم گرفته شود»

بعد از درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان چنین نظراتی توسط انحلال‌طلبان تبارز نمود که منجر به‌سکتاریزم و انحلال‌طلبی در درون حزب گردید. و هم‌چنان بعد از تدویر پولینوم هفتم کمیته مرکزی دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از طرف بعضی رفقا بی‌رغبتی به اجرای تصامیم حزب ظاهر گردیده است. بی‌رغبتی به اجرای تصامیم حزب به معنی رغبت نشان دادن به دموکراسی افراطی است نه سانترالیزم درون حزبی.

برای بر انداختن نظریه دموکراسی افراطی باید بیش‌تر از همه به آموزش و تربیت درست اعضای حزب در حوزه تیوری کوشید، یا به‌عبارت دیگر ریشه دموکراسی افراطی را در حوزه تیوری خشکاند.

رفقا باید توجه داشته باشند که اصول زندگی دموکراتیک در حزب را دقیقا تحت هدایت سانترالیزم انجام دهند. وقتی تصمیمی در بالا گرفته می‌شود و به‌دسترس ارگان‌های پائینی قرار می‌گیرد، ارگان‌های پائینی باید به دقت آن‌را مطالعه نمایند تا خوب آن‌را درک نموده و هضم نمایند و بعد به تطبیق آن بپردازند. نه این‌که تصامیم و دستورات حزبی را پشت‌سر انداخته و ماه‌ها با بی‌اعتنایی برخورد کنند. زمانی‌که تصمیم اتخاذ شده از طرف ارگان‌های بالایی، به‌صورت صادقانه اجراء نگردد به این معنی است که نظرات غیرتشکیلاتی جای‌گزین نظرات تشکیلاتی گردیده است. تبارز نظرات غیرتشکیلاتی در حزب عدم تبعیت فرد از جمع و تبعیت اقلیت از اکثریت را ایجاد می‌نماید که به حزب زیان می‌رساند.

راه حل اصولی و درست این شیوه این است که بطور دقیق، اصولی و رفیقانه این شیوه کار مورد انتقاد قرار گیرد، طوری که در بالا تذکار رفت نظرات درست و نادرست از هم تفکیک گردد و تصامیم لازمه اتخاذ گردد.

انضـــــباط حـــــزبی چیســـــــت؟

« مرکزیت دموکراتیک ما به معنی وحدت دموکراسی و مرکزیت، وحدت آزادی و انضباط است.» (مائوتسه دون ـ در باره حل صحیح تضادهای درون خلق)

بحث مائوتسه‌دون به این معنی است که برای اعمال دموکراسی، آزادی و برای اعمال سانترالیزم، انضباط الزامی و ضروری است. مائوتسه‌دون روی چهار نکته به‌عنوان انضباط حزبی تاکید ورزیده است:

« ۱ـ تبعیت فرد از تشکیلات، ۲ـ تبعیت اقلیت از اکثریت، ۳ـ تبعیت ارگان‌های پائینی از ارگان‌های بالایی، ٤ ـ تبعیت تمام اعضای حزب از کمیته مرکزی. کسی که این چهار ماده انضباطی را نقض کند، وحدت حزب را مختل کرده است» (نقش حزب کمونیست در جنگ ملی)

نفی هریک از ماده‌های فوق‌الذکر به معنی نفی انضباط حزبی و نفی سانترالیزم در درون حزب است که منجر به انارشیزم در درون حزب می‌گردد.

تبعیت اقلیت از اکثریت یکی از مبانی انضباط حزبی است. زمانی‌که نظریه اقلیت رد می‌گردد، موظف است که از تصمیم اکثریت حمایت نماید. اقلیت حق دارد تا خواهان جلسات دیگری برای بحث روی مسایل اختلافی گردد، اما مجاز نیست عملی که مغایر تصمیم اکثریت انجام دهد.

ما بارها و بخصوص بعد از درگذشت رفیق ضیاء به چنین حرکت‌ها و عمل‌کردهای خلاف فیصله‌های جمعی از طرف انحلال‌طلبان مواجه شده‌ایم. نه‌تنها که بعضی رفقا فیصله‌ها را با رغبت در عمل پیاده نکردند، بل‌که واحد شماره ششم تحت رهبری ملیار از کنار دساتیر و فیصله‌های دفتر سیاسی و کمیته مرکزی به‌سادگی گذشتند و عملی نمودن دساتیر را نه‌تنها مدت‌ها به‌تعویق انداختند، بل‌که اصلاً اجرا نکردند. برای شگافتن بیش‌تر این مطلب، ناگزیریم که به‌طور مختصر انحرافات عمیق ایدئولوژیک ـ سیاسی در درون حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را بین کنگره اول و دوم حزب و هم چنان بعد از کنگره دوم تا کنون را به بحث بگیریم.

بین کنگره اول و دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان دو انحراف عمیق ایدئولوژیک ـ سیاسی بروز نمود، یک مورد فساد اخلاقی گسترده یکی از اعضای حزب و دومی انحراف رویزیونیستی پسا مارکسیستی ـ لنینیستی ـ مائوئیستی توسط دو نفر از اعضای حزب در خارج از کشور.

در این‌جا هر یک را مختصراً به بحث می‌گیریم:

الف ــ ....

دراین مورد در ابتدا هیچ مبارزه‌ای حتی به‌شکل یک اخطار جدی کتبی صورت نگرفت، دو فرد از اعضای حزب (فرید و نیسان) درمورد شئونیزم جنسی مقالهٔ به دفتر سیاسی حزب تقدیم نمودند تا به نشریه درونی (کمونیست) نشر گردد، متاسفانه که این کار صورت نگرفت. عدم توجه به فساد اخلاقی ... در درون حزب، او را جرئت مندانه‌تر از قبل ساخت تا طبق میلش عمل نماید و مرتکب جنایت نابخشودنی گردد.

....

عدم مبارزه درون حزبی ضعف‌ها، کمبودات و انحرافات را در درون حزب بیش‌تر از پیش عمیق‌تر ساخت که بعد از درگذشت رفیق ضیاء خود را بخوبی به نمایش گذاشت، و تعدادی از اعضای کمیته مرکزی و اعضای عادی حزب انحلال طلبی را پیشه نمودند.

ب ــ انحراف رویزیونیستی پسا مارکسیستی ــ لنینیستی ــ مائوئیستی :

زمـــــانیکه "بیـــــانیه" و "اساس‌نامه" حزب کمونیســـت انقلابی امریکا به دسترس حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان قرارگرفت، اعضای کمیته مرکزی حزب خط تدوین شده آرسی پی را یک خط انحرافی پسا مارکسیستی ــ لنینیستی ــ مائوئیستی خوانده و مبارزاتش را علیه "سنتزهای نوین" آواکیان به‌شکل درونی پیش بردند.

بعد از مدتی که مبارزه درونی حزب ما علیه خط رویزیونیستی "سنتزهای نوین" آواکیان ادامه یافت، دو تن از منسوبین تشکیلات حزبی اروپا به تائید و حمایت از رویزیونیزم پسا مارکسیستی- لنینیستی- مائوئیستی آواکیانی برخاستند. این نظرات چندین سال در موقعیت رهبری واحد منطقه‌یی اروپا به‌طور مخفیـانه خود را حفظ کرد و عملاً این واحد منطقه‌یی حزبی حساس را عاطل و باطل نگه‌داشت. این نظریه رویزیونیستی هم‌زمان با آغاز فعالیت‌های تدارکی برای تدویر کنگرهٔ ســراســری دوم حزب و تشکیل "کمسیون تدارک و برگزاری کنگرهٔ سراسری دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بطور علنی خود را به‌نمایش گذاشت.

کمیته مرکزی حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان فورا اقدام به تصفیهٔ تشکیلاتی حاملین این خط رویزیونیستی نکرد و طبق خواستهٔ آن‌ها نظرات شان‌را در نشریهٔ درونی مرکزی منتشر ساخت. و پیرامون نظرات‌شان یک جروبحث عمومی را در حزب راه انداخت. این بحث‌ها در شماره های ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ نشریه درونی حزبی اختصاص یافت.

کمیته مرکزی حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان از هر دو فرد حامل و حامی خط رویزیونیستی پسا مارکسیستی ــ لنینیستی ــ مائوئیستی آواکیانی خواست تا وارد یک جروبحث سازنده با رهبری حزب گردند و مشکلات شان‌را حل و فصل نمایند. گرچه آن‌ها داخل کشور آمدند، ولی از آن‌جایی که این مسافرت در اساس به‌خاطر حل و فصل مسایل خصوصی صورت گرفته بود نه حل و فصل مشکلات حزبی، لذا اصلاً نخواستند که وارد یک جروبحث جدی با حزب گردند. با این هم از فرد اصلی که حامل و حامی این خط رویزیونیستی بود و در اصل نویسندهٔ اصلی اسناد ارسالی‌شان به حزب نیز همین فرد بود، به کنگره دعوت شد. گرچه او این دعوت را پذیرفت، اما عملاً در کنگره شرکت نکرد.

پـرداختـن بـه ایـن نظـرات رویزیونیستی ضد حزبی قسمت زیادی از وقت تقریباً یک سالهٔ دورهٔ حساس تدارک برای برگزاری کنگرهٔ دوم سرتاسری حزب را به‌خـود اختصـاص داد. در فرجام کل پروسهٔ جر و بحث متقابل حزبی، مورد تائید کنگره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان قرار گرفت و آن‌را اســاس‌نــامه‌یــی ساخت. کنگره فیصله نمود که این دو فرد دیگر شایستگی عضویت را دارا نمی‌باشند.

به همین ترتیب بعد از درگذشت رفیق ضیاء، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به انحراف عمیق انحلال‌طلبی از طرف واحد کانادا رو برو گردید. عاملین و حاملین این خط انحلال‌طلبانه نیز دو نفر (ملیار ــ زلاند) بودند.

این دو فرد انحلال‌طلب از همان ابتدا زیر نام انتقاد از کمیته مرکزی، واحد کانادا را تحت‌الشعاع خود قرار داده و علم استقلالیت را بلند نمودند. هیچ یک از دستورات و فیصله‌های دفتر سیاسی و کمیته مرکزی را اجرا نکردند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست)افغانستان از ملیار که عضویت علی‌البدل کمیته مرکزی را در پولینوم ششم کمیته مرکزی به‌دست آورده بود، خواست تا در پولینوم هفتم کمیته مرکزی شرکت نماید تا یک جروبحث سازنده و همه‌جانبه در پولینوم کمیته مرکزی راه بیفتد و بر اساس این جروبحث سازنده و همه‌جانبه مشکلات شان‌را حل و فصل نماید.

ملیار در پولینوم هفتم کمیته مرکزی شرکت نکرد، اما یک‌ونیم ماه بعد داخل کشور آمد ولی این مسافرت فقط و فقط به‌خاطر حل و فصل مسایل خصوصی و تخریب حزب و یک معامله‌گری صورت گرفته بود، بدین مناسبت او اصلاً نه‌خواست که وارد یک جروبحث جدی، سازنده و همه‌جانبه با حزب گردد، بل‌که خواست که با دیدن تک تک از رفقای کمیته مرکزی و حتی اعضای حزب از طریق یک معامله‌گری خود و زلاند را به دفتر سیاسی جا بزند. وقتی این خـــواست غیراصولی پذیرفته نشد، و از طرف اکثریت اعضای کمیته مرکزی به‌عنوان یک خواست نامعقول و معامله‌گرانه رد گردید، و او توانست که بعضی از اعضای اصلی کمیته مرکزی را طبق معامله‌گری با خود همراه سازد، کار را نیمه کاره گذاشت و به خارج برگشت. با آن‌هم رفقای کمیته مرکزی خواهان پیش‌برد مبارزات دو خط از طریق نشریه درونی مرکزی (کمونیست) بودند که ناگهان در اول قوس نوشته شان تحت عنوان "نشست عمومی کمیته مرکزی و نمایندگان واحدهای منطقوی ..." به طریق باز به آدرس دو رفیق ما ارسال گردید.

کمیـــته مرکـــزی حـــزب کمـــونیست (مائوئیست) افغانستان بارها این نکته را خاطر نشان نموده که چنین حرکت‌های زیرپا نمودن اصول مخفی‌کاری و نقض صریح ماده پنجم آئین‌نامه تشکیلاتی حزب است، اما با آن‌هم یک سند انحلال طلبانه ایدئولوژیک ـ سیاسی را به‌طور باز به آدرس دو رفیق روان نمودند. این حرکت را چه می‌توان نامید؟ با آن‌که رفقای کمیته مرکزی جواب توطئه شان را نوشتند، با آن هم فیصله نمودند که تمام اسناد شان‌را در نشریه درونی مرکزی (کمونیست) انتشار می‌دهند و به این طریق یک جر و بحث همه‌جانبه را راه‌اندازی می‌نمایند تا هیچ یک از اعضای حزب در تاریکی قرار نگیرند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان این جر و بحث عمومی متقابل را با تمامی اسناد شان در شماره‌های ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ کمونیست انتشار داد و به‌دسترس تمامی اعضای حزب به شمول انحلال‌طلبان قرار داد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان امیدوار بود تا ازطریق مبارزات خطی درون حزبی بتواند که ایشان‌را متوجه اشتباهات و انحرافات جدی فراکسیونیستـــی و انحلال‌طلبـــانه شـــان سازد.

پرداختن به نظرات انحلال طلبانه ضد حزبی قسمت زیادی از وقت تقریباً هشت ماهه دورهٔ حساس تدارک برای برگزاری کنگرهٔ سوم سرتاسری حزب را به‌خود اختصاص داد. کمیته مرکزی حزب را از بسیاری کارهای حساس کشور باز داشت. زمانی که آن‌ها رفیق " ص " را خواستند و بعد از بحث با رفیق " ص" اعتراف نمودند که حرکات پیش آمده بیش‌تر جنبه سلیقه‌ای داشته تا جنبه اصولی و از رفیق " ص " خواستند تا برای اختلافات هر دو طرف به مذاکره بپردازند، کمیته مرکزی حزب کمونیست(مائوئیست)افغانستان با حسن نیت این پیش‌نهاد را پذیرفت و به آن‌ها اطلاع داد که ما این پیش‌نهادتان را به فال نیک می‌گیریم و هر آن و لحظه که شما بخواهید سه رفیق ما با شما در جلسات رو در رو شرکت می‌کنند. چند روز بعد از طرف ایشان به رفیق " ص " اطلاع داده می‌شود که رفیق " ب " گفته با رفیق " ل " نمی‌نشینم، با آن هم کمیته مرکزی حزب سه رفیق دیگر را جهت جلسات رودر رو با آن‌ها تعیین نمود و به ایشان اطلاع داده شد که سه رفیق دیگر جهت ملاقات و جلسات رو در رو با شما تعیین گردیده است و ما منتظر وقت تعیین شده از طرف شما هستیم. باز هم چند روز بعد به رفیق " ص " اطلاع داده شده که رفیق" ش.د " گفته که در نوروز رخصتی زیاد است، وعده به نوروز. چند روز قبل از نوروز رفیق " ص " به رفیق " ج " تماس می‌گیرد و جویای آمدن رفقای شان می‌گردد، "ج" می‌گوید که روز جمعه (دو روز قبل از نوروز) می‌آیند. رفیق "ص" برایش می‌گوید که منتظر اطلاع‌تان هستیم. متاسفانه که هیچ اطلاعی نه دوروز قبل از نوروز و نه هم بعد از نوروز به رفیق " ص " از طرف ایشان داده نمی‌شود. کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

در یک جلسه اضطراری به این نتیجه می‌رسد که وعده و وعیدها از طرف‌شان ریاکارانه است و این کار شان اغفال گرانه است، اعتقاد ما اینست که آن‌ها هرگز خواهان جلسات رو در رو نیستند، لذا ضرورت به تماس بیش‌تر نمی‌باشد. کمیته مرکزی این موضوع را در ختم جلسه اضافه نمود: هرگاه آن‌ها تماس بگیرند و خواهان جلسات رو در رو گردند کمیته مرکزی حزب بی‌درنگ جلسه را می‌پذیرد. چنان‌چه در روز جمعه ۱۳ حمل ۱۴۰۰ خورشیدی رفیق "ص" با "ج" تماس می‌گیرد و از وی در مورد عدم ارتباط‌گیری پرسان می‌کند. وی در پاسخ می‌گوید که آن‌ها فقط برای یک روز این‌جا آمدند و زمانی که از ایشان در مورد نشست پرسان نمودم چیزی نگفتند و به محل سکونت شان بر گشتند. بعد از این کمیته مرکزی حزب تصمیم گرفت که به‌راهش ادامه دهد و منتظر شان جهت تدویر کنگره سراسری حزب نباشد.

بناءً روشن است که کنگره سوم حزب موضع‌گیری علیه خط انحلال‌طلبانه را مورد تائید قرار می‌دهد، کسانی که علاقه‌مندی به مباحثات متقابل رویاروی با کمیته مرکزی حزب را ندارند و بر خط انحلال طلبانه ضد حزبی شان پا فشاری می‌نمایند، نخواهند توانست دیگر عضو حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان باشند. هرگاه کسی اساس‌نامه حزب و گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب به کنگره سوم را مورد تائید قرار دهد می‌تواند موقعیتش را دوباره بدست آورد.

۲ ــ پیوند رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم کار:

در آئین‌نامه تشکیلاتی حزب رهبری جمعی و مسئولیت فردی در حزب چنین بیان گردیده است:

« رهبری جمعی با مسئولیت فردی در تمامی سطوح هیئت‌های رهبری و بدنه‌های تشکیلاتی حزب» در این تعریف یک مساله مهم از نظر افتاده است آن عبارت است از تقسیم وظایف.

حزب کمونیست در رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم کار رشد نموده و گسترش می‌یابد. شیوه رهبری جمعی در حزب برای رسیدن به یک تصمیم واحد حزبی و اجرای تصامیم اتخاذ شده می‌باشد. بدون تقسیم کار و مسئولیت فردی، تصمیمات متخذه ناشی از مجموعه تجربیات واحدهای حزبی نبوده و شکل فورمالیته را به‌خود می‌گیرد، در چنین حالتی نتایج مطلوب به‌دست نمی‌آید، وعدم احساس مسئولیت در حزب بروز نموده و کار حزبی به‌صورت درست پیش نمی‌رود. بدون رهبری جمعی، مسئولیت فردی به اشتباهات جدی گرفتار می‌شود، زیرا در کار مسئولیت فردی عموماً روی اختلافات سرپوش گذاشته شده و هم‌گونی در کارها ابداً به‌وجود نمی‌آید، در چنین حالتی است که وحدت در درون حزب ناپایدار می‌گردد.

در رهبری جمعی باید به مبارزه دو خط، انتقاد و انتقاد از خود توجه نمود و نظرات اقلیت را به‌دقت شنید، زیرا ممکن در بسا مواقع نظرات اقلیت درست باشد. در جریان رسیدن به یک تصمیم واحد، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان باید تلاش نماید تا تمام رفقائی که در جلسه حضور دارند نظرات شان را به‌طور روشن بیان نمایند تا در تصمیم‌گیری هیچ‌گونه ابهامی وجود نداشته باشد.

اصل رهبری جمعی در پیاده کردن مشی توده‌یی در حزب است که بطریق تشکیلات کمیته‌ای از آن استفاده می‌شود. بنابه‌قول مائوتسه‌دون:«سیستم کمیته حزبی، سیستم حزبی مهمی است برای تضمین رهبری جمعی و جلوگیری از هر فردی که به‌خواهد رتق و فتق امور را بانحصار خود در آورد.» (منتخب آثار ـ جلد چهارم ـ صفحه ۳۸۹)

در تمام سطوح حزب از بالا تا پائین باید که سیستم کمیته‌های حزبی یعنی شیوه رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم کار اعمال گردد. هر مسئله‌ای که در هر یک از مناطق ایجاد می‌شود (البته مسایل مهم نه جزئی) باید فوراً از طریق کمیته حزبی جلسات فراخوانده شود و بعد از بحث همه‌جانبه تصمیم واحد اتخاذ گردد و بعد واحد مربوطه آن‌را به مرحله اجرا در آورد.

«به‌علاوه باید توجه داشت تا بیش‌از اندازه نه به رهبری جمعی به‌زیان مسئولیت فردی و نه به مسئولیت فردی به‌زیان رهبری جمعی تکیه شود» (مائوتسه دون همانجا ـ صفحه ۳۹۰ ـ ۳۹۱)

یک حزب کمونیست در مراحل اولیهٔ ایجادش هیچ‌گاه نباید به آن بسنده کند که دارای یک برنامه مارکسیستی ـ لنینیستی ـ مائوئیستی است. زیرا قبول یک برنامه کمونیستی تمایل به کمونیزم است. در صورتی که فعالیت کمونیستی موجود نباشد حزب حتی از برآوردن کوچک‌ترین قسمت تعهدات خود در برنامه کمونیستی عاجز است. بنابه‌قول مائوتسه‌دون:

«رهبری کردن تنها به معنای تعیین مشی عمومی و سیاست مشخص نیست، بل‌که برگزیدن شیوه‌های صحیح کار نیز هست. حتی با وجود داشتن یک مشی عمومی و سیاست مشخص صحیح، چنان‌چه به شیوه کار توجه نشود، ممکن است مشکلاتی پدید گردد. برای این‌که کمیته حزبی بتواند وظیفه رهبری خود را انجام دهد، باید به "اعضای جوخه" خود تکیه کند و بآنان کمک نماید تا بتوانند نقش خود را بخوبی ایفاء کنند. برای این‌که دبیر حزبی "سرجوخه" خوب باشد باید، با پشت‌کار به آموزش و مطالعه بپردازد. یک دبیر یا یک معاون دبیر حزبی، چنان‌چه بکار تبلیغاتی و تشکیلاتی در میان "اعضای جوخه" خود توجه نکند، مناسبات خود را با اعضای کمیته خوب تنظیم ننماید، و یا طرز اداره موفقیت‌آمیز جلسات را فرا نگیرد، در رهبری "جوخه" خود دچار اشکال خواهد شد. هرگاه "اعضای جوخه" هم‌گام پیش نروند، هرگز نمی‌توان انتظار داشت که بتوانند توده‌های ده میلیونی مردم را در جنگ و در کار ساختمانی رهبری کنند.» (منتخب آثار ـ جلد چهارم ـ صفحه ۵۴۳ ـ ۵۴۴)

برای پیش برد کار حزب، هر عضو حزب باید عضو یک گروه اجرایی باشد. در چنین حالتی است که می‌توان گفت کار حزب به‌درستی تقسیم و اجرا می‌گردد. در حقیقت شیوه رهبری جمعی با مسئولیت فردی در حزب عبارت است از:

الف ـ پیاده نمودن سانترالیزم دموکراتیک در تمام بدنه‌های تشکیلاتی حزب. یعنی حزب باید اصول دموکراتیک را تحت هدایت مرکزیت انجام دهند.

ب ـ هرمسئله‌ای که پیش می‌آید (البته نه مسایل جزئی و کم اهمیت) فوراً جلسات فراخوانده شود و نظرات به‌طور باز و روشن مطرح گردد و اعضای حاضر در جلسه باید نظرات خود را بیان نمایند و درباره آن تصمیمات لازمه اتخاذ گردد. بدین‌طریق حزب می‌تواند راه‌حلی به اختلافات پدیده آمده، بیابد و باید توجه داشت که حقیقت از طریق بحث بین نظرات مختلف رشد می‌نماید. با به‌کارگیری این شیوه رهبری می‌توان از انحصار قدرت فردی در حزب جلوگیری بعمل آورد.

ج ـ این شیوه کار باید در تمام کمیته‌های حزبی از پائین تا بالا اجرا شود.

د ـ در جلسات باید تمامی اعضای شرکت کننده متوجه باشند تا نسبت به یک‌دیگر بردباری نشان دهند و تفاهم داشته باشند. زیرا بردباری متقابل، تفاهم متقابل و حمایت متقابل میان اعضای حزب از بالا تا پائین به استحکام حزب کمک نموده و نیروی رزمنده حزب را تقویت می‌کند.

هـ ـ نکته‌ای مهمی که برای تمامی کادرهای رهبری قابل توجه است اینست که از تکبر پرهیز نمایند. زیرا تکبر نه‌تنها هیچ کمکی به حزب نمی‌کند بل‌که به وحدت حزب زیان می‌رساند. پرهیز کردن از تکبر شرط مهمی برای حفظ وحدت در حزب است.

راز دقیق و مهم رهبری جمعی و مسئولیت فردی در آن است تا تمام گزارشات را جمع‌آوری نموده و آن‌چه درست است بپذیرد و آن‌چه اشتباه است مورد انتقاد قرار دهد. یا به‌عبارت دیگر تمام گزارشاتی که از مناطق می‌رسد باید دقیقاً مطالعه شود و نظرات درست جمع‌بندی گردد. کمیته مرکزی حزب به معنی دقیق کلمه عبارت از تمرکز ایده‌های صحیح است.

ادامه در شمارهٔ بعدی شعله جاوید ...

اطـــلاعـــیه

به اطلاع عموم خوانندگان و علاقه‌مندان ویب‌سایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان رسانیده می‌شود، که بنابر ایجاد کارآیی، عمل‌کرد بهتر و بهبود کیفیت وب‌سایت و هم‌چنان جلوگیری از پیش آمدن مشکلات تخنیکی، وب‌سایتِ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، به آدرس ذیل تغییر نام داده شده است:

(www.cmpa.io)

ضمناً قابل ذکر است که نشرات حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تنها از طریق همین وب‌سایت منتشر گردیده و تمامی آدرس‌های دیگر، نمایندگی از حزب نمی‌کند و فاقد اعتبار می‌باشد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۳ حمل ۱۴۰۰ خورشیدی - ۱۲ اپریل ۲۰۲۱

www.cmpa.io

sholajawid@2hotmail.com

اعلامیهٔ مشترک احزاب و سازمان‌های مارکسیست – لنینیست – مائوئیست - اول می ۲۰۲۱

روز اول می سرخ، پرولتری و انترناسیونالیستی

مترجم: کمیته روابط بین‌المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان (www.cmpa.io)

برای پیشروی به سوی قدرت ِ نوین در دست پرولتاریا و توده‌های مردم، سوسیالیزم و کمونیزم، و علیه سیستم سرمایه‌داری /امپریالیستی، مقاومت و پیکار نمایید.

در اول ماه می امسال، پرولتاریا و خلق‌های ستم دیدهٔ جهان به دلیل شیوه تولید سرمایه‌داری، امپریالیزم، دولت‌ها، حکومت‌ها و چاکران ِ آن‌ها، با شیوع همه‌گیری [کرونا] روبرو هستند که [تا کنون] باعث مبتلا شدن‌بیش از ۱۳۰ میلیون و جان باختن بیش از ۳ میلیون نفر گردیده است.

قبل از این در گذشته، امپریالیست‌ها، ویروس‌های زیادی را در نتیجهٔ فاجعه‌های طبیعی، ویرانی‌های اجتماعی، آزمایش‌های سلاح‌های هسته‌ای و بیولوژیکی تولید نموده بودند.

به دلیل سیستم امپریالیستی، این مرض همه‌گیر به درد و رنج و جان باختن دست جمعی جهانی تبدیل گشته‌است، اما این جان باخته‌گان از [طبقهٔ] ما هستند. دانشمندان خود اذعان می نمایند که دولت‌ها قادر به کنترول درآوردن پاندمیک نیستند وتایید نمودند که نظام سرمایه‌داری دیگر کارآیی ندارد.

ما می‌دانیم که فقط واکسیناسیون دسته جمعی می‌تواند تا حدی این زنجیرهٔ جهنمی را مهارکند، اما هیچ واکسنی نه برای همهٔ مردم در هر کشور، و نه هم برای تمامی کشورهای جهان، وجود دارد. در نظام سرمایه‌داری / امپریالیستی، همه‌چیز در دست شرکت‌های چند ملیتی قرار دارد، همه‌کارها برای سودآوری انجام می‌شود، حتی حق ثبت اختراعات و واکسن‌ها بر اساس قوانین سرمایه در بازار جهانی خرید و فروش می‌شود.

پنج تولید کنندهٔ برتر واکسن تا کنون به مبلغ ۶۰ میلیارد یورو سود بدست آورده‌اند و مفاد خالص ۷۰ میلیارد یورویی دیگر را برای امسال محاسبه کرده اند.

پایگاه اصلی انحصارات دارویی مشخص است وعمدتاً در خدمت تعداد انگشت شماری از کشورهای امپریالیستی می‌باشد که اکثریت عظیم مردم جهان را استثمار و تحت ستم قرار می‌دهند. تاکنون ۸۰٪ واکسن‌ها به این نوع کشورها فروخته شده است و از این‌طریق تنها ۱۴٪ از جمعیت جهان به این واکسن ها اعتماد می‌کنند در حالی‌که ۸۵٪ بقیه فقط ۲۰٪ این واکسن ها را دریافت می‌نمایند.

سنگینی بار ِ "جنگ واکسن" بر روی شانه‌های پرولتاریا و مردم قرار گرفته است. واکسن برای ثروتمندان و مرگ برای مستمندان، که این بسندهٔ آن‌ها نیست.

برای کشورهای امپریالیستی همه‌چیز مهیا است، در حالی‌که برای ملت‌ها و مردم تحت ستم فقدان آن به‌وضوح دیده می‌شود، از یک‌سو امید مردم به واکسن‌ها برای نجات از بیماری پاندمی، و اما از جانب دیگر، به یک تجارت بزرگ بین‌المللی و واقعیت سودآوری برای بورژوازی که در آن زندگی و صحت و سلامتی مردم ارزش ندارد، تبدیل گشته است.

اپیدمی‌ها و جنگ‌ها تا زمانی‌که سیستم پاندمیک ِ امپریالیستی ادامه داشته باشد، ویرانی بشریت، محیط زیست، جامعه و فرهنگ ادامه خواهد داشت، که خود یک بستر مرگ است و باید از بین بروند.

پاندمیک نه تنها این‌که، موجب بحران سیستم امپریالیستی نگردیده بل‌که آن‌را تشدید نموده و بیش‌تر و بیش‌تر بطرف ویرانی کشانده است. امپریالیست‌ها، بورژوا کمپرادورِ بوروکرات و طبقات فئودال در تلاش اند تا از بحران کووید۱۹ به نفع خود استفاده کنند و بسته‌های اقداماتی را برای نجات سرمایه‌داران اتخاذ نمایند و فشار بار مسوولیت بحران را بر دوش کارگران، دهقانان، و اقشار فقیر خرده بورژوازی قرار بدهند.

رکود و بحران اقتصادی جدید جهانی در حال تسریع شدن است و بدهی کشورهای بزرگ - به طرز چشم‌گیری در حال بسط و توسعه - ودر آستانه ورشکستگی می باشد.

تعرض به حقوق کارگران، کاهش یافتن مقررات ایمنی محل کار، افزایش اوقات کاری تا ۱۲ ساعت، عدم پرداخت اضافه‌کاری، محرومیت از حداقل دست‌مزد، بدتر شدن قوانین وضعیت کار، رفاه، محیط زیست و سیستم آموزشی، حمله به اتحادیه‌های کارگری، تشکیلات طبقاتی و مبارزات کارگری، خصوصی سازی خدمات صحی، آموزشگاه‌ها، خدمات عمومی، و سرمایه‌گذاری‌های عمومی، محروم نمودن توده‌های فقیر از آموزش و پرورش به‌دلیلِ گسترش آموزش آنلاین و تقریباً تبدیل شدن دانش‌آموزان به ربات، افزایش بهره‌برداری و ثروت اندوزی کمپانی‌های فناوری پیش‌رفته (Hi-tech)، از طریق هوش مصنوعی (AI) و فناوری اطلاعات(IT) در دست طبقات حاکم، سرپیچی از پرداخت مالیات حقیقی از دارائی‌ها و امور مالی. [همه و همه ناشی از سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی است.]

در حالی که اقتصاد سرمایه‌داری/ امپریالیستی در لجن بحران فرو می‌رود، عقب نشینی کشورهای مختلف به دلیل گسترش کووید۱۹ در سرمایه‌گذاری‌ها، و قرنطینه‌هایی که باعث توقف زندگی مردم شده است، مشکلات عظیمی برای کارگران، توده‌های دهقان و سایر اقشار تحت ستم - به ویژه کارگران مهاجری که در خیابان‌ها بدون آب وغذا رها شدند و سرکوب و کشته می‌شوند – و خرده بورژوازی فقیر و پرولتریزه شده، ایجاد کرده است.

پاندمیک فرصتی دیگری برای انباشت و ثروت اندوزی عظیمی در دست افراد محدود شده است، هنگامی‌که بدهی‌های عظیمی وجود دارد، و ریشه‌های سرمایه‌گذاری‌های جهانی خشکیده، [بازار گرم] احتکار در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی [رونق بیش‌تری گرفته] است. پاندمیک یکی از اصلی‌ترین تهدیدات بشریت شده است، گرایش به جنگ ، تشنگی امپریالیست‌ها را برای سود و ویرانی‌های محیط زیستی تقویت نموده است.

بحران در حال انفجار سراسر جهان را در بر گرفته، و منجر به تشدید بی‌سابقه تضادهای اساسی شده است. نزاع امپریالیستی، مواد سوخت این روند را، به سمت جنگ تقسیم مجدد [جهان]، که امپریالیزم ایالات متحده در صف مقدم آن قرار دارد، تهیه نموده و برای ایجاد یک جنگ سرد جدید علیه روسیه و چین، و سائر قدرت‌های امپریالیستی ، اروپا ، ژاپن و غیره، بر محور ناتو قرار داده است. [از طرف دیگر] امپریالیزم [اشغال‌گر] آمریکا و ناتو با سایر نیروهای امپریالیست به تهاجم و تجاوزات شان به افغانستان ، عراق ، سوریه و ... ادامه می‌دهند.

تمام امپریالیست‌ها در گوشه گوشهٔ جهان با شدت و شتاب بیش‌تر در جنگ و تجاوزات و مسابقه تسلیحاتی درگیر هستند. در حالی که توده ها به دلیل بیماری، فقر و استثمار، آلودگی و تخریب محیط زیست جان‌های خود را از دست می‌دهند، امپریالیست‌ها هم‌چنان، تلاش دارند تمام منابع انرژی، مواد خام و انواع کلی منابع [طبیعی] در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین را در دستان درنده خوی خود داشته باشند، که منجر به فرار امواج بزرگی از مهاجرت‌های کتلوی از بدبختی و مرگ شده است.

در برابر همه این‌ها، پرولتاریا و توده های مردم در سناریوهای مختلف و با ویژگی‌های متفاوتی در هر گوشهٔ جهان شورش و مقاومت را برپا کرده‌اند، از اعتصابات بزرگ عمومی گرفته تا قیام‌های مردمی، مبارزات مسلحانه ضد امپریالیستی، جنگ‌های خلق در هند و فیلیپین، و تلاش مائوئیست‌های ترکیه و پرو در راه جنگ خلق و سازماندهی مجدد احزاب و ارتش آزادی‌بخش خلق.

دولت‌ها و حکومت‌ها با قتل عام کردن و سرکوب‌گری پاسخ می‌دهند و از وضع نمودن محدودیت رفت‌وآمد به‌عنوان جنگ علیه مردم برای تقویت حکومت‌های خود، توسعه فاشیزم مدرن، پولیس دولتی در کشورهای امپریالیستی و حتی بیش‌تر در کشورهای تحت ستم امپریالیزم استفاده می‌کنند.

این جهان سرمایه‌داری باید سرنگون شود. طبقات حاکم لیاقت و حق ادامه حکومت را ندارند. پرولتاریا و مردم ستم‌دیده، [دیگر] نمی‌توانند وحشت و دهشت بی پایان این سیستم جهانی را متحمل شوند، **آن‌ها به دنیای نوینی: بدون استثمار، ستم، پاندمیک و جنگ، نیاز دارند.**

امسال ۱۵۰ سالگی کمون پاریس است.

مارکس به طور روشن و علمی تعریف کرده است که: « این اساساً یک حاکمیت طبقه کارگر بود ، محصول مبارزه تولیدکنندگان علیه طبقه تخصیص دهنده ، شکل سیاسی که در نهایت کشف

شد تا تحت آن رهایی اقتصادی کارگران انجام شود». (مارکس ، جنگ داخلی در فرانسه).

انگلس گفت: «به کمون پاریس نگاه کنید: آن دیکتاتوری پرولتاریا بود».

کمون پاریس با فرامین خود ارتش دائمی [فرانسه] را سرکوب کرد و جایگزین آن مامورانی را نمود که دستمزد کارگران را- به آن‌ها پرداخت می‌نمود. اکثریت اعضای آن [ارتش]، کارگران یا نمایندگان شناخته شده طبقه کارگر بودند که کار خود را فروتنانه، صادقانه و مثمرانه انجام می‌دادند؛ کارخانه‌ها و کارگاه‌ها به انجمن‌های کارگران تحویل داده شده بود.

کمون نشان داده است که پرولتاریا بدون انقلاب قهری نمی‌توانند قدرت سیاسی را بدست آورند.

مهمتر از همه ، کمون نشان داده است که تنها این بسنده نیست تا طبقه کارگر ماشین‌های قدیمی دولت را در اختیار بگیرد بل‌که باید آن‌را نابود کند، زیرا این پیش شرط تمام انقلاب‌های مردمی است.

کمون نشان می‌دهد که امروز برای حل مشکلات اصلی پرولتاریا و توده‌های مردم به چه چیز نیاز است: به انقلابی که به پرولتاریا اجازه می‌دهد قدرت را در دست بگیرند و در ظرف چند روز [مشکلات را] رفع نمایند.

این علتی است که برای سازماندهی و مبارزه مرگ و زندگی ، پایان دادن به سیستم سرمایه‌داری و امپریالیزم ارزش نبرد را دارد، زیرا برای ما بحران و پاندمی، استثمار، فقر، ویرانی محیط زیست، فاشیزم، بربریت جنسیتی و نژادپرستی، حکومت‌های با سیاست‌مداران فاسد در خدمت اربابان، انگل‌های اجتماعی و اقتصادی، سرکوبی و جنگ را، به ارمغان آورده است.

در اول می پرولتاریا و توده‌های مردمی باید در همه اشکال ممکن، در هر کشور و در مقیاس جهانی، نهایت تلاش خود را به خرج دهند برای:

- **شدت بخشیدن به مبارزه طبقاتی، تقویت نمودن ابزارهای مقاومت و دفاعی از خود، اتحادیه‌های صنفی طبقات – آموزشگاه های جنگ و کمونیزم - مبارزات کارگران در کارخانه‌ها، در سکتورهای با میزان بلند استثمار، و در اصالت جدید کارمزدی: آمازون، رایدرز ، کال سنترز؛**
- **تقویت و حمایت از توده‌های دهقانی در هند که امروز، در محاصره رژیم فاشیستی مودی قرار دارند، نشانه‌ای از همه توده‌های دهقان کشورهای تحت ستم در جهان است.**
- **توسعهٔ جنبش زنان خلق مطابق با خط، ایده‌ها و عمل‌کرد فمینیزم انقلابی پرولتری، که نه! به تبعیض و نابرابری، به زن کشی/تجاوز جنسی و به انکار حق سقط جنین، و نه! به ستم مضاعف قرون وسطایی مدرن و برده داری فئودالی، می‌گویند.**
- **توسعه جبهه متحد در تلاش برای یک‌پارچگی جریان‌های مختلف مبارزاتی، برای ایجاد و تقویت جبهه‌های ضد فاشیزم، ضد امپریالیزم، ضد بورژوازی کمپرادور، و جبهه‌های ضد فئودالی پرولتاریا، توده‌های دهقان، دانشجویان، مهاجران، بخش‌های تحت ستم نوین و کهن فقر.**
- **تشدید مبارزه جنگی علیه فاشیزم و نژادپرستی.**
- **تبدیل عصیان و شورش کتله‌های جوانان به یک سازمان پیش‌تاز و انقلابی علیه دولت بورژوازی.**
- **پیوستن نیروها، برای آزادی زندانیان سیاسی و تمامی هم‌ردیفان طبقاتی ما که در پشت میله‌های زندان‌های امپریالیزم و ارتجاع اند.**
- **احیاء و تکامل مجدد مبارزه آزادی‌بخش ملی در کشورهای تحت ستم امپریالیزم و برای بیرون راندن عساکر امپریالیستی از سرزمین‌های خود، و رزمیدن با نیروهای ارتجاعی که در خدمت آن‌ها هستند.**

ما باید از این شرایط مطلوب برای غلبه کردن بر شرایط دشوار جنبش انقلابی و پیش‌برد آن به طور موثر استفاده کنیم. این کار عظیم توده‌ای نیازمند به رهبری کمونیست‌ها، کمونیست‌های امروز -مارکسیست-لنینیست-مائوئیست‌ها- دارد. کسانی‌که در آتش مبارزه طبقاتی و در ارتباط نزدیک با توده‌ها، از پایین شروع می‌نمایند تا از بالا ساخته شوند، و احزاب را برای انقلاب‌های دموکراتیک نوین یا سوسیالیستی، با توجه به شرایط کشورهای مختلف جهان، بنا می‌نمایند.

احزابی که پیش لشکران واقعی طبقه کارگر را با نظریه انقلابی، تئوری علمی مارکس، تعالیم فولادین لنین، در خدمت مردم بودن، همان‌طور که مائو اشاره کرد تشکیل می‌دهند. احزابی که قادر به انتقاد و انتقاد از خود هستند، ارزیابی پیروزی‌ها و شکست‌های پرولتاریا در هر کشور و جنبش کمونیستی بین المللی را می‌نمایند.

احزابی که از شر شیطنت‌های پشت پردهٔ رویزیونیزم، اپورتونیزم، اکونومیزم، پارلمانتاریزم، صلح طلبی خلاص می‌شوند، و در قالب‌های سکتاریستی، در اشکال عقب مانده دگماتیستی و افراط گرایی خرده بورژوایی از دست‌رفته قرار نمی گیرند.

بدون طبقه و توده‌ها هیچ حزبی، انقلابی، انترناســـیونالیزمی وجود ندارد.
این احزاب قادر به توسعه دادن جـــنگ‌های خـــلق درجاهای که جریان دارد، نخست در شبه قاره بزرگ هند، و مسیر پر پیچ و خم اما درخشان جنگ طبقاتی، جنگ انقلابی، و جنگ طولانی مدت خلق را به یک خیزش پیروزمندانه باز کنند.
احزاب و سازمان‌هایی که در این مسیر با جدیت و عزم راسخ متعهد هستند ، ضرورت است و باید امروز متحد شوند، تجارب را در اجتماع پیاده نمایند، و برای هم‌بستگی در مبارزات پرولتری و مبارزات آزادی‌بخش ضد امپریالیستیِ خلق تحت ستم یک‌پارچه شوند.
در مقابله با حاکمان بین‌الملل جهانی و اجیران‌شان، به مبارزه بین المللی همه کارگران در برابر استثمار جهان سرمایه‌داری نیاز است، زیرا فارغ از تفاوت ملیت ، مذهب ، عقاید سیاسی ، نژاد و جنسیت [همه] در تمام کشورها به عین طبقه تعلق دارند.
انترناسیونالیزم پرولتری امروز ما را فرا می‌خواند تا یک **کنفرانس بین‌المـــــللی یک‌پارچه همـــه احـــزاب و سازمان‌ها** را بر اساس مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم دائر نماییم، در گام دوم - پس از مرحله اولیه باشکوهٔ جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و سپس فروپاشی آن - بدلیل رویزیونیزم سنتزهای نوین آواکیان و «راه» پاراچندا - که ما را ۱۰۰ قدم بطرف انترناسیونال کمونیستی نوین هدایت و رهبری می‌کند، به پیش رویم.
ما با جسارت و قاطعیت بیان می‌داریم که امپریالیســـت‌ها و مرتجـــعین رنگارنگ، بالاخره سقوط خواهند کرد، و مردم ستم‌کش جهان پیروزی نهایی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب پرولتری را در یک مقیاس جهانی برای پیروزی سوسیالیزم و کمونیزم، بدست خواهند آورد.

زنده باد کمون پاریس!
بیایید برای قدرت پرولتری علناً و با سلاح های مناسب بجنگیم!
در مبارزه فعلی با نگاه به آینده [به پیش]!
استوار و ثابت قدم، بسوی طوفانی جدید به دنیای بهتر!
زنده باد مارکسیزم–لنینیزم–مائوئیزم!
نابود باد امپریالیزم، سرمایه داری و همه رژیم‌های مرتجعِ خدمت‌گارشان!
زنده باد انترناسیونالیزم پرولتری!
ما چیزی برای از دست دادن نداریم جز زنجیرهای‌مان، و جهانی برای پیروزی داریم!

امضاهایی که تا حال (۳۰ اپریل ۲۰۲۱) صورت گرفته است:

۱- کمیتهٔ ساختمان حزب کمونیست مائوئیست، گالیسیه – ایالت اسپانیه
۲- هسته کمونیستی نیپال
۳- حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
۴- حزب کمونیست نیپال (مائوئیست‌های انقلابی)
۵- اتحاد کارگران کمونیست (م ل م) کُلمبیا
۶- حزب زحمت‌کشان تونس (الکادحین)
۷- حزب مائوئیست کمونیست ایتالیا
۸- حزب کارگران (مارکسیست – لنینیست) – ایالت اسپانیه
۹- خط توده (کانادا)
۱۰- گروه مائوئیستی راه سرخ ایران
۱۱- حزب کمونیست انقلابی کانادا
۱۲- صدای کارگران – مالیزیا
۱۳- جنبش چریکی خلق تونس

عناوین مندرج این شماره:	صفحه

ســـرود انترناســیونال	۴
مقدمه:	۵
پراتیک مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در هفده سال گذشته:	۷
۱ ـ در مورد کادرها و انتخاب دقیق و صحیح آن‌ها:	۱۰
۲ ـ در مورد مبارزه دو خط:	۱۶
۳ ـ در مورد انتقاد و انتقاد از خود:	۱۹
۴ ـ در مورد اصول مخفی کاری:	۲۲
۵ ـ در مورد مسئله مالی:	۲۵
۶ ـ در مورد سیستم گزارش‌دهی:	۲۷
۷ ـ در مورد زنان:	۲۹
حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان:	۳۳
اصول تشکیلاتی حزب:	۳۶
۱ ـ سانترالیزم دموکراتیک و انضباط حزبی:	۳۷
۲ ـ پیوند رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم کار:	۴۱
اطلاعیه وبسایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان	۴۳

اعلامیۀ مشترک احزاب و سازمان‌های مارکسیست ـ لنینیست ـ مائوئیست - اول می ۲۰۲۱

روز اول می سرخ، پرولتری و انترناسیونالیستی

مترجم: کمیته روابط بین‌المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان (www.cmpa.io)

برای پیش‌روی به سوی قدرتِ نوین در دست پرولتاریا و توده‌های مردم، سوسیالیزم و کمونیزم، و علیه سیستم سرمایه‌داری/امپریالیستی، مقاومت و پیکار نمایید. صفحه (۴۴)

وبسایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:

www.cmpa.io

آدرس‌های ارتباطی با حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:

Sholajawid2@hotmail.com

facebook.com/cmpa.io

twitter.com/cmpa_io

instagram.com/cmpa.io

قیمت داخل کشور : ۲۰ افغانی

قیمت بیرون از کشور : ۱ دالر